

زبان و ادبیات دری

صنف دوازدهم



دری صنف دوازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش



سرود ملی

دا وطن افغانستـان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولـو کور دی
د پښتـون او هـزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېـواد به تل ځلیږي
په سینـه کې د آسیـا به
نوم د حق مـو دی رهبـر

دا عـزت د هـر افغان دی
هر بچی یې قهرمـان دی
د بـلوڅـو د ازبکـو
د تـرکمنـو د تـاجکـو
پـامیریـان، نورستانیـان
هـم ایمـاق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکـه زړه وي جـاویـدان
وایـو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



زبان و ادبیات دری

صنف دوازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ.ش.

مشخصات کتاب

مضمون: دری

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دوازدهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادهٔ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آیندهٔ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادهٔ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

درس

اول

پروردگار!

سال نو تعلیمی را با نام و یاد تو آغاز می‌نماییم و با بلند نمودن دست دعا به تو پناه می‌بریم واز تو می‌خواهیم که ما را پناه دهی و آتش نخوت و غرور را به خرمن اعمال ما در نیندازی و آرامش سرتاسری را در کشور ما تأمین نمایی.

مناجات

الهی، بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما بی‌آب مکن.

الهی، اگر حساب با مایه‌داران است، من درویشم و اگر با مفلسان است، من از همه بیشم.

الهی، بر سر ما خاك خجالت نثار مکن و ما را به بلای خود گرفتار مکن.

الهی، بهشت بی‌تو جای شادی نیست و جز از دوستی تو روی آزادی نیست.

الهی، دلی ده که در شکر تو جان بازیم و جانی ده که کار آن جهان سازیم.

الهی، دانایی ده که از راه نیفتم و بینایی ده که در چاه نیفتم.

الهی، یقینی ده که در آز بر ما باز نشود و قناعتی ده که حرص ما باز نشود و چشم امید ما جز بر روی تو باز نشود.

الهی، مگوی که چه آورده اید که درویشانیم و مپرس که چه کرده اید که رسوایانیم.

الهی، تحقیقی ده تا از دنیا بیزار و توفیقی ده که در دین استوار شویم.

الهی، نگاه دار تا پشیمان نشویم و به راه آر که سرگردان نشویم.

الهی، دلی ده که طاعت افزون کند و توفیق طاعتی که به بهشت رهنمون کند.

الهی، دلی ده که در آن آتش هوا نبود و سینه‌یی که در آن آب زرق و ریا نبود.

الهی، اگر پرسی حجت نداریم و اگر سنجی بضاعت نداریم، اگر بسوزی طاقت نداریم.

ماییم همه مفلسان بی‌مایه و همه از طاعت، بی‌پیرایه و همه محتاج و بی‌سرمایه.

الهی، اگر یك بار گویی بندهٔ من، از عرش بگذرد خندهٔ من.

الهی، اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است.

الهی، همه می‌خواهند که در تو نگرند و عبدالله می‌خواهد که تو در وی نگری.
الهی، حجاب‌ها از راه ما بردار و مارا به ما مگذار.
الهی، اگرچه بهشت چشم و چراغ است، بی‌دیدار تو درد و داغ است.
الهی، من به حور و قصور ننازم، اگر نفسی با تو بپردازم از آن هزار بهشت برسازم.
الهی، آفریدی رایگان و روزی دادی رایگان، بیامرز رایگان، که تو خدایی نه بازارگان.
الهی، اگر کار به گفتار است بر سرگوینده‌گان تاجم و اگر به کردار است به شهادت محتاجم.

مناجات‌نامه

توضیحات

* مناجات: راز و نیاز به درگاه خداوند ﷻ را گویند. مناجات‌نامهٔ مسجع خواجه عبدالله انصاری از شهرت به‌سزایی برخوردار است.
نثر مسجع: به نثری گفته می‌شود که در آن جمله‌های قرینه، دارای سجع باشد. سجع در نثر به منزلهٔ قافیه است در شعر. سجع در لغت به معنای «آواز پرنده» است و عموماً «آواز کبوتر و فاخته» را گویند و به طور خاص و در اصطلاح ادبا؛ آوردن کلمه‌های هم‌وزن یا هم‌قافیه است در پایان جمله.
* شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ هـ. ق. متولد شد. وی از محدثان، مفسران، عارفان و شاعران افغانستان و جهان اسلام در قرن پنجم می‌باشد. برخی آثار او عبارت اند از: مناجات‌نامه به نثر مسجع، که معروف‌ترین نوشتهٔ اوست، رسالهٔ دل و جان به نثر مسجع، رسالهٔ واردات، کنزالسالکین که رساله‌یی است به نظم و نثر، قلندرنامه و محبت‌نامه.
این عالم بزرگ بعد از یک عمر تدریس در سال ۴۸۱ هـ. ق. در هرات وفات یافت و در محلهٔ گازرگاه به خاک سپرده شد.



بیاموزیم

۱- مناجات نامه، یکی از معروف‌ترین نوشته‌های خواجه عبدالله انصاری است که به نثر مسجع نگارش یافته است.

۲- شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ هـ. ق. تولد و در سال ۴۸۱ هـ. ق. وفات یافت.

۳- خواجه عبدالله انصاری از مفسران، محدثان، عارفان و شاعران قرن پنجم می‌باشد.



درست بنویسیم

- هرگاه حرف آخری واژه، «الف» باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد، پس از الف یک «ی» به عنوان علامت اضافه نوشته می‌شود؛ اما این «ی» به صورت مستقل نوشته شده، هیچگاه با واژه‌های، قبلی و بعدی خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:
- خدای بزرگ، آشنای دیرین، گدای متکبر(توصیفی)
- گل‌های باغ، دریای کابل، مولانای بلخ (نسبتی)
- تذکرهٔ محمود، مهمان‌خانهٔ حویلی، آرامگاه ناصر خسرو (اضافی)



کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت خواجه عبدالله انصاری به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به شاگردان دیگر انتقال دهد.



۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و فرق میان حمد، مناجات و نعت را به هم‌صنفی‌های خود بیان کند.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با در نظرداشت قواعدی که در بخش «درست بنویسیم» خواندید، در کتابچه های‌تان یک متن خوب بنویسید.

خود آزمایی

۱- خواجه عبدالله انصاری بیشتر به نگارش چه نوع نثر شهرت دارد؟

۲- خواجه عبدالله انصاری کی بود؟

۳- آیا خواجه عبدالله انصاری گذشته از مناجات‌نامه، کتاب‌های دیگری هم دارد؟ نام ببرید.

کار خانه‌گی

۱- یک مقاله در بارهٔ خواجه عبدالله انصاری بنویسید که قواعد خوانده شدهٔ «درست بنویسیم» در آن تطبیق شده باشد.

۲- این مناجات را به حافظه بسپارید:

الهی، بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما بی‌آب مکن.

الهی، اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است ا زدوستان است.

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
دوم

درس امروز توسط یک شاگرد معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱- نعت را از نظر لغوی و اصطلاحی توضیح دهید.

۲-پیرامون معجزۀ شق القمر چه می‌دانید؟

۳- برای سعادت دارین، پیروی از پیغمبر ﷺ ضروری است. توضیح دهید.

٤- در مورد آثار و شرح حال سعدی معلومات دهید.

نعت

کریم‌السجایا جمیل الشیم — نبی‌البرایا شفیع الامم(۱)

امام رسل، پیشوای سبیل — امین خدا، مهبط جبرئیل

یتیمی که ناکرده قرآن درست — کتب‌خانۀ چند ملت بشست(۲)

چو عزمش برآهیخت شمشیر بیم — به معجز میان قمر زد دو نیم(۳)

چو صیتش در افواه دنیا فتاد — تزلزل در ایوان کسری فتاد(۴)

شبی برنشست از فلک برگذشت — به تمکین و جاه از ملک برگذشت

چنان گرم در تیه قربت براند — که در سدره جبرئیل از او باز ماند

بدو گفت سالار بیت‌الحرام — که ای حامل وحی، برتر خرام(۵)

بگفتا فراتر مجالم نماند — بماندم که نیروی بالم نماند

اگر یک سر مو فراتر پرم — فروغ تجلی بسوزد پرم

چه نعت پسندیده گویم تو را — علیک السلام ای نبی الوری(۶)

خدایت ثنا گفت و تبجیل کرد — زمین بوس قدر تو جبرئیل کرد

چه وصفت کند سعدی ناتمام — علیک الصلوة ای نبی السلام

سعدی

توضیحات

سعدی: مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی، شاعر بزرگ و نویسندهٔ گرانقدر در سال‌های اول سدهٔ هفتم هجری قمری در شیراز به دنیا آمد. خانوادهٔ وی از عالمان دینی بودند. وی در جوانی به بغداد رفت و در مدرسهٔ نظامیه و مدرسه‌های دیگر درس خواند و به تکمیل علوم پرداخت. وی سفرهای زیادی کرده است؛ از آن جمله به عراق، شام و حجاز مسافرت داشت. در اواسط سدهٔ هفتم و در زمان سلطان اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳- ۶۸۸ هـ. ق.) سعدی به شیراز باز گشت و در سال ۶۵۵ هجری قمری، کتاب معروف خود «بوستان» یا «سعدی‌نامه» را به نظم نگاشت و نیز اثر مشهور دیگر خود «گلستان» را در بهار ۶۵۶ هجری قمری تصنیف کرد. از آثار دیگر سعدی می‌توان به غزل‌ها، ترجیع بند، رباعی‌ها، مقاله‌ها و قصیده‌های عربی» او اشاره کرد که همه در کلیات وی جمع شده است. به عنوان مثال کتاب گلستان وی دارای هشت باب می‌باشد؛ که به ترتیب عبارتند از: در سیرت پادشاهان، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در عشق وجوانی، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت و در آداب صحبت.» وفات سعدی بین سال‌های(۶۹۱ و ۶۹۴ هـ. ق.) در شیراز اتفاق افتاد و در همان جا نیز به خاک سپرده شد.

۱- «کریم‌السجایا جمیل‌الشیم نبی‌البرایا شفیع‌الامم» او (پیغمبر) دارای اخلاق نیک و عادات پسندیده است. پیامبر خداست بر امت و شفاعت‌کنندهٔ گروه‌های مردم است.

۲- پیامبری که هنوز وحی بر او تمام نشده بود، با رسالت خود، همهٔ ادیان را منسوخ کرد.

۳- چون تصمیم به انذار مشرکان گرفت، با معجزهٔ خود ماه را به دو نیم کرد. مصراع دوم اشاره است به شق‌القمر: شگافتن ماه که از معجزات پیغمبر اسلام در برابر درخواست منکران است.

سورهٔ قمر آیهٔ ۱: «اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» آن ساعت نزدیک آمد و ماه آسمان شگافته شد.

۴- تزلزل در ایوان کسری فتاد: ایوان مداین، کاخ بزرگ ساسانیان در تیسفون که بخشی از آن هنوز باقی است و در روایات آمده است که هنگام تولد پیامبر اسلام حوادثی روی داد و از آن جمله، شگاف برداشتن ایوان کسری بود؛ به تعبیری دیگر در قدرت ساسانیان خلل راه یافت.

۵- حامل وحی: جبرئیل امین و سالار بیت الحرام، پیامبر اکرمﷺ است.
۶- نبی‌الوری: پیامبر و فرستادهٔ خدا بر مردم (وری: مردم)



درست بنویسیم

• هر گاه حرف آخری واژه، «الف» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین بازهم در میان واژه و پسوند، یک «ی» علاوه می‌شود که این «ی» همیشه با واژه‌های پس از خود باید به صورت پیوسته نوشته شود مانند:
• پسوند جمع «آن» نانوا+ی+ان= نانوایان، گدایان، بینایان.
• پسوند تنکیر «ی»: آشنا + ی + ی = آشنایی، پارسایی، دلربایی.
• پسوند صفت نسبتی «ی» دریا + ی + ی = دریایی، کاپیسایی.
• هرگاه حرف آخری واژه «الف» باشد، در پیوند تصغیر «ک» در میان واژه و پسوند یک «گ» علاوه می‌شود که همیشه با واژهٔ بعد از خود باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: زیباگک، جولاگک، گیراگک.



بیاموزیم

۱- نعت: ثنا و صفت پیامبر خداﷺ را گویند.
۲- سعدی در جوانی به بغداد رفت و آنجا در مدرسهٔ نظامیه و درسگاه‌های دیگر درس خواند و به تکمیل علوم پرداخت.
۳- بوستان و گلستان از نوشته‌ها و آثار گرانقدر و معروف سعدی است.
۴- پیامبر خدا با رسالت خود همهٔ ادیان را منسوخ کرد.



کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت گرامی پیامبر خداوندﷺ به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده، نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون نعت شیخ سعدی به همصنفی‌های

خود معلومات دهد.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر زیر دو دو دقیقه سخنرانی کنند:



املا و نگارش

۱-متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.

۲- با در نظرداشت قواعد املایی که خواندید، در کتابچه‌های تان مقاله‌یی پیرامون نعت پیامبر خداوند ﷺ بنویسید.

خودآزمایی

۱- سعدی در کدام نوع سخن ید طولا دارد؟ واضح سازید.

۲- در مورد نعت پیامبر خداوند ﷺ چه می‌دانید؟

۳- آثار شیخ سعدی را نام ببرید.

۴- بیت پنجم نعت شریف را شرح دهید.

کار خانه‌گی

۱- به رویت متن نعت، قواعد املایی این درس را مقایسه کرده، بیان دارید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند　　　تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس

سوم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ‌های مناسب ارائه بدارند:
۱- پیامبر محبوب اسلام جایگاه واژهٔ «ادب» را چگونه تصویر فرموده اند؟
۲- فرق بین «ادب» و «ادبیات» چیست؟
۳- ویژه‌گی‌های ادب اسلامی کدام‌ها اند؟

ادبیات از دیدگاه اسلام

واژهٔ «ادب» معانی و تعبیرهای گوناگونی دارد. عده‌یی آن‌را تأدیب و تهذیب دانسته و برخی هم معارف و تجربه‌های انسانی گفته اند و نیز کلمهٔ ادب به معنای تأدیب و آموزش انسان و توجیه به سوی خوبی‌ها و زیبایی‌های کلامی، کرداری و دعوت به امور خیر و ارزش‌های عالی می‌باشد.
پیامبر محبوب اسلام جایگاه واژهٔ «ادب» را چه زیبا و شیوا بیان فرموده اند: «همانا قرآن ادبگاه خداوند بر روی زمین است؛ پس از این بیاموزید.» بار دیگر و در همین باب پیامبر گرامی اسلام جایگاه «ادب» را چنین به اوجگاه می کشانند: «پروردگارم مرا ادب آموخت، پس تأدیب مرا نیکو گردانید.» این است فراخنای کلمهٔ «ادب و ادبیات» در قاموس اسلام.
و هم معنای لغوی «ادب» دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده، خوی خوش و «آداب» جمع کلمهٔ «ادب» است و «علم ادب» به دانشی گفته می‌شود که با تسلط بر آن، شخصی می‌تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد، سخن درست و نادرست و زشت و زیبا را تفکیک دهد. واژهٔ مرکب «ادبیات» به علومی اطلاق می‌شود که مربوط به «ادب» باشد که قدما این علوم را صرف، نحو، لغت، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه و بهره یافتن از هر علم به قدر حاجت، دانسته اند. ادبیات به مفهوم آنچه در بارهٔ علوم و مسایل ادبی گفتگو کند نیز تبیین شده است.
و همین‌سان «ادب» به طور عام بر مجموع معارف انسانی اطلاق می گردد؛ اما به صورت خاص، ادب و یا ادبیات به کلامی گفته می‌شود که تعبیر کنندهٔ افکار، احساسات و

تجارب انسانی در قالب هنری مؤثر باشد. واژهٔ «ادب» همراه با کاروان تاریخ انسانی راه دور و درازی را پیموده است و فراز و فرود و مد و جزرهایی را تجربه کرده تا به روزگار ما رسیده است. در حال حاضر هرگاه کلمهٔ «ادب» به گوش رسید، به صورت عام ذهن انسان را به تراوش‌های ذهنی در عرصهٔ «شعر و نثر» و «نثر ادبی» رهنمون می‌سازد.

صاحب‌نظران عرصهٔ ادب دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می‌دانند که عبارت اند از: «مفکوره» و «قالب فنی» و یا «مضمون» و «شکل هنری».

برخی نویسنده‌گان و اندیشمندان، ادب اسلامی را عبارت از «تعبیر هنری بازتاب زنده‌گی، هستی و انسان بر وجدان ادیب از خلال جهان بینی اسلام» تعریف نموده اند. هرگاه خواسته باشیم نگاه گذرایی به جایگاه و سیر حرکت ادب اسلامی نماییم، می‌بینیم:

وقتی‌که خورشید اسلام طلوع کرد، ادبیات عرب به خصوص در فنون شعر و خطابه به اوج خود رسیده بود. شعر و خطابه در انسان عربی چنان تأثیر عمیق داشت که بر روح و روان و حرکات و سکنات زنده‌گی وی چیره شده بود؛ بنابر حکمت و مشیت خداوند ﷻ قرآن کریم به خاطر اثبات اعجاز کلام الهی، شعرا و فصحای عرب را به آوردن سورتی مانند قرآن فراخواند که از آن عاجز آمدند. جر کشیدن سخنوران و فصحای عرب اگر از یک طرف تأکید و تأیید بر صدق نبوت پیامبر خاتم بود از جانب دیگر نشانهٔ ارج و اهمیت بزرگی بود که اسلام برای سخن بلیغ، کلام فصیح و ادبیات بلند و برتر قایل می‌باشد و چه شرفی برای ادب، بزرگ‌تر ازین که قرآن خود اوج و قلهٔ فصاحت و بلاغت و بنیادی است برای ادب عالی و برتر.

خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام دستور داد با سلاح سخن و یا «کلمهٔ قرآن» به جهاد مشرکین بپردازد (وَجَاهِدْهُم بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا) (سورهٔ الفرقان:آیهٔ ۵۲) ترجمه: با (سلاح) قرآن به جهادی بزرگ با آن‌ها جهاد کن. با درک تأثیر شعر و فنون سخن در حیات فکری و اجتماعی عرب، شعرا و خطبای پیامبر ﷺ در صحنه‌های مقابله و مبارزه با همتاهای‌شان دست بالایی را نصیب گردیدند؛ تا آنجا که در یک مبارزهٔ فکری و ادبی (شعر و خطابه) اقرع بن حابس زعیم هیأت قبیلهٔ بزرگ تمیم چنین اعلام اعتراف نمود: «یقیناً این مرد (پیامبر ﷺ) منصور و تأیید شده است؛ زیرا خطیب وی سخنگوتر از خطیب ما، و شاعر او شاعرتر از شاعر ماست» و یکجا با قوم خود به دین اسلام مشرف گردید.

بدین ترتیب شعر و ادب در عهد نبوی و دوران خلفای راشدین در سایهٔ تعالیم اسلام و اخلاق ایمان، حرکت نمود و در سینه‌های شعرا و ادبای صدر اسلام، وصف و نعت پیامبر ﷺ، رثای شهدای اسلام، افتخار به نعمت‌های خداوند ﷻ و دیگر اشکال شعر و ادب انعکاس و تجلی یافت. در این مرحله مضامین و عناوین دوران جاهلی شعر و ادب مبنی بر افتخار به جاه و مال، نژاد و قبیله، هجو و ذم نامیمون، غزل فاحش و عریان، ناپدید گردیده جای خود را به مکارم اخلاق و ارزش‌های والای انسانی واسلامی گذاشت. ادب و هنر با مایه‌های انسانی والا در دامن میمون و پر برکت تمدن اسلامی راه رشد پیمود و بر تارک تاریخ اسلام و تمدن بشری چنان مطلوب و برجسته درخشید که سخن گفتن از مفاخر و دست‌آوردهای انسانی در عرصه‌های فرهنگ و گنجینه‌های فرهنگی بدون پرداخت به ادب و هنر اسلامی ناممکن و دشوار است؛ اما این راه و رسم به مرور زمان و با ظهور فتنه‌های کشنده در برهه‌هایی از زمان دچار اختلال و انحراف شد. کاروان شعر و ادب اسلامی با تاثر پذیری از بحران‌های تاریخ از سیر درست بازماند و گرد و غبار توفان‌های روزگار حرکت این کاروان را مختل کرد. با به ضعف گراییدن ادبیات اسلامی، هنر و ادب در بسیاری از موارد از ارزش‌های والای انسانی تهی گشته و ادب و هنر منحرف وارد میدان شد که تا هنوز بسیاری از جریان‌های ادبی در کشورهای اسلامی در تاریکی و گمراهی راه می‌پیماید.
اکنون با گذشت بیشتر از یک‌هزارو چهارصد سال، کاروان شعر و ادب در عرصه‌های مختلف، در سرزمین‌های مختلف با زبان‌های گوناگون از جمله در کشور عزیز ما افغانستان ضرورت به تجدید نظر و نقد دارد تا مسیر خود را باز یابد.
ظهور انجمن‌های ادبی در سطوح ملی و بین‌المللی یکی از پدیده‌های مثبت در جهان ادبیات معاصر است؛ در این راستا تشکیل انجمن جهانی ادبیات اسلامی که نخبه ترین ادبا، شعرا، ناقدان، داستان و ناول نویسان، و اندیشمندان عرصه‌های ادبیات را به حیث اعضای خود دارد خدمات مفیدی را در شناسایی، نشر و گسترش ادبیات اسلامی به زبان‌های مختلف دنیا انجام داده است.

برخی از ویژه‌گی‌های ادب اسلامی

عصرهای اخیر، به خصوص آغاز قرن بیستم شاهد ظهور مکتب‌های ادبی مختلفی بود؛ از قبیل مکتب‌های ادبی تقلیدی یا کلاسیسم، رومانتیسم، ریالیسم، سمبولیسم،

اگزیستانسیالیزم، کوسموپولیتیسم، هنر برای هنر و دیگران که هر یکی از این مکتب‌های ادبی ویژه‌گی‌ها و خصوصیت‌های فکری خاص خود را دارا بوده تعبیر کنندۀ افکار و نظرات مکاتب فکری و فلسفی خاصی می‌باشند؛ زیرا ادب و هنر قالب و وسیله‌یی است برای نشر عقاید، اندیشه‌ها و فلسفه‌های مختلف و هر ادیب و هنرمند آن‌را به خاطر نشر و گسترش فکر و نظر خویش به کار می‌گیرد، و چه بسا که فکر منحرف و اخلاق آلوده و فاسد از لابه‌لای فرآورده‌های هنری و ادبی، جوامع و انسان‌ها را به لجنزارهای فساد و تباهی کشانده است. از نظر نویسنده‌گان و اندیشمندان اسلام، ادبیات اسلامی نیز صفات و خصوصیت‌های خاص خود را دارد که با این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات از سایر مکاتب ادبی متمایز می‌گردد. این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات از فکر و عقیدۀ اسلامی سرچشمه می‌گیرد تا صفت ادبیات اسلامی را کسب نماید. ادب اسلامی صفات و خصوصیات و ویژه‌گی‌های زیاد دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

اول- التزام عقیدتی و اخلاقی

نخستین ویژه‌گی و خصوصیت ادبیات اسلامی «ملتزم بودن» است؛ به این معنی که ادب اسلامی ادب ملتزم ومبتنی به عقیدۀ اسلامی بوده دیدگاه آن به انسان، حیات، هستی، جمال و زیبایی به اساس جهان بینی اسلامی استوار می‌باشد.

دوم - رسالت و هدفمندی

ادبیات اسلامی دارای مقصود و غایتی است که این خصوصیت از حقیقت اسلام سرچشمه می‌گیرد. به این معنی که فرد مسلمان خویشتن را بالاتر از آن می‌داند که از وی گفتار و یا کردار و رفتاری سرزند که مقصود و فایده‌یی در ورای آن وجود نداشته باشد. ادیب مسلمان نمی‌پسندد که وقت خویش را ضایع سازد، استعداد و طاقت خود را به هدر دهد، و یا اوقات بنده‌گان خدا و طاقت و توان ایشان را بدون ثمر ضایع نماید.

سوم - تکامل و فراگیری

اسلام به نفس و روان انسانی دید همه‌جانبه و فراگیر دارد و به اعتبار این‌که انسان مرکب از جسم و روح، هر دو است؛ بناً ادب اسلامی انسان را از همه جوانبش مورد توجه و ارزیابی قرار می‌دهد تا در وی انسجام و توازن و همنوایی ایجاد نماید و کشمکش و تناقض و دوگانگی را از او دور سازد.

چهارم- واقع‌گرایی

منظور از واقع بینی و واقع‌گرایی اسلامی نسبت به انسان، روش مکتب ادبی واقعی ریالیسم غربی نیست که انسان را در ساحۀ کوچک و تنگنای مادیت محدود و محصور ساخته واقعیت بزرگ حیات انسان را با عمق و طول و زمان و مکان وی فراموش نماید؛ بلکه واقع‌گرایی ادب اسلامی انسان را با ضعف و نقص و سقوطش به حیث نقاط ضعف و ناپسند انسان در نظر گرفته؛ اما این حالات را مانند ادب واقعی غربی، دایمی و همیشه‌گی ندانسته به تقدیس و ترسیخ آن نمی‌پردازد؛ زیرا از دید ادبیات اسلامی حالات ضعف و انحراف بشری قابل تدارک و تکامل می‌باشد و ادب و هنر درین راستا نقش سازنده و بنیادین دارد.

پنجم- مثبت‌گرایی و سازنده‌گی

خصوصیت اساسی دیگر ادب اسلامی مثبت‌گرایی و فعالیت رو به ارتقای انسان است که این خاصیت از مبادی اصلی اسلام مایه می‌گیرد؛ زیرا اسلام ضعف، لغزش، سقوط و ارتکاب گناه را برای انسان می‌پذیرد؛ چنانکه آفریدگارش او را وصف نموده (وَخُلِقَ الإِنسَانُ ضَعِيفًا) (سورۀ النساء: آیۀ ۲۸) یعنی: همانا انسان، ضعیف آفریده شده؛ اما با همۀ این نقایص و ضعف‌ها، باز هم ادب اسلامی انسان را به سلبیت و تسلیم شدن در برابر ضعف و ناتوانی دعوت نمی‌کند؛ بلکه ادب اسلامی در چنین حالاتی با روحیۀ التزام و مثبت‌گرایی دست انسان را می‌گیرد و او را از گودال‌های یأس و ضعف و کسالت به سوی امید، قوت، حرکت و سعادت رهنمون می‌سازد.

ششم- ادب برای ادب

«ادب برای ادب» و یا «هنر برای هنر» را به رسمیت نمی‌شناسد؛ بلکه هنر و ادب را برای خیر و فضیلت و تعهد و اخلاق و خدمت‌گزاری انسان و جامعه می‌داند. قرآن کریم شعرای مؤمن و متعهد و با رسالت را از قطار شعرای هرزه‌گو و بی‌هویت و بی‌ماهیت جدا ساخته مورد ستایش قرار می‌دهد: (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ) (سورۀ الشعراء: آیۀ ۲۲۷) ترجمه: مگر کسانی (شاعرانی دروغگو و گمراه نیستند) که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند، وبه هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع (از خویشتن و مؤمنان) بر می‌خیزند؛ آن‌ها که ستم

کردند به زودی می‌دانند که بازگشت شان به کجاست!
پیامبر ﷺ زیبایی سخن و حکمت شعر را ستوده احساس اعجاب و هیجان خویش را در برابر تأثیر شعر وسخن ابراز فرمودند: (ان من البیان لسحرا) یعنی برخی سخنان تأثیرات جادویی دارد و (ان من الشعر لحکمۀ) یعنی در برخی از اشعار حکمت نهفته است؛ چنانچه شاعران خویش را دعوت نمودند تا از شعر و ادب برای دفاع از ارزش‌های اسلام و حاکمیت جامعۀ اسلامی کار بگیرند و در این راستا برای تشویق حسان بن ثابت رضی الله عنه فرمود که با شعر به مقابلۀ مشرکین که در مکه و اطراف آن در قرن اول هجری می‌زیستند، برخیزد و روح الامین (جبرئیل علیه السلام) همواره پشتیبان او خواهد بود. این است هنر و ادب اسلامی که با مضمون و محتوا و دلالت و معنایش با سایر مکاتب ادبی و هنری تمایز پیدا می کند.
خوشبختانه شعر و ادب اسلامی از قرون متمادی در کشور عزیز ما افغانستان، ریشه‌های عمیق دوانده و بر جامعۀ افغانی تأثیر عمیقی بر جای گذاشته است. در جامعۀ ما در ادوار مختلف نویسنده‌گان و شعرایی قد علم نموده اند که در روشنی رهنمایی‌ها و ارشادات اسلامی حالت موجود جامعه را به بررسی گرفته، راه خیر و فلاح را به مردم نشان داده، ظلم ظالمان و عملکرد نا‌روای حکمرانان را تقبیح نموده اند. بر نسل جوان افغانستان است تا با چنین ویژگی‌ها، ارزش‌ها، معیارها و توانایی‌های هنری و ادبی خود را رشد و تقویت بخشند و کاروان سرگردان هنر و ادبیات کشور را به مسیر اصلی اش برگردانند.
هجوم فرهنگی جهانی و تقلید ناپسند از هنر و ادبیات بیگانه فضای ادبی ما را تیره و تار ساخته و ادبیات این سرزمین اسلامی را به ابتذال می کشاند. با گذشت روزها و سال‌ها مضامین، عناوین و موضوعات هنر و ادب تنگ‌تر می‌شود و نسل جوان کشور غیر از مضامین و عناوین مبتذل و مکرر چیز دیگری را برای رشد مواهب ادبی و هنری خود نخواهد دید. هنر و ادبیات اسلامی افق‌های جدیدی را به پهنای زمین و آسمان، انسان و جهان، دنیا و آخرت به روی فرهیخته‌گان ادب و هنر باز می‌سازد؛ پس بر نو نهالان علم و عرفان و فرزندان ادب دوست میهن است تا استعداد ادبی و هنری خود را بیازمایند و چون ستاره‌گان در آسمان علم، معرفت، هنر و ادب ملتزم و متعهد بدرخشند.

توضیحات

هنر برای هنر

در اواخر قرن نزدهم مفکورهٔ ادبی «هنر برای هنر» بر ضد مکتب ادبی رومانتیسم ظهور کرد. به عقیدهٔ پیروان این مکتب شاعر به هیچ وجه نمی‌خواهد شعرش دارای امید و آرزو و خواهشی باشد؛ فقط برای هنر محض احترام قایل است و به زیبایی شکل و طرز بیان اهمیت می‌دهد. به عقیدهٔ پیروان این طرز فکر «شعر نباید بخنداند و نه بگریاند؛ بلکه باید فقط زیبا باشد و هدف خود را در خود بجوید».



بخوانیم و بدانیم

۱- کلمهٔ «ادب» در برگیرندهٔ معانی و دلالت‌های متعدد و متنوع راجع به تأدیب و تهذیب نفس و فراگیری معارف و تجارب انسانی می‌باشد.

۲- علم «ادب» به دانشی گفته می‌شود که با تسلط برآن، شخص می‌تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد.

۳- صاحب نظران عرصهٔ ادب، دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می‌دانند که عبارت اند از: «مفکوره» و «قالب فنی» یا «مضمون» و «شکل هنری».

۴- پیامبر بزرگوار اسلام فرموده اند: «همانا قرآن ادبگاه خداوند بر روی زمین است؛ پس از این دعوت بیاموزید.)

۵- شعر و ادب در عهد نبوی ﷺ و دوران خلفای راشدین در سایهٔ تعالیم اسلام و اخلاق ایمان حرکت نمود.



درست بنویسیم

• واژه‌های عربی جرأت، ملجأ، تأدیه، مأخذ، تأثیر، تأدیب، تأخیر، تأیید، تأکید، مأمور و امثال این‌ها، در زبان دری به همین شکل نوشته می‌شوند.

• با درنظرداشت عدم موجودیت دسته‌بندی مذکر و مونث در زبان دری، بهتر است واژه‌های معلمه، شاعره، رئیسه، مدیره، حاجیه و... را با حذف « ت تأنیث { ة }»، به شکل معلم، شاعر، رئیس، مدیر، حاجی و... نوشته و با نشانهٔ دری جمع بندیم؛ مانند: معلم/ معلمان، شاعر/ شاعران، رئیس/ رئیسان، مدیر/ مدیران، حاجی/ حاجیان و....



کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در مورد جایگاه ادب در اسلام و نقش آن در

زنده گی باهم بحث و گفتگو کنند.
۲- سه تن از شاگردان پیرامون چگونگی شعر و ادب در عهد پیامبر اسلام ﷺ و خلفای راشدین دربرابر صنف سخنرانی نمایند.
۳- شاگردان در مورد این‌که ادبیات بعد از اسلام با ادبیات دورۀ جاهلیت چه تفاوت پیدا نمود؟ باهم مباحثه نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی، به خوانش می‌گیرد املا بنویسید.
۲. با نظر داشت قواعد املایی که دربالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید که از هفت سطر کم نباشد و حد اقل پنج کلمه از آنچه خواندید، در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی

۱- «ادب» انسان را از چه چیزهایی باز می‌دارد؟
۲- «ادب» به طور عام بر چه چیزهایی اطلاق می‌گردد؟
۳- واژۀ «ادب» از کدام دو عنصر اساسی در تعریف ادبیات حایز اهمیت می‌باشد؟
۴- به نظر شما فصاحت و بلاغت کلام و شعر، بر ذهن انسان چه تأثیر می‌گذارد؟
۵- تیوری «ادب برای ادب» چه معنی دارد؟
۶- به کدام نوع فرآوردهای ادبی، هنر و ادب مبتذل گفته شده می‌تواند؟
۷- قرآن کریم، به خاطر چی شعرا و فصحای عرب را به آوردن آیتی مانند قرآن فرا خواند که از آن عاجز آمدند؟

کار خانه‌گی

۱- شاگردان با همکاری و رهنمایی استاد مضمون در مورد جایگاه ادب در اسلام و خصوصیات عمدۀ آن مقاله‌یی بنویسند که کم از یک صفحه نباشد.
۲. ابیات آتی را به حافظه بسپارید:

لاف سرپنجه‌گی و دعوی مردی بگذار — عاجز نفس فرومایه چه مردی چه زنی
گرت از دست برآید دهنی شیرین کن — مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی

سعدی

۳- شاگردان متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرند.

درس
چهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. بیدل کی بود و درکدام زمان می‌زیست ؟
۲. مهمترین آثار او چه نام دارد؟
۳. چرا درک مفاهیم شعری اومشکل است؟ شما شعر او را چطور ارزیابی می کنید ؟

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بزرگترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی فرزند میرزا عبدالخالق درسال ۱۰۵۴ هـجری قمری درشهرعظیم‌آباد پتنه درهندوستان چشم به جهان گشود. نسبت او به قبیلهٔ «ارلاس» بدخشان افغانستان می‌رسد. خانوادهٔ او همه سپاهی‌پیشه و نظامی‌مسلک بودند. این که چه زمان، چرا و چگونه نیاکانش به سرزمین هند مهاجرت کرده بودند، نامعلوم و در پرده‌یی از ابهام است. «عبدالقادر» هنگامی که هنوز بیش از چهار و نیم سال نداشت پدرش را از دست داد و درسایهٔ سرپرستی وتربیت کاکایش «میرزا قلندر» که خود از صوفیان باصفا بود مکتب و مدرسه را رها کرد وتحت آموزش معنوی وی قرار گرفت. او در کنار «میرزا قلندر» با مبانی تصوف آشنایی لازم پیدا کرد؛ هم‌چنین در این راه از امداد و دستگیری «مولانا کمال» دوست و پیشوای معنوی پدر بهره‌ها برد.

« بیدل» هنگامی که سیزده سال بیشتر نداشت به مدت سه ماه با سپاه «شجاع» یکی از فرزندان شاه جهان در ترهت (سرزمینی در شمال پتنه) به سر برد و از نزدیک شاهد درگیری‌های خونین فرزندان شاه جهان بود، پس ازآن نزاع‌های خونین داخلی فروکش کرد و اورنگ‌زیب فرزند دیگر «شاه جهان» صاحب قدرت سیاسی در هند شد، بیدل همراه با مامای خود «میرزا ظریف» درسال ۱۰۷۱ به شهر «کتک» مرکز اوریسه به دیدار «شاه قاسم هواللهی» رفت و این سال از مهمترین وقایع زنده‌گی وی به شمار می‌رود. وی سه سال در اوریسه از فیوض معنوی شاه قاسم بهره برد.

بیدل چهره‌یی خوشایند و جثهٔ نیرومند داشت، فن کشتی را نیک می‌دانست و ورزش‌های طاقت‌فرسا از معمولی‌ترین فعالیت‌های جسمی او بود. در سال ۱۰۷۵ هـ. ق. به دهلی رفت، هنگام اقامت در دهلی دایم‌الصوم بود و آن چنان که خود در چهارعنصر نقل کرده است، به سبب تزکیهٔ درون و تحمل انواع ریاضت‌ها و مواظبت بر عبادات، درهای اشراق بر جان و دلش گشوده شده بود و مشاهدات روحانی به وی دست می‌داد، در سال ۱۰۷۶ هـ. ق. با «شاه کابلی» آشنا شد، دیدار با شاه کابلی تأثیری عمیق بر او گذاشت. و در همین سال درفراق اولین مربی معنویش میرزا قلندر به ماتم نشست، وی درسال ۱۰۷۸هـ. ق. سرایش مثنوی «محیط اعظم» را به پایان رساند. این مثنوی دریای عظیمی است لبریز از تأملات و حقایق عرفانی. دو سال بعد، مثنوی «طلسم حیرت» را سرود و به نواب عاقل خان رازی که از حامیان او بود هدیه کرد. تلاش معاش او را به خدمت درسپاه شهزاده «اعظم شاه» پسر اورنگ زیب باز گرداند؛ اما پس از مدت کوتاهی، چون از او تقاضای مدیحه کردند، از خدمت سپاه استعفا داد. بیدل در سال ۱۰۹۶ هـ. ق. به دهلی رفت و مقدمات یک زنده گی توأم با آرامش و عزلت را در دهلی فراهم کرد. زنده گی شاعر بزرگ در این سال‌ها به تأمل و تفکر و سرایش شعر گذشت و منزل او میعادگاه عاشقان، شاعران و اهل فکر و ذکر بود، در همین سال‌ها بود که بیدل به تکمیل مثنوی «عرفان» پرداخت. با وجود تشنج و درگیری‌های سیاسی دربین سران سیاسی هند و شورش‌های منطقه‌یی و آشفته‌گی اوضاع، شاعر عارف تا آخرین روز زنده‌گی خود از تفکرات ناب عرفانی و آفرینش‌های هنری باز نماند.

بیدل آخرین آیینهٔ تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳هـ. ق. به خاموشی گرایید.

آثار بیدل

از بیدل به جز از دیوان غزلیاتش آثار ارزشمند دیگری نیز در دست است که بیشتر از نود هزاربیت را تشکیل می‌دهد که مهمترین آن‌ها قرار زیر است:

۱ـ مثنوی عرفان ۲ـ مثنوی محیط اعظم ۳ ـ مثنوی رقعات ۴ ـ مثنوی طلسم حیرت
۵ ـ رباعیات ۶ ـ چهارعنصر ۷ ـ رقعات ۸ ـ نکات ۹ ـ طور معرفت و...

زبان شعر بیدل

در شعر بیدل بار ادبی و معنایی کلمات به سرحد کمال خود رسیده است و هم‌چنین موارد جدیدی نیز به آن افزوده شده و زبان نیز در عین ایجاز و در ظاهر اجمال است. به گونه‌یی که خوانندهٔ شعر او برای آن که فهم درستی از شعر وی داشته باشد، لازم است به اندازهٔ کافی از سنت شعر دری مطلع و به اصول اساسی عرفان اسلامی آگاه باشد. شعر بیدل همچون جنگلی بزرگ و ناشناخته است که در اولین قدم به بینندهٔ آن حس حیرت و شگفتی دست می‌دهد و چون پا به داخل آن می‌گذارد دچار غربت و اندوه و ترس می‌شود و در واقع مدتی طول می‌کشد تا با شاخ و برگ و انواع درختان و پرنده‌گان و راه‌هایی که درآن است آشنا شود؛ اما چون مختصر انس و الفتی با آن پیدا می‌کند، به شور و اشتیاق در صدد کشف ناشناخته‌هایش بر می‌آید.

• بیدل شاعری است باتخیل تخلیقی، کشف روابط باریک دربین موضوعات گوناگون و طرح مسایل پیچیدهٔ عرفانی به شاعرانه‌ترین زبان، و همچنین نوآوری شاعر درمسایل زبانی و سبکی، دقتی ویژه وذهنی ورزیده را ازمخاطب برای فهم دقیق ودرک لذت ازشعر وی، طلب می‌کند.

• بیدل شاعری با حکمت وتفکر قدسی است. او غیراز غزلیاتش که هر یک آیینهٔ مجسم ازشعر ناب اند، در مثنوی‌های«محیط اعظم»، «عرفان»، «طلسم حیرت»، «طور معرفت» به تبیین اندیشه‌های عرفانی خود پرداخته است. در میان این مثنوی‌ها دو مثنوی «محیط اعظم» و «عرفان» از قدر و شأن ویژه‌یی برخوردار اند، مثنوی محیط اعظم را شاعر در روزگار جوانی خود سروده است.

ویژه‌گی‌های شعر بیدل

• از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر« بیدل » می‌توان به باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته، ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری توصیف طبیعت، بازی با کلمات و تکرار قافیه، تناقض و عرفان اشاره کرد. گرچه وی به نیکویی واقف است که زبان با تمام امکان‌ها و قابلیت‌هایش، هرگز تاب معانی بلند او را نمی‌آورد؛ چنان که خود می‌گوید:

ای بسا معنی که از نامحرمی‌های زبان   با همه شوخی، مقیم پرده‌های راز ماند

• یکی دیگر از ویژه‌گی‌های شعر « بیدل » آن است که اندیشه‌ها در لایه‌های متعدد و متنوع معنایی، پیچیده و پنهان شده است و فهم ابعاد شعر وی بدون توجه به این نکته امکان ناپذیر خواهد بود. شعربیدل را باید بارها و بارها خواند؛ چرا که در هربارخواندن معنایی دیگر را متجلی نموده و مشام مخاطب را از عطر شگفت و غریبی که گویی از بهار گم‌شده در پرده‌های غیب وزیده است سرشار می‌سازد.

• ازخصوصیات دیگر و امتیازشعر بیدل کثرت کاربرد ترکیبات بکر و تازه در آن است که برای درک درست از شعر او، ناگزیر باید با شیوۀ کاربرد ترکیبات وی مأنوس و آشنا بود، به عنوان نمونه در این بیت:

دلیل کاروان اشکم، آه سرد را مانم   اثر پرداز داغم، حرف صاحب‌درد را مانم

ترکیب‌های «کاروان اشک» و« اثر پرداز داغ» ساختۀ ذهن و زبان آفرینش گر بیدل است.

اندیشه‌های فلسفی بیدل

• از مفاهیم فلسفی در شعر بیدل می‌توان به دو مفهوم «هستی» و «عدم» اشاره کرد. برخلاف بسیاری از شاعران که به کاربرد ادبی و دو واژه اکتفا کرده اند، بیدل با چیره دستی و تسلط تمام برمعانی فلسفی و مباحث مرتبط با «عدم» و «هستی» به شرح وبسط شاعرانه وفیلسوفانۀ این مفاهیم پرداخته است.

• دو دیگر واژۀ حیرت به مثابۀ مفهوم عرفانی- فلسفی نقش و جایگاه مهمی در تفکر و شعر بیدل دارد. یکی از نمادها و اصطلاحات متناظر با حیرت در شعر بیدل آیینه است. او چندان به آیینه و کاربرد آن در شعر خود الفت داشته که او را « شاعر آیینه ها» نامیده اند؛ ترکیباتی از قبیل: آیینه‌خانه، آب آیینه، آیینه‌خو، آیینه‌گری آیینه‌پرداز، آیینه‌آغوش، آیینه‌داری، جوهر آیینه، صیقل آیینه، خانۀ آیینه، آیینۀ حسن، غبار آیینه، خیال آیینه، تمثال آیینه و... تنها بخشی از آیینه پردازی‌های ادبی و فکری «بیدل» به شمار می‌رود.

• دیگر از واژه‌های پرکاربرد و کلیدی عرفانی- فلسفی در شعر بیدل واژۀ «هیچ» است. به طور کلی این واژه در نظریه های عرفانی، کاربرد معنایی دوگانه‌یی داشته

اســت: هیچ در معنای عدم یا نیســتی و هیچ در پوچی و بیهوده گی. در معنای نخست، مفهوم « هیچ» مســاوی است با نیستی سالک در نفس خویش و نیل به وجود مطلق؛ اما در دومیــن معنی، مفهوم «هیچ» با معانی و مفاهیمی از قبیل بی‌معنایی، پوچی محض و خلا مترادف می‌باشد. معنای دیگری که عارفان از این اصطلاح اراده کرده اند و خالی شــدن از توهمات «هست و نیســت» و رهایی از تعلقات «نفس اماره» است که می توان آن را هیچ انگاری عرفانی نامید.

نمونهٔ کلام بیدل

پی اشک من ندانم به کجا رسیده باشد
زپی‌ات دویدنی داشت به رهی چکیده باشد
تب و تاب موج باید زغرور بحر دیدن
چه رسد به حالم آن کس که ترا ندیده باشد
به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد
به چمن زخون بسمل همه جا بهار ناز است
دم تیغ آن تبسم رگ گل بریده باشد
دل ما نداشت چیزی که توان نمود صیدش
سرِ زلفت از خجالت چقدر خمیده باشد
چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی
نشنیده ایم جایی که کس آرمیده باشد
همه کس سراغ مطلب به دری رساند و نازید
من و ناز نیم‌جانی که به لب رسیده باشد
به هزار پرده « بیدل» ز دهان بی‌نشانش
سخنی شنیده ام من که کسی ندیده باشد

توضیحات

سالک: کسی که به طریق سلوک صوفیانه به مقام و مرتبتی برسد که از اصل و حقیقت خود آگاه شود.

نفس اماره: اماره به معنای بسیار امرکننده است و نفس امّاره، یعنی نفسی که به لذت‌ها و شهوت جسمانی میل کند و قلب را به جهت سفلی بکشاند. روح انسانی را به اعتبار غلبهٔ نفس حیوانیت، نفس اماره گویند.



بیاموزیم

۱. ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی درسال ۱۰۵۴ هـجری قمری درهندوستان چشم به جهان گشود.

۲. جز ازدیوان غزلیات، آثاردیگری از بیدل نیز در دست است که بیش از نود هزار بیت را تشکیل می‌دهد.

۳. مهمترین آثار بیدل عبارتند از: طورمعرفت، طلسم حیرت، محیط اعظم، چهارعنصر، عرفان، رقعات، نکات و رباعیات.

۴. باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به‌کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده ازشیوه‌های شاعران گذشته ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شـعری، توصیف طبیعت، بازی با کلمه‌ها وتکرار قافیه از مهمترین ویژه‌گی‌های شعر«بیدل» است.

۵. بیدل آخرین آیینهٔ تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ ق. به خاموشی گرایید.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک «خود، خویش، خویشتن» و ضمایر اضافی «تان، شان، مان» بیاید، درمیان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود؛ اما این«ی» به صورت مستقل نوشته شده، با واژه‌های پسین و پیشین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:

• خود: بالای خود، کالای خود، آشنا ی خود.

• خویش: سیمای خویش، سودای خویش، فردای خویش.

• خویشتن: تنها ی خویشتن، گیرای خویشتن، غم‌های خویشتن.

• تان: گل‌های تان، صدای تان، پیشوای تان.

• شان: غوغای شان، غذای شان، بقای شان.

• مان: خدای مان، نوای مان، زیبای مان.

• اما اگر حرف پایانی واژه، «الف» باشد و در هنگام پیوستن با ضمایر اضافی «– ت»، «–م» و «– ش» قرارگیرد، بازهم همان«ی» درمیان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما «ی» باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ زیرا این‌ها ضمایرمتصل اند و خاصیت شان پیوستن است، مانند:

• ت: کالایت، دستهایت، ادایت.

• ش: زیبایش، مامایش، بهایش.

• م: گپهایم، جایم، کتاب‌هایم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. چند تن از شاگردان به ترتیب در مورد زنده‌گی، آثار، ویژه‌گی‌های شعری، زبان شعری و اندیشه‌های فلسفی بیدل درمقابل صنف قرارگرفته و سخنرانی نمایند.

۲. چند تن از شاگردان، در مورد مفهوم بیت زیر سخنرانی کنند:

چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی
نشنیده ایم جایی که کس آرمیده باشد

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد درکتابچه‌های تان املا کارکنید.

۲. بادرنظرداشت قواعد املایی که دربالا خواندید، واژه‌های کجا، میرزا، صفا و رها را در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک و واژه‌های مولانا، صفا و آشنا را در هنگام پیوستن با ضمایر اضافی درجمله‌های مناسب به کار برده در کتابچه‌های خویش بنویسید.

خود آزمایی

۱. سه ویژه گی عمدهٔ شعر بیدل را بیان کنید.
۲. به نظر شما کدام شاعردیگر می‌تواند با «بیدل» برابری کند؟ به چه دلیل؟
۳. واژه‌های «هستی» و «عدم» چه جایگاهی را درشعر«بیدل» احراز کرده اند؟
۴. برای باریک اندیشی، خیال‌انگیزی و ترکیبات نو درشعر بیدل یک - یک مثال بیاورید.
۵. هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک «خود، خویش، خویشتن» چگونه نوشته می‌شود ؟ با ارائهٔ مثال‌ها واضح سازید.

کارخانه‌گی

۱. معنی، مفهوم و شرح ابیات زیر را درکتابچه‌های خویش نوشته و دو ترکیب تازهٔ کلمات را از میان همین ابیات استخراج نمایید؛ همچنان این بیت‌ها را حفظ نمایید:

تب و تاب موج باید زغرور بحر دیدن
چه رسد به حالم آن کس که ترا ندیده باشد

به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد

۲. متن کامل درس پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس
پنجم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد و در پایان چند شاگرد به سؤال‌های زیر جواب دهند:
۱- استقلال چه معنی دارد؟ استقلال فردی و اجتماعی چیست؟
۲- آیا استقلال حدود و قیودی دارد؟ توضیح دهید.
۳- ابن خلدون در بارهٔ هرج و مرج چه گفته است؟ شرح دهید.
۴- نقش تعلیم و تربیه در نظم جامعه از چه قرار است؟

استقلال فردی و اجتماعی

استقلال و آزادی عبارت از اختیار فعل و یا ترک فعل را گویند و داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد.

استقلال فردی عبارت از اختیارات فرد در جامعه از لحاظ حقوق عمومی است که شامل مصؤونیت شخصی و مصؤونیت منزل و اقامتگاه و آزادی شغل و اشتغال به حرفه، صنعت، تجارت، آزادی شرکت در اجتماعات یا تشکیل انجمن‌ها و احزاب سیاسی، آزادی قلم و مطبوعات می‌باشد.

استقلال و آزادی اجتماعی، عبارت از رعایت حق اجتماعی افراد است که مردم خواهان آن باشند.

آزادی به مفهوم مطلق آن، مطلوب هیچ ایدیالوژی و مکتبی نیست؛ ولی در مفهوم پذیرفتهٔ آن یعنی در حدی که به حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه نزند، مورد تأیید همه ایدیالوژی‌هاست. مهمترین آزادی‌هایی که در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر روی آن تأکید شده عبارت از آزادی بیان، قلم، آزادی اجتماعات و مسافرت است. این آزادی‌ها در اصول عقاید احزاب سیاسی و برنامه و هدف‌های مورد ادعای اکثریت قریب به اتفاق دولت‌ها گنجانیده شده و کشورهای عضو سازمان ملل نیز با تصویب

اعلامیهٔ حقوق بشر آن را پذیرفته اند.

اسلام که دین کامل، شامل و جامع بوده و در تمام عرصه‌های حیات برای بشر دارای برنامه‌های منظم و مفید می‌باشد بر آزادی و استقلال تأکید داشته و چارچوب معینی را برای آن وضع کرده است که با اجرای آن سعادت دارین نصیب بشریت می گردد.

خداوند جلّ جلاله انسان را با ارادهٔ آزاد آفریده است و هیچ کس حق ندارد آزادی اراده را از انسان سلب نماید و انسان را بر خلاف اراده اش به کاری وا دارد. معنای استقلال فردی همین است که انسان می تواند آزادانه ابراز نظر نموده، از حق آزادی بیان استفاده نماید، به اراده و اختیار خود شغل قانونی و مشروع انتخاب کند.

برای اینکه آزادی‌های فردی در زنده گی مردم از تجاوز مصون بماند، انسان‌ها به یک رشته نورم‌ها و معیارها ضرورت دارند که در صدر این معیارها دین، اخلاق و قانون حراست از منافع ملی است. این معیارها در بعضی عرصه‌ها ایجاب می کند که افراد آزادی‌های مطلق فردی را کنار بگذارند و برای قوام زنده گی اجتماعی تن به حاکمیت قانون بسپارند. آن افراد جامعه که از فیض وجدان بیدار برخوردار استند خود حاکم و قاضی خویش بوده، دستگاه‌های حمایت نظم و قانون به تعقیب آنان نمی‌باشند؛ اما، انسان‌ها همه یکسان نیستند و بعضی‌ها از غصب حق دیگران لذت می‌برند و آن‌قدر حریص و خودخواه می‌شوند که می‌خواهند همه چیزهای خوب را برای خود بردارند و همه دشواری‌ها و درد سرها را برای دیگران بگذارند. همین مسأله است که ایجاب پولیس و دیگر تشکیلات امنیتی را می کند.

ابن‌خلدون دانشمند و جامعه‌شناس بزرگ دنیای اسلام می گوید که حکومت ناصالح ظالم نیز بهتر از حالت بی‌حکومتی و هرج و مرج است؛ زیرا فقدان نظم و قانون ظلم و زور را بر جامعه حاکم می‌سازد و آزادی اجتماعی را صدمه می‌زند. یک حکومت سالم برای هر جامعه یک آیدیال است؛ ولی بدبختانه انسان‌ها بدین آیدیال به آسانی نرسیده اند.

مسألهٔ استفاده از آزادی‌های فردی و اجتماعی تابع رشد فکری بوده و مربوط به جامعه و تعلیم و تربیهٔ افراد نیز می‌باشد. تعلیم و تربیهٔ سالم، افراد را پیش از هر چیز با مکلفیت‌های قانونی و اخلاقی شان آشنا می‌سازد و به آنان می‌فهماند که آزادی‌های فردی و اجتماعی دیگران از چه قرار است.

رشد درجهٔ آزادی‌های فردی و اجتماعی را هیچ‌گاه نمی‌توان از رشد تعلیم و تربیه در یک کشور جدا کرد. تحقق درست آزادی‌های فردی و اجتماعی هنگامی میسر می‌شود که افراد از حقوق و آزادی‌های هم‌دیگر به طور کامل آگاه باشند و این ممکن نیست؛ مگر از راه توسعه و تعمیم تعلیم و تربیه و رشد علمی و عملی افراد جامعه.

توضیحات

اتحادیه: واحد مشترکی از سازمان‌های جداگانه و یا انجمنی از اشخاص حقیقی یا حقوقی برای پیگیری هدف‌های مشترک یا سازمان متشکل از کارگرانی که برای حفاظت از منافع مشترک و بهبود بخشیدن به شرایط کارشان به آن پیوسته اند.

جامعه: عبارت از گروه وسیع مردم شامل سازمان‌های متعدد و مرکب از عدهٔ کثیری زن و مرد و کودک است که در طی زمان طولانی از اتکای متقابل اجتماعی و نظم گروهی بهره‌مند باشد. جامعه‌یی که وابستهٔ محل معین و از جوامع دیگر، کمابیش بی‌نیاز باشد، اجتماع خوانده می‌شود.



بیاموزیم

۱- آزادی فردی این است که انسان بتواند آزادانه ابراز نظر نماید، از حق آزادی بیان استفاده کند و به اراده و اختیار خود شغل قانونی و مشروع انتخاب کند.

۲- ابن خلدون دانشمند و جامعه‌شناس بزرگ می‌گوید: «حکومت ناصالح و ظالم نیز بهتر از حالت ناحکومتی و هرج و مرج است؛ زیرا فقدان نظم و قانون ظلم و ستم را بر

جامعه حاکم می‌سازد و آزادی‌های فردی و اجتماعی را صدمه می‌زند».



درست بنویسیم

در زبان عربی «الف مقصوره» یایی است که «ی» در پایان واژه‌ها «آ» خوانده می‌شود، چنین واژه‌ها در املای دری، مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.

هرگاه واژه‌ها مختوم به «الف مقصوره» در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند، «ی» به صورت «الف» (ا) نوشته می‌شود و قاعدهٔ واژه‌های مختوم به «ا» بر آن‌ها تطبیق می‌گردد؛ مانند:

عیسی	عیسای مریم
موسی	موسای کلیم‌الله
معنی	معنای واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی.
لیلی	لیلای محصل پوهنتون یا دانشگاه، انگور اعلای کوهدامنی.
شوری	شورای وزیران
یحیی	یحیای برمکی

هرگاه این گونه واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شوند:

موسی	موسوی
عیسی	عیسوی
معنی	معنوی
مصطفی	مصطفوی

اما در املای زبان دری شکل‌های زیر را به خود می‌گیرند:

موسی	موسایی

عیسی	عیسایی
معنا	معنایی
مصطفی	مصطفایی

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون آزادی‌های فردی و اجتماعی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هرگروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده اهمیت آزادی را به همصنفی‌های خود توضیح دهد.

۳- چند شاگرد در مورد نقشهٔ زیر سخنرانی کنند:



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- در بارهٔ اهمیت قانون در جامعه چند سطر بنویسید.

خود آزمایی

۱- آزادی یعنی چه؟ توضیح دهید.

۲- در بارهٔ آزادی فردی و اجتماعی چه می‌دانید؟ بیان کنید.

۳- جامعه و اجتماع از هم چه فرق دارند؟

۴- آیا حکومت ناصالح از هرج و مرج و انارشیسم بهتر است یاخیر؟ چرا؟ درباره تبصره کنید.

۵- «آزادی بیان حق مسلم هر شهروند است.» این جمله را شرح کنید.

کار خانه‌گی

۱- با در نظر داشت قواعدی که خواندید یک مقاله پیرامون اهمیت آزادی بنویسید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

برگ و سازکاینات از وحدت است　　　اندرین عالم حیات از وحدت است

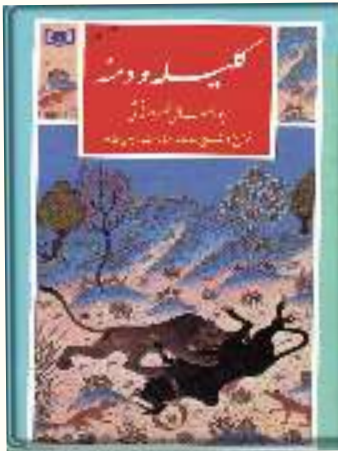
۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
ششم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱- در بارهٔ کلیله و دمنه چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
۲- آیا کلیله و دمنه همان پنچه تنتره بوده است و چه معنی می‌دهد.
۳- کلیله و دمنهٔ فعلی شامل چند باب است؟ نام ببرید. ٤- چه کسانی کلیله و دمنه را ترجمهٔ منظوم نموده اند؟ ٥- مقصود از تألیف کلیله و دمنه چیست؟
٦- کلیله و دمنه به کدام نام‌های دیگر در ادبیات جهان معروف است؟

کلیله و دمنه



کتاب کلیله و دمنه مجموعه‌یی ارزشمند از دانش و حکمت است که مردمان خردمند قدیم گردآوری کرده اند و برای فرزندان خویش به میراث گذاشته و از آن حکمت عملی و آداب زنده‌گی و زبان می آموختند.

اصل کتاب به زبان سانسکریت بود که به نام پنچه تنتره «panchatantra» در پنج باب فراهم آمده است و برزویهٔ طبیب مروزی در عصر انوشیروان خسرو، پسر قباد پادشاه ساسانی آن را به پهلوی درآورد و ابواب و حکایاتی چند بر آن اضافه نمود که اغلب آن‌ها از مآخذ دیگر هندی سانسکریت بود.

این کتاب که امروز به نام‌های گوناگون کلیله و دمنه، انوارسهیلی، عیار دانش، همایون نامه و افسانه‌های بیدپای در ادب جهان معروف است که دری زبانان آن را از هندوستان آورده و خود چند باب بدان افزوده و بدین صورت تنظیم و فصل‌بندی کرده اند؛ همچنان در زمان سلطان بهرام‌شاه غزنوی بازهم به زبان دری تکثیر شد که به‌نام کلیله و دمنهٔ بهرامشاهی نیز یاد می‌شود.

برای اثبات این امر که کلیله و دمنه از آثار ادبی سانسکریت اقتباس و ترجمه شده اسناد و مدارک زیاد در دست است. عنوان اصلی و کلی کتاب از نام دو شغال که در حوادث باب نخستین فعالیت دارند، گرفته شده است.

ابن ندیم کتاب کلیله و دمنه را ۱۷و ۱۸ باب می‌داند. عبدالله بن مقفع و دیگران آن را تفسیر کرده اند؛ سپس رودکی و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. میر بهادر واصفی بدخشی آن را به نظم دری کشیده و علی بن داوود و بشر نیز آن کتاب را به شعر عربی درآورده اند.

ابن خلکان می‌گوید: چند تن تألیف عربی آن را به عبدالله بن مقفع نسبت داده اند، لیکن همهٔ مؤرخان معتقدند که عبدالله بن مقفع فقط این کتاب را از پهلوی به عربی ترجمه کرده است. برخی عقیده دارند که این کتاب به دستور خسرو انوشیروان به وسیلهٔ طبیبی به نام برزوی یا برزویه از هندوستان به کشورما آمد و به زبان پهلوی ترجمه شد. مسعودی (قرن چهارم) آن را به یکی از پادشاهان هند نسبت می‌دهد. فردوسی نیز آن را در شاهنامه تکرار می‌کند.

ابو المعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی، کلیله و دمنه را که در زمان بهرام شاه غزنوی ترجمه کرده، می‌گوید: «کتاب کلیله و دمنه پانزده باب است و از آن اصل کتاب که هندوان کرده اند ده باب است. و از جمله می‌توان از چند باب نام برد:

۱- باب شیر و گاو

۲- باب دوستی کبوتر نامه‌رسان

۳- باب گربه و موش

۴- باب شیر و شغال

۵- باب بوزینه و سنگ‌پشت

۶- باب زاهد و مهمان

آنچه دری‌زبانان بدان افزوده اند:

بدون تردید دو باب از ابواب کلیله و دمنه را نویسنده‌گان کشورما بر آن افزوده اند: یکی داستان مأموریت برزویه در هندوستان و دیگر زنده‌گانی برزویه.

کتاب پنچاتنترا با کلیله و دمنه شباهت تام دارد و باید گفت سرمشق و مآخذ برزویه

طبیب بوده است؛ البته حوادث اصلی کلیله و دمنه و دیگر افسانه‌هایی که در آن جمع‌آوری شده از هندوستان آمده، ولی جمع آوری آن‌ها در یک کتاب و شکلی که این افسانه‌ها در قالب آن عرضه شده می‌تواند ابتکار برزویه یا بزرگمهر باشد.

پنچه تنترا: دایرة‌المعارف بزرگ در این باب می‌نویسد:

پنچه تنترا مجموعهٔ مشهور قصه‌های هندی است که به برهمنی و یشنویی منسوب است. این مجموعه که هم‌اکنون در دست است در اواخر قرن پنجم میلادی تدوین و از پنج کتاب تشکیل شده: (پنچا= پنج، تنترا= اندرز)

جدایی دوستان، به دست آوردن دوستان، جنگ بومان و زاغان، از دست دادن مزایای مکتب و فاعل اعمال نسنجیده.

کتاب اصلی، به وسیلهٔ برهمن و یشنویی گردآوری شده که در قرن سوم پس از میلاد در کشمیر می‌زیسته است. این کتاب شامل یک مقدمه و پنج باب است که هریک به نام «تنترا» نامیده شده و مقصود از آن آموختن فن زنده‌گی و حکمرانی به شاهزاده‌گان است. این کتاب، پیراسته و آراسته به معانی عالی و انواع صنایع لفظی و معنوی کلام می‌باشد و صنایع آن چنان طبیعی آورده شده که خواننده کمتر متوجه آن می‌گردد.

کلیله و دمنه ترجمه و تحریر نصرالله منشی از لحاظ انشا و تحریر بهتر و برتر از همه ترجمه‌های دیگر است. نصرالله منشی در این کتاب کالبد اصلی داستان را از ترجمهٔ ابن مقفع می‌گیرد و مانند معماری هنرمند که با ظرافت و نازک‌کاری عمارتی را به انجام می‌رساند، با ذوق و طبع سلیم خود کتاب را از نظر کمی و کیفی پربارتر می‌کند. از نظر کمی، علاوه بر افزودن چند باب، داستان‌ها را گسترش می‌دهد، در میان داستان، عبرت‌آموزی‌ها می‌کند، هر جا لازم بداند، تمثیل و یا تلمیحی می‌افزاید؛ به آیات قرآنی و احادیث نبوی استشهاد می‌کند اشعار دری و عربی را متناسب مقال می‌آورد. از نظر کیفی نثر کلیله و دمنه مصنوع است، اما تصنعی نیست و به همین جهت برای خواننده آن‌چنان که نثرهای مشابه او دشوار است، دشوار نمی‌نماید. عبارت‌های پرمغز و پرمعنی و موجز، در سراسر کلیله و دمنه فراوان است. داستان‌های کلیله و دمنه مانند زنجیری که حلقه‌هایش به‌هم پیوند خورده است؛ به هم متصل می‌باشد.

توضیحات

کلیله و دمنه: در اصل دو شغال است و این کتاب معروف که اصول اخلاق را به طرز اکثر حکایت‌ها از زبان وحوش بیان می کند از کتاب‌های مشهور دری است.

پنچه تنتره: پنچه به معنای پنچ و تنتره به معنای اندرز است، پنچه تنتره به معنای پنج‌اندرز یا پنج کتاب می‌باشد که در اواخر قرن پنجم میلادی تدوین یافته است.

عبدالله بن مقفع: کسی که کتاب کلیله و دمنه را از پهلوی به عربی ترجمه نموده است،

ابو المعالی نصرالله بن محمد بن عبد الحمید منشی، کسی که کتاب کلیله و دمنه را از عربی به دری ترجمه نموده است.



بیاموزیم

۱. اصل کتاب کلیله و دمنه به زبان سانسکریت بوده که به نام پنچه تنتره یاد می‌شود و به معنای پنج اندرز و یا پنج کتاب می‌باشد؛ سپس ابواب و حکایت‌های چند برآن افزوده شده است.

۲. کتاب کلیله و دمنه را رودکی سمرقندی و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. میر بهادر واصفی بدخشی ترجمهٔ منظوم نموده اند.

۳. کلیله و دمنه کتاب پیراسته و آراسته با معانی و انواع صنایع لفظی و معنوی است.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف اخیر واژه‌یی «واو» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین بازهم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود که همیشه با واژهٔ پسینش باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

• پسوند جمع «ان»: ماهرو+ ی = ماهرویان، بدخویان، نیکویان....
• پسوند اسم معنا «ی»: نیکو + ی+ ی = نیکویی، جادویی، بدخویی....
• پسوند تنکیر «ی»: ترسو+ ی = ترسویی، کامجویی، آرزویی....
• پسوند صفت نسبتی«ی»: لیمو+ ی + ی = لیمویی، آهویی

• هرگاه حرف پایانی واژه، «واو» باشد در پیوند با پسوند تصغیر «-ک» در میان واژه و پسوند «-گ» علاوه می‌شود که همیشه بعد از واژه باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: جاروگک، کدوگک، ترسوگک.



کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب کلیله و دمنه به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در بارهٔ پنچه تنتره معلومات دهد.



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌هایتان بنویسید.
۲- با درنظرداشت قواعد املایی که خواندید، در کتابچه‌های تان چند کلمه از پسوند تنکیر «ی» و پسوند صفت نسبتی بنویسید.

خود آزمایی

۱- کلیله و دمنه چیست؟ دربارهٔ چه بحث می کند؟
۲- پنچه تنتره چه معنا دارد؟
۳- پنج باب از کتاب کلیله و دمنه را نام بگیرید.
۴- کتاب کلیله و دمنه چه نوع حکایت‌هایی را بیان می کند؟
۵- چه کسانی تا کنون کتاب کلیله و دمنه را به نظم دری در آورده اند؟

کار خانه‌گی

۱- نکات مهم درس خوانده شده را یادداشت نمایید.
۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

بیدل از معنی‌طرازی بر کمال خود ملاف
گرد ساحل باش، این موج از محیط دیگر است

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس
هفتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان معرفی شود و شاگرد باید طوری صحبت کند که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱- تعریف علمی و دقیق شعر را بیان دارید.
۲- انواع شعر را از نظر قالب و شکل نام ببرید.
۳- در بارۀ قافیه و ردیف چه می‌دانید؟ بگویید.
٤- مطلع و مقطع را توضیح دهید.

شعر دری از لحاظ قالب شعری

انواع شعر دری را از لحاظ شکل و قالب می‌توان به دوبخش تقسیم کرد:
۱- انواع شعر کلاسیک که عبارت است از: قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد و دوبیتی.
۲- انواع شعر معاصر که عبارت است از: شعر نو و یا شعر نیمایی، شعرسپید....

انواع شعر از نظرشکل

شعر، کلام موزون، مقفی و مخیل بوده که بیان کنندۀ احساسات و عواطف می‌باشد. به عبارت دیگر، شعر پیوند گره خوردۀ نهانی، تعقل، فکر و تعطف انسان می‌باشد.

بیت و مصراع: مصراع، در لغت به معنای یک لنگه و در اصطلاح حد اقل سخن موزون و نیمی از یک بیت است. بیت در لغت به معنای خانه و در اصطلاح حد اقل شعر است که از دو مصراع تشکیل شده باشد.

قصیده

قصیده شعری است بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع مربوط به یکدیگر در بارۀ موضوع و مقصود خاص از ستایش یا نکوهش، تهنیت یا تعزیت، شکر یا شکایت، فخر یا حماسه، پند و حکمت و یا مسایل اجتماعی و اخلاقی و عرفانی، در حد اقل پانزده بیت و به طور متوسط از بیست تا هشتاد بیت می‌باشد. کمی یا زیادی بیت‌های قصاید بسته گی دارد به اهمیت موضوع، قدرت و قوت طبع شاعر و نوع قافیه و اوزان شعری،

مطلع و مقطع: در اصطلاح شعرا بیت اول غزل و قصیده را مطلع و بیت آخر را مقطع می گویند.

حسن مطلع و حسن مقطع: اگر بیت اول غزل یا قصیده‌یی خوب و مرغوب و زیبا باشد، می گویند دارای «حسن مطلع» است. و اگر بیت آخر آن‌ها مطبوع و دلپسند شده

باشد، می‌گویند دارای «حسن مقطع» است.

تشبیب، نسیب، تغزل: هر سه لغت در فرهنگ‌ها مترادف یکدیگر و به معنای غزل گفتن و سخن عاشقانه سرودن است. در اصطلاح شعرا، پیش‌درآمد اوایل قصیده است که مانند مقدمه‌یی در بیان زیبایی‌های محبوب و حکایت حال عشق و عاشق، شور و شوق و لذت وصل، رنج هجر و فراق، یا وصف مناظر طبیعت از کیفیت فصول، آسمان، زمین، کوه، دریا، دشت و صحرا و امثال آن‌هاست، آن‌گاه شاعر به مناسبتی شیرین و گیرا و بیانی لطیف از این مقدمه به اصل مقصود قصیده: از قبیل مدح و ستایش یا تهنیت و تعزیت و نظایر آن گریز می‌نماید؛ بنابر این تشبیب... در حقیقت پیشاهنگ قصیده و زمینه‌سازی شاعر است برای ورود به اصل مقصود.

تخلص در قصیده: این تخلص به معنای گریززدن و منتقل شدن از تشبیب و پیش در آمد است به اصل مقصود قصیده. همان طوری که در ضمن بیان تشبیب بدان اشاره شد.

این گریززدن به وسیلهٔ بیتی که آن را «بیت تخلص نامند، صورت می گیرد. حال اگر شاعر این بیت را به زیبایی و گیرایی و مناسبت لطیف سروده و با مهارت و استادی از تشبیب به اصل موضوع قصیده خود را رسانده باشد؛ به کار او «حسن تخلص» می گویند.

نمونهٔ قصیده

نبینی بر درخت این جهان بار ... مگر هشیارمرد، ای مرد هشیار
درخت این جهان را سوی دانا ... خردمند است بار و بی‌خرد خار
نهان اندر بدان نیکان چنانند ... که خرما در میان خار بسیار
مرا گویی «اگر دانا و حُرّی ... به یمگان چون نشینی خوار و بی‌یار؟»
به زنهار خدایم من به یمگان ... نکو بنگر، گرفتارم مپندار
نگوید کس که سیم و گوهر و لعل ... به سنگ‌اندر گرفتارند یا خوار
اگر خوار است و بی‌مقدار یمگان ... مرا اینجا بسی عز است و مقدار
نشد بی‌قدر و قیمت سوی مردم ... ز بی‌قدری صدف لولوی شهوار
اگر بار خرد داری، وگر نی ... سپیداری سپیداری سپیدار
نماند جز درختی را خردمند ... که بارش گوهر است و برگ دینار
به از دینار و گوهر علم و حکمت ... کرا دل روشن است و چشم بیدار

ناصر خسرو

غزل: در لغت به معنای حدیث عشق و عاشقی گفتن است، و در اصطلاح شعرا اشعاری است که بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع. تعداد ابیات آن به طور متوسط از پنج تا دوازده بیت و گاهی تا حدود شانزده بیت و به ندرت نزده و بیست بیت است؛ اما کمتر از پنج بیت- سه چهار بیت – را می‌توان غزل ناتمام نامید. غزل تنها، در مضامین عشق و عاشقی سروده نمی‌شود؛ بلکه ممکن است متضمن مضامین اخلاقی و دقایق حکمت و معرفت و عرفان و جزءآن باشد.

از طبیب اصفهانی

غمـــت در نهان‌خـــانهٔ دل نشیند — بـــه نازی که لیلی به محمل نشیند
به دنبال محمـــل چنان زار گریم — کـــه از گریه ام ناقه در گل نشیند
خلد گر به پا خـاری آسان بر آرم — چه سازم به خاری کـه در دل نشیند
مرنجان دلم را که این مرغ وحشی — زبامی که برخاست به مشکل نشیند
بنازم بـــــه بـزم محبت که آن‌جا — گـــدایی بـــه شاهی مقابل نشیند

طبیب، از طلب در دو گیتی میاسا
کسی چون میـان دو منزل نشیند؟

مثنوی: اشعاری بر یک وزن، اما هر بیت آن دارای قافیهٔ مستقل است، یعنی دو مصراع هر بیت هم قافیه است. چون هر بیت آن مستلزم دو قافیه یا هر دو مصراع ابیات مقفاست، به آن مثنوی گفته اند. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست و به همین دلیل از آن برای به نظم درآوردن تواریخ، قصص و افسانه‌های طولانی استفاده می‌شود؛ مانند:

مثنوی مولوی

بشنو از نی چون حکایت می کند — از جـــــدایی‌ها شکایت می کند
کـــز نیستـــان تا مـرا ببریده اند — از نفیرم مــرد و زن نالیـــده اند
سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق — تـا بگـــویم شــرح درد اشتیـاق
هر کسی کو دور ماند از اصل خویش — بازجـــوید روزگار وصل خویش
من به‌هــر جمعیتـی نالان شــدم — جفت بد حالان و خوش حالان شدم
هر کسی از ظن خـود شد یار من — از درون مـن نجست اسـرار مـن
تن زجان و جان ز تن مستور نیست — لیک کس را دید جان د ستور نیست
آتش عشقست کـــاندر نـی فتاد — جو شش عشقست کاندر مـی‌فتاد
همچو نی زهری و تر یاقی که دید — همچونی دمساز و مشتاقی کـه دید
نی حـــدیث راه پر خون می کند — قصه‌های عشق مجنـــون می کند

رباعی

شعری است در دو بیت با مطلع و مصرع بروزن (لاحول ولاقوةالا بالله) که رعایت قافیه در دو مصراع بیت اول و مصراع چهارم الزامی و در مصراع سوم اختیاری است.

جامی است کـــه عقل آفرین می‌زندش   صد بوسه زمهر بر جبین می‌زندش

این کوزه گــر دهـــر، چنین جام لطیف   مـــی‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

خیام

جز من اگـــرت عاشق شیداست، بگو   ور میـــــل دلت به جانب ماست بگـــو

ور هیچ مرا در دل تو جـــــاست، بگو   گر هست بگو، نیست بگو، راست بگـو

مولوی

دو بیتی

شعری است در دو بیت که با رباعی در قافیه‌بندی یکی؛ اما در وزن با آن فرق دارد. به عبارت دیگر، شعری است با مطلع مصرع، ولی از حیث وزن محدویت رباعی را ندارد. یعنی قافیه در هر دو مصراع بیت اول و مصراع چهارم رعایت شده باشد و آوردن قافیه در مصراع سوم اختیاری است؛ مثال:

زدست دیده و دل هر دو فریاد   که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد   زنـــم بر دیده تا دل گـردد آزاد

قطعه

نوع ابیاتی است بر یک وزن و قافیه بدون مطلع مصرع، که از اول تا آخر همه مربوط به یکدیگر، راجع به یک نوع موضوع اخلاقی و حکایت شیرین با مدح و هجو و تهنیت و تعزیت و امثال آن باشد. حد اقل قطعه دو بیت و حد اکثر پانزده بیت است. ولی بر حسب ضرورت تا حدود پنجاه بیت و بیشتر از آن نیز گفته اند. در این صورت فرق آن با قصیده همان است که قطعه دارای مطلع و مصرع نیست، یعنی قافیه را از آخر بیت اول آغاز کرده و در مصراع اول نیاورده اند؛ اما قصیده شرط است که دارای مطلع مصرع باشد. کلمۀ قطعه به معنای یک پاره از هر چیزی است و چون این نوع شعر شبیه پاره‌یی از ابیات قصیده است، آن را «قطعه» نامیده اند؛ مثال:

دوست مشمـــــار آن که در نعمت زند   لاف یـــاری و برادرخوانده‌گی

دوست آن باشد که گیرد دست دوست   در پریشان‌حالـــی و درمانده‌گی

سعدی

ترجیع‌بند و ترکیب‌بند

آن است که از چند قسمت اشعار مختلف تشکیل شده باشد، همه در وزن یکی و در قافیه مختلف، به این شرح که چند بیت بر یک وزن و قافیه مخالف باشد؛ همچنان این عمل را چند بار تکرار کنند، طوری که در فواصل همهٔ بخش‌ها بیتی منفرد آمده باشد.

پس هرگاه یک بیت را در فواصل عیناً تکرار کرده باشند آن نوع شعر را «ترجیع‌بند» و اگر ابیات فواصل با یک‌دیگر فرق داشته باشد، آن نوع شعر را «ترکیب‌بند» خوانند.

زباغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید　　کلید باغ ما را ده که فـردا مان به کار آید

کلید باغ را فردا هـزاران خـواستار آید　　تو لختی صبر کن چندان که قمری بر خیار آید

بدین شایسته‌گی جشنی بدین بایسته‌گی روزی

ملک را در جهان هر روز، جشنی باد و نوروزی

مسمط

نوعی از قصیده یا اشعاری است هم‌وزن، مرکب از بخش‌های کوچک که همه در وزن و عدهٔ مصراع‌ها یکی و در قوافی مختلف باشد؛ مثلاً: در ابتدا پنج مصراع بر یک وزن و قافیه بگویند و در آخر مصراع‌ها یک مصراع دیگر بیفزایند که در وزن مشترک ولی در قافیه متفاوت باشد. از مجموع آن شش مصراع یک بخش تشکیل می‌شود که آن را به اصطلاح شعرا، یک رشته از مسمط گویند و در رشتهٔ دوم باز پنج مصراع بر یک قافیه بگویند که با رشتهٔ اول در وزن یکی و در قافیه مختلف باشد؛ اما مصراع ششم را بر همان وزن و قافیه بیاورند که در آخر رشتهٔ اول بود؛ مانند:

کرده گلو پر ز باد، قمری سنجاب پوش　　کبک فرو ریخته، مشک به سوراخ گوش

بلبلکان بانشاط، قمریکان با خـروش　　در دهن لاله مشک، در دهن نخل نوش

سوسن کافوربوی، گلبن گوهر فروش　　وزمـه اردیبهشت کـرده بهشت برین

مستزاد

مستزاد به شعری گفته می‌شود که در آخر هر مصراع از «رباعی» یا «غزل» و «قطعه پارهٔ مصراع یا جمله‌یی از نوع نثر موزون مسجع افزوده گردد، که از لحاظ معنا با آن مصرع مربوط است؛ مانند مستزاد زیر از ابوسعید ابی الخیر:

از دوست پیام آمد کاراسته کن کار　　این است شریعت

مهـر دل پیش آر و فضول از ره بردار　　این است طریقت

گر حاجت خود بری به درگاه خدا / حاجات تو را کند خداوند روا
با صدق و صفا / بی چون و چرا
زنهار مبر حاجت خود در بر خلق / کز خلق نیاید کرم و جود و عطا
با جامهٔ دلق / بی شرک و ریا

سنایی

شعر معاصر

این اصطلاح به مجموعهٔ اشعاری که در نیم قرن اخیر خارج از اسلوب متقدمان سروده شده است، اطلاق می‌شود. در این زمینه می‌توان شعر معروف علی اکبر دهخدا را مثال آورد:

ای مرغ سحر، چون این شب تار / بگذاشت ز سر سیاه‌کاری
وز نفخهٔ روح‌بخش اسحار / رفت از سر خفته‌گان خماری

بعد از دهخدا، برخی از شاعران معاصر؛ مانند: ملک الشعرا بهار و ابوالقاسم لاهوتی و دیگر شاعران متجدد به ساختن دوبیتی‌های پیوسته (رباعی) پرداختند؛ مانند: قطعهٔ «کبوتران من» اثر ملک الشعرا بهار که بند نخستین آن چنین است:

بیایید ای کبوترهای دلخواه / بدن کافور گون، پاها چو شنگرف
بپرید از فراز بام و ناگاه / به گرد من فرودآیید، چون برف

در همان هنگام که این دسته از شاعران با موازین عروضی قدیم در حد اعتدال سرگرم تحولی بودند، نیما یوشیج در مجلهٔ موسیقی (۱۳۱۸ هـ. ش.) به نشر شعرهایی پرداخت که در آن‌ها علاوه بر تازه‌گی در بیان، تشبیهات، استعارات و موازین عروضی شعر دری نیز به شیوهٔ قدیم رعایت نشده بود. این گونه شعرها در سال‌های پس از ماه اسد ۱۳۲۰ هـ. ش. طرفدارانی یافت که اکنون یکی از انواع رایج شعر امروز دری است و اصطلاحاً آن را «شعر نو» و گاهی «شعر نیمایی» می گویند؛ یعنی شعری که در یکی از وزن‌های عروضی قدیم سروده می‌شود؛ اما شاعر برحسب نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراع‌ها و همچنین در به‌کار بردن قافیه، آزاد است. به عنوان نمونه بخشی از قطعهٔ «مهتاب» نیما یوشیج در زیر نقل می‌شود:

می‌تراود مهتاب
می‌درخشد شبتاب
نیست یک‌دم شکند خواب به چشم کس و لیک،
غم این خفتهٔ چند،
خواب در چشم ترم می‌شکند

نوعی دیگری از شاخه‌های تحول شعر دری که در آن وزن به طور مطلق رعایت

نمی‌شود؛ بلکه بیشتر کوشش در انتخاب کلمه و توجه به تخیل و اندیشه است که به «شعر سپید» معروف شده است.

توضیحات

عروض: میزان شعر، جزء اخیر از مصراع اول بیت، اعاریض جمع و نیز به معنای ناحیه، کرانه و گوشه، راه در کوه، و نام علمی که به وسیلهٔ آن به اوزان شعر و تغییرات آن پی می‌برند.
عرفان: شناختن، شناختن حق تعالی، خداشناسی

بیاموزیم



۱- شعر کلام موزون، مقفی و مخیل بوده که بیان کنندهٔ احساسات و عواطف می‌باشد. یا به عبارت دیگر، شعر پیوند گره‌خوردهٔ نهانی، تعقل، فکر و تعطف انسان می‌باشد.
۲- انواع شعر دری از لحاظ قالب شعری عبارت است از: قصیده، غزل، مثنوی، رباعی قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع بند، مستزاد و دوبیتی.
۳- شعر نو، شعری را گویند که در یکی از وزن‌های عروضی سروده شود؛ اما شاعر بر حسب نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراع‌ها و هم‌چنین در به کار بردن قافیه آزاد است.



درست بنویسیم

• هر گاه حرف آخر واژه‌یی «واو» باشد، هنگام پیوستن با افعال اسنادی(استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، « الف » از آغاز همهٔ این‌ها، به استثنای (اند)، حذف می‌شود؛ مانند:

- استم: نیکوستم
- استیم، بدخوستیم
- استی: خوبروستی
- استید: کامجوستید
- است: جادوست
- استند: ماهروستند

اما الف آغازین (اند) به «ی» مبدل می‌شود؛ مانند: نامجویند، ترسویند، نیکویند.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون انواع شعر از نظر قالب به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.



۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده فرق رباعی و دو بیتی را توضیح دهد.

۳- چند تن از شاگردان، این تصویر را با موضوع فراغت از مکتب ارتباط داده در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌هایتان بنویسید.

۲- درس درست بنویسیم را اساس قرار داده، چند واژهٔ دیگر بنویسید.

خود آزمایی

۱- از انواع شعر از لحاظ قالب نام بگیرید.

۲- قافیه و ردیف را تعریف و با ارائهٔ مثال شعری واضح سازید.

۳- در بارهٔ مطلع و مقطع چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۴- مسمط و مستزاد را تعریف کنید.

۵- در بارهٔ شعر معاصر معلومات دهید.

کار خانه‌گی

۱- در مورد شعر نو مطالب تهیه نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.

۲- این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:

از در خویش خدا را به بهشتم مفرست | که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس

حافظ، از مشرب قسمت گله بی‌انصافی است | طبع چون آب و غزل‌های روان ما را بس

درس

هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. سخنرانی چه اهمیت دارد؟
۲. چرا سخنرانی را باید تمرین کنیم؟
۳. ویژه‌گی‌های گفتار و سخن کدام است؟

آیین سخنرانی

از روزی که انسان به نیروی اعجاب‌انگیز کلام پی برد، همیشه مایل بوده که بتواند در میان جمع به خوبی صحبت کند و با قدرت کلام، دیگران را تحت تأثیر قراردهد؛ اما موانع زیادی هم وجود دارد که بعضی‌ها را ازصحبت کردن برای دیگران باز میدارد.

بسیار مشاهده شده که اشخاص فعال وپرتلاش به این دلیل که نتوانسته اند حاصل فعالیت‌های خود را با بیانی رسا و شیوا برای مخاطبان طرح کنند، در کارهای خود موفقیت چندانی نداشته اند. واضح است که اگر یک سخنران، کلام فصیح، بلیغ و اثرگذار نداشته باشد، نمی‌تواند آن‌چنان که باید و شاید در عرصه‌های رقابت، نقد پرسش و پاسخ وگزارشدهی موفق باشد.

سخن‌گفتن و بیان مطلوب، کاری است که می‌تواند به نوعی در نایل آمدن به اهداف و پیشبرد برنامه‌های شما کمک شایانی کند. شاید برای تان پیش آمده باشد که با سخنی مناسب، تاثیرگذار و پرجاذبه، عده‌یی را با نظر و خواستهٔ خود موافق و همراه کرده باشید و چه بسا گاهی اتفاق افتاده که به خاطر نداشتن نفوذ کلام وعدم ارتباط مطلوب، نتوانسته اید در این کار توفیق چندانی داشته باشید.

درهرحال زبان، گفتار و سخن، موهبتی است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف زنده‌گی، کار وحیات فردی، گروهی و اقتصادی شما دیگرگونی‌های قابل توجهی ایجاد کند. پس برای این که بتوانید این موهبت را به گونهٔ شایسته به کار گیرید، درقدم نخست باید ویژه‌گی‌های گفتار و سخن را دانسته و پس از آن بیاموزید که خصوصیت یک سخنرانی اثربخش کدام است.

ویژه‌گی‌های گفتار و سخن

یک سخنران خوب، وقتی موفق است که سخنانش از ویژه‌گی‌های زیر برخوردار باشد:

۱. تکیه بر منطق و پایه‌های علمی داشته باشد.
۲. از روی احساسات و بغض نباشد.
۳. منفعلانه و یا از روی عصبانیت و تعجیل نباشد.
۴. منقطع، بریده‌بریده و نامفهوم نباشد
۵. به خاطر خوشی این و آن و یا به خاطر دشمنی با کسی به زبان نیاید.
۶. بیهوده، پراگنده و بی‌پروا و بی‌ادبانه نباشد.
۷. شفاف، صریح، ساده و بی پیرایه و درعین حال مستحکم، ماندگار و جامع و مانع باشد.
۸. بی‌روح و گنگ نباشد.

ویژه‌گی‌های سخنرانی اثربخش

برای این که شما سخنران خوبی باشید و سخنرانی تان از اثربخشی خاصی برخوردار باشد، رعایت نکات زیر را فراموش نکنید:

۱. قبل ازهمه، برای سخنران‌شدن جرأت و اعتماد به نفس را درخویش بپرورانید وترس، تردد و دودلی را از خود دور سازید.

۲. پیش ازشروع سخنرانی، ذهن تان را آمادۀ موفقیت کنید و بپذیرید که موفق می‌شوید.

۳. باید دقیق بدانید که در اطراف چه موضوعی می‌خواهید صحبت کنید. پس از تعیین موضوع، برمعلومات خویش در مورد آن موضوع بیفزایید.

۴. موضوعاتی راکه می‌خواهید در سخنرانی به دیگران بگویید، پیش ازپیش منظم و مرتب کنید.

۵. از چند تن همصنفان، دوستان و یا اعضای خانوادۀ تان بخواهید که به عنوان شنونده در مقابل شما نشسته و به سخنرانی شما گوش دهند. هرموقعی که فرصت دست داد این، کاررا تمرین کنید.

۶. هیچ وقت متن سخنرانی تان را کلمه به کلمه و خط به خط حفظ نکنید؛ بلکه مفاهیم کلی و اساسی آن را به خاطر بسپارید.

۷. موضوع صحبت خود را با آنچه که شنونده‌گان در زنده‌گی با آن روبرو استند، ارتباط دهید.

۸. از به کار بردن واژه‌های ثقیل و نامأنوس، جمله‌های مود روز و اصطلاحات فنی و تخصصی خودداری کنید.

۹. در هنگام سخنرانی، حواس خود را ازمحرکات منفی که شما را آشفته می‌سازد، دور نگه‌دارید.
۱۰. دربارهٔ چیزی حرف بزنید که از طریق تجربه یا مطالعه، حق حرف زدن دربارهٔ آن را به دست آورده اید.
۱۱. کوشش کنید درهرهفته یا دو هفته یک بار، موضوعی را انتخاب کرده کتاب‌های مربوط به آن موضوع را مطالعه کنید.
۱۲. در ابتدای سخنرانی یک زندهٔ‌گینامهٔ مختصر ومفید ازخود برای حاضران ارائه دهید. این کار باعث می‌شود که مخاطبان شما را بیشتر باور کنند.
۱۳. سخنرانی برای یک جمع کوچک وکم‌تعداد به مراتب بدون دردسر ازیک سخنرانی باتعداد زیادی ازمخاطبان است. در این گونه موارد بایستی با استفاده از حرکات دست، ایما و اشاره و ادارهٔ مناسب زمان، کارسخنرانی را به پیش برد.
۱۴. ممکن است در بخش پرسش و پاسخ و یا درخلال سخنرانی عده‌یی پرسش‌های غیرمعمول داشته باشند. باید مراقب باشید که در دام آن‌ها گرفتار نشوید، چون در آن صورت، مجلس از دست شما خارج خواهد شد. دراین‌گونه موارد بهتر است اول تکلیف را روشن و بیان کنیدکه به پرسش‌های خارج از موضوع و یا درلابه‌لای برنامهٔ سخنرانی پاسخ نخواهید داد.
۱۵. باآوردن مثال‌های ملموس، کاربردی و روزمره، جملات، اشعار، ضرب‌المثل‌های معروف، خاطرات جذاب، تجارب گذشته، یافته‌های علمی و... گه‌گاه فضای سخنرانی را تلطیف کنید، تا سخنرانی تان کسالت‌آور وخسته‌کننده نباشد. برای این که قدرت و توانایی این کار در وجود شما تقویت یابد، مطالعهٔ همیشه‌گی کتاب‌های مختلف را از یاد نبرید.
۱۶. مطالب خود را در حد امکان خلاصه وکوتاه بگویید وبرای این کار یادداشت‌های کوچکی حاوی سرفصل وکلمات کلیدی سخنرانی تهیه وآماده کنید، تا روند سخنرانی و ارائهٔ مطالب روال معقول وخوشایندی داشته باشد.
۱۷. هرگونه حرکات حاضرانِ را زیرنظر داشته باشید. ممکن است هرحرکت آنان پیامی به دنبال داشته باشد؛ مثلاً: اگر آن‌ها زیاد به ساعت خود می‌بینند، یا بر روی چوکی به طور متداوم جابه‌جا می‌شوند و یا کارهایی مشابه انجام می‌دهند، به طور احتمالی بدین معنا است که: الف) خسته شده اند؛ ب) وضعیت تنفس وهوای مکان برگزاری مناسب نیست؛ ج) شما بیش از وقت تعیین‌شده، صحبت کرده اید؛ د) مطالب سخنرانی دیگر جاذبه و پذیرش لازم را ندارند.
۱۸. در بین سخنرانی پرانرژی و پویا باشید. درحقیقت روح شادابی و نشاط را به

حاضران انتقال بدهید و آن‌ها را متمایل کنید تا پایان همراه شما باشند.
۱۹. میکروفون همان‌قدرکه می‌تواند درکیفیت کار شما اثرخوب داشته باشد، همان‌قدرهم می‌تواند آزاردهنده و اذیت‌کننده باشد؛ پس باید مراقب میکروفون باشید.
۲۰. نوع به کارگیری و هنر استفاده از دست‌ها و قدرت آن‌ها در فهم و انتقال مطالب خیلی مهم است.
۲۱. نوع پوشش و لباس هم بی‌تاثیر در ارائهٔ سخنرانی نیست. لباس‌های رنگ و رو رفته، پرچین و چروک و ناصاف، آرایش موی و روی و... هرکدام عواملی اند که می‌توانند کار شما را تحت الشعاع قرار دهند.
۲۲. گاهی می‌توان از نمایش سلاید و برنامه‌های کمپیوتری؛ مانند: پاورپاینت شعر، داستان‌های کوتاه و وسایل سمعی وبصری برای انتقال بهتر مطالب استفاده کرد. برعلاوه جدول‌های اعداد و ارقام و تختهٔ سیاه و سفید هم به شما کمک می کند.
۲۳. فضا و شرایط حاکم برجلسهٔ سخنرانی را به خوبی ارزیابی کنید. اگر احساس کردید که شنونده‌گان ظرفیت حرف‌های شوخی و مزاح را ندارند، از شوخی با آنان پرهیز کنید. همیشه ممکن است عده‌یی ماجراجو درمجلس سخنرانی وجود داشته باشند. باید بتوانید آن‌ها را اداره کنید تا اوضاع را بر هم نزنند.
۲۴. در پایان سخنرانی، یک چکیده درچند خط ازموضوع ومحتوای سخنرانی ارائه دهید. سعی کنید ازعلم روانشناسی، جامعه‌شناسی و مردم شناسی برای ارائهٔ سخنرانی بهتر بهره بگیرید. کوشش کنید که صحبت خود را با شوخی پایان دهید.
۲۵. بزرگ کردن خود را درکوچک پنداشتن و تحقیر دیگران نبینید. افکار عمومی قاضی و داور خوبی در مورد سخنان و اهداف شما استند.
۲۶. هرقدر شتاب و تعجیل در بیان کلمات و جملات بیشتر باشد، امکان اشتباه هم بیشتر می‌شود؛ پس شمرده و با اعتماد به نفس صحبت کنید.

توضیحات

برای این که سخنرانی اثر بیشتری در شنونده‌گان داشته باشد، نه‌تنها موارد ذکرشدهٔ بالا دارای اهمیت اند، بلکه وقت برگزاری سخنرانی، مکان برگزاری سخنرانی، تنظیم وسایل، موقعیت برگزارکننده‌گان و شرکت کننده‌گان(مخاطبان) را نیز نمی‌توان از یاد برد.



بخوانیم و بدانیم

۱. یک سخنران خوب وقتی درکارخود موفق است که ویژه‌گی‌های سخن گفتن را مدنظر داشته باشد.
۲. برای سخنران شدن جرأت و اعتماد به نفس را درخویش بپرورانید وترس، تردد و دودلی را از خود دور سازید.
۳. هیچ وقت متن سخنرانی تان را کلمه به کلمه و خط به خط حفظ نکنید؛ بلکه مفاهیم کلی و اساسی آن را به خاطر بسپارید.
۴. کوشش کنید درهرهفته یا دوهفته یک بار، موضوعی را انتخاب کرده کتاب‌های مربوط به آن موضوع را مطالعه کنید و ازدوستان وآشنایان تان بخواهیدکه به سخنرانی شما گوش فرا دهند.
مطالب خود را تا حد ممکن خلاصه وکوتاه بگویید و برای این کار یادداشت‌های کوچکی حاوی سرفصل وکلمات کلیدی سخنرانی تهیه وآماده کنید.
۵. چهرهٔ بشاش، احترام و رعایت ادب وکرامت انسانی، استفاده از ضرب‌المثل‌های دلنشین و درک روحیات، عواطف و تمایلات شنونده‌گان، نکات با اهمیتی استند که نباید ازآن‌ها غفلت کرد.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف اخیر واژه، «واو» باشد؛ هنگام پیوستن با ضمایر مشترک (خود، خویش، خویشتن) و ضمایر اضافی«تان، شان، مان»، بازهم درمیان واژه و پسوند یک«ی» علاوه می‌شود؛ اما این«ی» نیز به صورت مستقل نوشته شده، با ضمایر پسین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:

• خود: سوی خود، جادوی خود، نیکوی خود.
• خویش: آبروی خویش، گلوی خویش، بوی خویش.
• خویشتن: آرزوی خویشتن، آبروی خویشتن، تکاپوی خویشتن.
• تان: شفتالوی تان، کدوی تان، بازوی تان.
• شان: ترازوی شان، چاقوی شان، ناجوی شان.
• مان: هیاهوی مان، بازوی مان، گلوی مان.

• هرگاه حرف پایانی واژه «واو» باشد و هنگام پیوستن با ضمایر اضافی «ت»، «م» و «ش» قرارگیرد، بازهم همان «ی» در میان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما «ی» باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

• ت: گیسویت، ابرویت، آهویت.
• ش: آرزویش، سویش، بازویش.
• م: آرزویم، آبرویم، ماهرویم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دوگروه تقسیم شده باهم گفتگو کنند؛ سپس ازهرگروه یک نفر در برابر صنف حاضر شده، نمایندهٔ گروه اول دربارهٔ «ویژه‌گی‌های سخن وکلام» و نمایندهٔ گروه دوم در مورد«ویژه‌گی‌های سخنران خوب؛ سخنرانی کنند.
۲. چند تن از شاگردان، در مورد تصویر زیر در برابر صنف سخنرانی نمایند.



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های‌تان بنویسید.
۲. در مورد «ضرورت سخنرانی» یک متن هفت‌سطری بنویسید.

خود آزمایی

۱. ویژه‌گی‌های سخن و کلام را بیان کنید.
۲. اگر حرف آخری واژه، «واو» باشد، هنگام پیوستن با ضمایر اضافی «ت»، «م» و «ش» چگونه نوشته می‌شود؟ با مثال‌هایی خارج از کتاب درسی واضح سازید.
۳. پنج مشخصه از ویژه‌گی‌های سخنرانی مؤثر را بیان کنید.
۴.برای این که سخنران خوبی شویم، چه کارهایی را باید انجام دهیم؟

کارخانه‌گی

۱. در مورد « آداب سخنرانی» مقاله‌یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

دستگاه معنی نازک، سخن را زیور است　　　جوهر این تیغ جز پیچ و خم اندیشه نیست

بیدل

۳. متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس **نهم**

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱- علم معانی را تعریف کنید.
۲- فرق میان وصل و فصل چیست؟ بیان دارید.
۳- در بارهٔ ایجاز و اطناب چه می‌دانید؟
٤- فرق میان خبر و انشاء را واضح سازید.
۵- چه چیزی پیرامون مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌کند؟

علم معانی

«معانی» جمع معنی است و منظور از «معنی» در این علم، «مقصود» و «غرض» است و به گفتهٔ علمای علم بلاغت، علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود. کلام معمولاً دو معنی دارد، یکی معنای عرفی که کلام برای آن وضع شده و معنای اصلی و اولی آن است، و دیگر معنایی است که گویندهٔ بلیغ در نظر می گیرد تا به گونهٔ لطیف سخن را متناسب با حال و مقام و شأن مخاطب بیان کند.

در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه صورت می گیرد که سبب سازگاری کلام با مقتضای حال و تأثیر و رسوخ آن در نفس شنونده می‌شود؛ مثلا: اقتضای امر ایجاز است و اقتضای مدح اطناب، یا برای شنوندهٔ عارف اشاره‌یی کافی است و برای عامی و ناآشنا سخن مشروح و مفصل مناسب است. اگر ذهن شنونده خالی است و احساس مثبت یا منفی خاصی نسبت به معنای موردنظر ندارد، سخن باید بی‌تأکید، ادا شود؛ اما اگر شنونده تردیدی نسبت به موضوع دارد یا منکر آن است، تأکید، مناسب و ضروری است.

علم معانی را به صورت‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند. سکاکی آن را چنین تعریف می کند:
((قواعدی است که به واسطهٔ آن، احوال لفظ شناخته می‌شود؛ احوالی که به سبب آن‌ها، لفظ با مقتضای حال برابری کند.))

همین تعریف به صورت‌های گوناگون؛ اما با یک مفهوم در مآخذ دیگر آمده است که ماحصل آن، این است:

((علم معانی، علم به اصول و قواعدی است که به یاری آن کیفیت مطابقهٔ کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود. موضوع آن الفاظی است که رسانندهٔ مقصود متکلم باشد، وفایدهٔ آن آگهی بر اسرار بلاغت در نظم و نثر.)) در این علم در حقیقت، یک طرف قضیه گوینده است و طرف دیگر مخاطب یا شنونده، و قسمت مهم علم

معانی مربوط است به احوال شنونده یا مخاطب، همچون آگاهی یا عدم آگاهی مخاطب، حال و حوصلهٔ او، پذیرش یا انکار یا عناد او...
این فن را به چند مبحث تقسیم کرده اند:
۱- اسناد خبری
۲- احوال مسندالیه
۳- احوال مسند
۴- انشا
۵- قصرو حصر
۶- فصل و وصل
۷- ایجاز، اطناب، مساوات
گاه در سخن جمله‌هایی می‌بینیم که در معنای حقیقی خود به کار نرفته اند؛ مثلاً: به پسری که تلویزیون را دست کاری می کند می گویید: « آفرین! خرابش کن!» این جمله از لحاظ دستوری مفهوم امری دارد؛ اما مقصود شما امر نیست؛ بلکه نهی است؛ یعنی «دست مزن! خراب می‌شود.»
در اینجا جمله را در معنای نهی به‌کار برده اید، و یا به دوستی که عازم سفر است، و چیزی به حرکت قطار نمانده است، می گویند:« قطار رفت» و مراد شما این است که «عجله کن قطار ممکن است برود» می‌بینید که چنین جملاتی در این «موقعیت»ها در معنای واقعی خود به کار نمی‌روند؛ بلکه معنای ثانویهٔ آن‌ها مورد نظر است.
جابه‌جایی و یا حذف اجزای جمله نیز در معنای جمله‌ها تغییراتی ایجاد می کند، به این سه جمله دقت کنید:
۱- نجیب دیوان بیدل را از کتابخانه امانت گرفت.
۲- دیوان بیدل را نجیب از کتابخانه امانت گرفت.
۳- از کتابخانه، نجیب دیوان بیدل را امانت گرفت.
این سه جمله اگر چه از عناصر و احدی تشکیل شده اند؛ اما معانی آن‌ها با هم تفاوت دارد. و در هر جمله تکیهٔ گوینده بربخشی از سخن است. تفاوت‌های معنایی که در اثر جابه‌جایی عناصر جمله و حذف و قصر آن‌ها ایجاد می‌شود؛ هم‌چنین معانی ثانوی جملات موضوع علم معانی است. علم معانی(معنی‌شناسی) دانشی است که به بررسی معانی ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد. از موضوعات دیگر این علم بررسی تعقید (گره خورده گی و پیچیده گی) سخن، ایجاز و اطناب (کوتاهی و درازی)حذف و قصر و شرایط آن‌هاست.
فایدهٔ علم معانی در این است که ما را با امکانات پنهان و فراوان زبان آشنا می‌سازد.

اسناد خبری
کلامی است که احتمال درستی و نادرستی و یا به تعبیر دیگر احتمال صدق و کذب در آن می‌رود.
مسندالیه
مسندالیه کلمه یا بخشی از جمله است که فعل، صفت یا حالتی را به آن نسبت می‌دهند؛ مثلاً: وقتی گفته می‌شود: «نجیب آمد»، «نجیب» مسندالیه است، چون فعل آمدن به او استناد داده شده است. یا وقتی می گوییم: خدا بزرگ است. در این جا «خدا» مسندالیه، «بزرگ» مسند، و است فعل ربطی است که مسندالیه و مسند را با هم ارتباط می‌دهد.
اسناد: پیوندی است که بین مسند الیه و مسند وجود دارد؛ مثال:

خدا کشتی آن‌جا که خواهد برد   و گر ناخدا جـــامه برتن درد

انشا: انشا در لغت به معنای ایجاد کردن و در اصطلاح، آوردن جملات است به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا کذب نرود.

الهـــی سینه‌یی ده آتش‌افروز   درآن سینه دلی، وان دل همه سوز

قصر یا حصر: قصر و حصر هر دو به معنای ویژه کردن و حبس و منحصر کردن است و در اصطلاح علم معانی، آن است که حکم یا صفتی را به کسی یا چیزی منحصر کنیم؛ مثلا: «جوانمردی جز محمد ﷺ نیست» صفت «جوانمرد بودن» را منحصر به محمد ﷺ کرده ایم.
فصل و وصل: فصل در لغت به معنای گسسته گی است و وصل به معنای پیوسته گی؛ اما در اصطلاح علمای بلاغت، فصل آن است که دو جمله را از یکدیگر جدا کنند و میانهٔ آن‌ها حرف پیوندی نباشد، و وصل آن‌است که جمله‌یی را به جملهٔ دیگر یا کلمه‌یی را به کلمهٔ دیگر به وسیلهٔ حرف پیوند، بزنند.
مهمترین و با ارزش‌ترین حرف پیوند در بلاغت، حرف «و» است و البته ارزش بلاغی فصلٍ و وصل در این است که علت آنرا بدانیم و نازک کاری‌های آن را دریابیم مثلاً:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند   تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

سعدی

تن گور توست، خشم مگیر از حدیث من   زنهار که خشمگیر نباشد سخن پذیر

ناصر خسرو

مساوات: اصل در سخن بر مساوات و برابری نهاده شده است و مساوات هنگامی است که لفظ و معنی برابر باشند. دقت در برابر لفظ و معنی و پرهیز از آوردن الفاظ حشو و زاید سبب روشنی، رسایی و اثربخشی بیشتر معنی می‌شود و گاه سخن را

تاحد سهل ممتنع بالا می‌برد و در این صورت است که مساوات، جنبهٔ هنری، بلاغی و زیباشناختی به خود می‌گیرد، برای مثال:

دل من همـــی داد گویی گواهی — که باشد مـــرا از تو روزی جدایی
جدایی گمـــان برده بودم و لیکن — نه چندان کــه یک‌سو نهی آشنایی
به جرم چه راندی مرا از درخود؟ — گناهم چه بوده است؟ جز بی گناهی

ایجاز: بیان معنی است در کوتاه‌ترین لفظ، و به عبارت دیگر آوردن لفظ اندک است برای معنای بسیار که البته باید به رسایی سخن کمک کند.

به نام خداوند جان و خرد — کزین برتر اندیشه برنگذرد

در مصراع اول این بیت، بی‌آنکه معنی و مفهوم آسیب ببیند، برخی از واژه‌ها حذف شده است؛ مثلاً می‌توان این مصراع را این‌گونه تعبیر و تفسیر کـــــرد: کـــلام خود را ((به نام خداوند جان و خرد)) آغاز می‌کنم.

اطناب: در لغت به معنای دراز ساختن و طولانی کردن است، و در اصطلاح، آوردن الفاظ بسیار برای بیان معنای اندک، بنابر مقتضای حال مخاطب و مقام و موضوع کلام.

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است — با دوستان مـــروت با دشمنان مدارا

توضیحات

سکاکی: سراج‌الدین ابو یعقوب یوسف خوارزمی، از ادبای معروف عربی زبان قرن ششم وهفتم(۵۵۵-۶۲۶ هـ‌ق. مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» بود، وی در انواع علوم ادبی وبه ویژه علوم بلاغی متبحر بود.



بخوانیم و بدانیم

۱- علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود.
۲- در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه می‌شود؛ مثلاً: اقتضای امر ایجاز است و اقتضای مدح اطناب.
۳- علم معانی را به چند مبحث تقسیم کرده اند: اسناد خبری، احوال مسندالیه، احوال

مسند، انشا، قصر و حصر، فصل و وصل، مساوات، ایجاز و اطناب.

۴- به عبارت دیگر علم معانی، علم معنی‌شناسی را گویند که به بررسی معانی ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد.

۵- خبر: کلامی است که احتمال صدق و کذب در آن می‌رود.

۶- انشا: انشا در لغت به معنای ایجـــاد کردن است و در اصطـــلاح، آوردن جمله به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا کذب نرود.

الهی سینه‌یی ده آتش‌افروز   در آن سینه دلی، وان دل همه سوز



درست بنویسیم

هرگاه حرف اخیر واژه، ((ی)) باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد، در میان این گونه واژه‌ها و واژه‌های بعدی‌شان، مانند صامت‌ها، چیزی علاوه نشده و تغییر و تبدیلی در حروف شان رونما نمی‌گردد؛ اما باید از واژه‌های بعدی شان جدا نوشته شوند؛ مانند:

- زنده‌گی آرام، صراحی زیبا، روی سرخ(موصوف)
- مثنوی مولوی، کافی لالا، گادی پهلوان(منسوب)
- قاضی وجدان، مستی چشمان، تلافی گناه(مضاف)



کار گروهی و سخنرانی

۱- در این قسمت شاگردان با هم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفر شان به دیگران انتقال دهد.

۲- شاگردان، درس را از نظر محتوا مورد بررسی قرار دهند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

۲- در بارهٔ مفهوم بیت در کتابچه های تان یک متن بنویسید.



خود آزمایی

۱- علم معانی را از نظر لغت و اصطلاح بیان دارید.

۲- فرق املا و انشا را توضیح دهید.

۳- علم معانی چه موضوعاتی را مورد بحث قرار می‌دهد؟ واضح سازید.

۴- آیا ایجاز و اطناب تنها به معنای کوتاه سخنی و دراز سخنی است؟ یا این که به مقتضای حال می‌توانند بر عکس نیز باشند؟ توضیح دهید.

۵- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و پیرامون قصر یا حصر و یا فصل و وصل گفتگو نمایند و از هر گروه یک شاگرد به نماینده گی دیگران خلاصهٔ گفتگوهای شان را بیان دارند.

کار خانه‌گی

۱- درس درست بنویسیم را اساس قرار داده چند واژهٔ مختوم با (ی) را که در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد جدا از مثال‌های کتاب بنویسید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است　　　با دوستـــان مـروت با دشمنـــان مدارا

حافظ

۳- متن کامل درس بعدی را بخوانید و برای درس جدید آماده شوید.

درس
دهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر سؤال‌های آتی از چند شاگرد پرسیده شود.

۱- امیر علی شیر نوایی که بود؟
۲- او را چرا ذواللسانین می‌گویند؟
۳- مجموع آثار او را نام ببرید.
٤- خمسهٔ نوایی شامل کدام کتابهاست و به پیروی کدام شاعر معروف سروده شده است؟
٥- محاکمة اللغتین پیرامون چه موضوعی بحث می‌کند؟ توضیح دهید.
٦- پیرامون کارنامه‌های فرهنگی و اجتماعی امیر علی شیر نوایی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

امیر علی شیر نوایی



امیر علی شیر نوایی در سال ۸۴۴ هـ. ق. در هرات متولد شد. او در چهار ساله گی تعلیمات ابتدایی خود را آغاز و در ده ساله گی به شعرسرایی پرداخت و به دو زبان ترکی و دری شعر می‌سرود و بدین مناسبت به شاعر ذواللسانین معروف است. خود او در باب اشعار ترکی و دری خویش قطعه‌یی دارد که شایستهٔ ذکر است:

معنی شیرین و رنگینم به ترکی بی‌حد است فارسی هم لعل و دُرهای ثمین گر بنگری
گوییا در راست بازار سخن بگشوده ام زانکه باشد اغنیا این نقدها را مشتری
زین دکان‌ها هر گدا کالا کجا خواهد خرید یک طرف دکان قنادی و یک سو زرگری

علی شیر نوایی شاعر، ادیب، مؤرخ، موسیقی‌دان، وزیر دانشمند، کاردان و از جملهٔ اعیان دورهٔ تیموریان هرات بود. وی از ترکان چغتایی بود و نیاکانش در دستگاه تیموریان هرات حرمت و حشمت فراوان کسب کرده بودند. نوایی در مشهد، توس هرات و ماوراءالنهر به خواندن علوم متداول عصر خود از جمله عروض، قرائت، فقه و نحو پرداخت. در آغاز حکم‌روایی سلطان حسین بایقرا به منصب امارت دیوان اعلی یا مُهرداری حضور؛ سپس به وزارت رسید. سلطان در همه امور با وی مشورت می کرد و بدون نظر او به هیچ کاری نمی‌پرداخت و امیر علی شیر نوایی به لقب (افتخاری)

مقرب حضرت سلطان نایل گردیده و جاه و عزت فراوان یافته بود.
نوایی پس از استعفا از مشاغل درباری و وزارت به کسب دانش و مطالعات ادبی و تألیف کتب و نظم اشعار و تربیت ارباب فضل و کمال پرداخت. با این همه تا پایان عمر بر سلطان حسین بایقرا نفوذ فراوان داشت؛ چنان‌که بایقرا بر اثر رای و تدبیر او توانست بر تمامی نقاط خراسان، ماوراءالنهر و فارس تسلط یابد. علی شیر هم‌چنان در کمال عزت و احترام در دربار سلطان حسین می‌زیست. تشویق و ترغیب علی شیر نوایی در پیشرفت و کمال نقاشی و خطاطی، هنر موسیقی، نویسنده‌گی و شاعری، تذهیب‌کاری و ریاضیات و حرفه‌های زرگری، سفالی، خیاطی و جز آن‌ها در دورهٔ تیموریان هرات تأثیر فراوان داشته و نوایی در برابر حوادث روزگار پناهگاه خوبی برای هنرمندان بود. اغلب شاعران و نویسنده گان روز گارش به مدح او پرداخته و آثار شان را برای او پیشکش کرده اند.
همچنان نوایی ۳۷۰ بنای خیریه از جمله مدرسه، کتابخانه، پل، خانقاه، مسجد، بنای مقابر و مزارات، شفاخانه، کاروانسرا، گرمابه و یک نهر بزرگ به طول هفتاد کیلومتر از توس تا مشهد اعمار کرده است. از آبادانی‌های مشهورش می‌توان از نهر اخلاصیه واقع انجیل، خانقاه اخلاصیه، شفائیه که در آن طب و حکمت می‌آموختند، نظامیهٔ هرات، مسجد جامع امیر علی شیر، دارالحفاظ و ترمیم مسجد چهارسوق هرات و بازسازی مسجد جامع هرات نام برد.
امیر علی شیر نوایی در سال ۹۰۶ هـ. ق. در شهر هرات وفات یافت.
دولتشاه سمرقندی، همام‌الدین خواندمیر و سام میرزاد و نویسنده‌گان معاصر و هم‌عصر امیر، در مورد او نوشته اند و در حبیب‌السیر، روضة الصفا، بهارستان جامی و مقدمهٔ سنگلاخ و دیگر آثار آن دوره آمده است. امیر علی شیر مردی بوده است وارسته، بلند همت، بذله‌گو، علم دوست، عاشق و دلباختهٔ دانش و هنر.
بیشتر اوقاتش را به مطالعه و تحقیق و تألیف و تصنیف و یا مجالست و مباحثه با دانشمندان، عرفا و شعرا مصروف می‌داشته و حتی شب‌ها در کنار بالینش تا صبح شمع می‌سوخته و دوات و قلم و کاغذ حاضر داشته تا اگر بیدار شود و معنی و مطلبی به خاطرش برسد، یاد داشت کند.
به گفتهٔ صاحب قاموس الاعلام، کتابخانهٔ بی‌نظیری در هرات فراهم آورده بوده که در آن به روی عموم دانشجویان و پژوهنده‌گان دانش گشوده بوده است و یکی از کسانی که از آن کتابخانه بهرهٔ وافر برده خواندمیر مؤرخ شهیر می‌باشد.
نوایی به علم و ادب، کتاب و هنر علاقه داشته و ثروت بی‌کرانش را در راه تهیهٔ

کتاب و تألیف آثار تازه و یا اعمار مدارس و مساجد و گردشگاه‌های عمومی مصرف می‌کرده است.

پیوسته عدهٔ کثیری از خطاطان، خوش نویسان، مصوران و صحافان نامدار در کتابخانهٔ امیر علی شیر نوایی مشغول نسخه برداری از کتب نایاب بوده اند و گروهی از دانشمندان و نویسنده‌گان نیز با مساعدت مالی و معنوی امیر به تألیف و تصنیف آثار تازه اشتغال داشته اند.

امیر علی شیر نوایی پس از فراغت از تحصیل با گذشت اندک زمانی در سن ۳۵ ساله‌گی از سمرقند به هرات رفته (۸۷۶ هـ‌ق.) و مدت سی سال تا (۹۰۶) هـ‌ق. در دستگاه سلطان حسین بایقرا به شغل دیوانی اشتغال داشته، و در طی این سی سال توفیق یافته است بیش از شصت هزار بیت شعر بسراید و بیش از سی جلد آثار منثور و منظوم تألیف و تصنیف کند.

امیر علی شیر به زبان مادری خود ترکی چغتایی علاقهٔ وافر داشته و با اطلاعات نسبتاً وسیع و عمیق در زبان و ادبیات دری، می‌کوشید که زبان مادری خود ترکی چغتایی را نیز رشد و وسعت بخشد به همین منظور به تألیف و تصنیف آثار متعدد و برجسته دست یازید و در کار خود توفیق یافت. آثار دری امیر علی شیر محدود است و دیوان غزلیات و یک قصیده و تعدادی نامهٔ دری از امیر به‌جا مانده است. او در آثار فارسی - دری اش تخلص «فانی» را برگزیده است.

امیرعلی شیر نوایی(فانی) از ترکان دری‌زبان است. نیاکانش همه از بزرگ‌مردان چغتایی بوده اند و خود او گذشته از این که به شعر دری عشق می‌ورزید، به زبان و ادبیات دری عاشقانه و صادقانه خدمت می‌کرد.

آثار امیر علی شیر نوایی

الف: خمسه ۱- حیرت‌الابرار ۲- فرهاد و شیرین ۳- لیلی و مجنون ۴- سد سکندری ۵- سبعهٔ سیاره

ب) دیوان‌ها ۶- غرایب الصغر ۷- نوادرالشباب ۸- بدایع الوسط ۹- فوائد الکبر

ج) آثار دیگر ۱۰- تذکرهٔ مجالس النفایس ۱۱- سراج المسلمین ۱۲- اربعین منظوم ۱۳- نظم الجواهر ۱۴- محبوب القلوب ۱۵- تاریخ ملوک عجم ۱۶- نسائم المحبه ۱۷- تاریخ انبیا ۱۸- رسالهٔ عروضیه ۱۹- خمسة المتحیرین ۲۰- محاکمة اللغتین ۲۱- منشأت ترکی ۲۲- قصهٔ شیخ صنعان ۲۳- مفردات در فن معما ۲۴- مناجات نامه ۲۵- میزان الاوزان ۲۶- مثنوی لسان الطیر ترجمهٔ منطق الطیر شیخ عطار ۲۷- حالات

پهلوان محمد ابوسعید ۲۸- حالات سید حسن اردشیر ۲۹- ترجمهٔ نفحات الانس ۳۰- ترجمهٔ نثراللئالی ۳۱- بدایع اللغه.

نمونهٔ کلام امیر علی شیر نوایی

آمد بهار دلکش و گل‌های تر شگفت — دلهـــا از آن نشاط ز گل بیشتر شگفت
دل از صباحت رخ خوبت گشاده شد — مانند غنچـه‌یی که به وقت سحر شگفت
می‌آیـد از گل چمن عشق بوی خون — گویا کـه غنچه‌هاش زخون جگر شگفت
گر خنده زد ز گریهٔ چشمم عجب مدان — چون ابر اشک ریخت گل تازه بر شگفت
ساقی بهار شد، قــدحم ریزلب به لب — خاصه که از شگوفه چمن سر به سر شگفت
زان نخل ناز خنده به عشاق و وصل نی — همچون گلـی که از شجر بی‌ثمر شگفت

فانی عجب مدان اگر آن گل شگفته است
از اشک ابر سان تـــو نشگفت اگر شگفت

توضیحات

ذواللسانین: امیر علی شیر نوایی به دو زبان ترکی و دری شعر می‌سرود، بنابر آن به شاعر ذواللسانین ملقب گردید.

تذکرة الشعرا: این کتاب شرح حال قریب ۱۰۵ تن از شعرای دری‌زبان را در بر دارد. دولتشاه بن علاء الدولهٔ سمرقندی از امیر زاده گان و رجال و اعیان و پدرش از ندمای شاهرخ و خود در هرات از مقربان ابوالغازی سلطان حسین و امیر علی شیرنوایی و معاصر مولانا جامی بوده است و اسم و مدح و فضایل هر سه تن را در اواخر این کتاب آورده و این تذکره را به نام علی شیر کرده؛ زیرا تألیف آن به تشویق و پشتیبانی این وزیر دانشمند بوده است.

حبیب السیر: حبیب السیر تاریخ عمومی معروفی است که غیاث‌الدین بن همام‌الدین خواند میر تألیف کرده که وقایع را از ابتدای تاریخ بشر تا (۹۳۰) هـ. ق. آورده، که در سه جلد می‌باشد و به مناسبت احتوای تفصیل اوایل کار و شرح سلطنت شاه اسماعیل که مؤلف معاصر او بوده است دارای اهمیت است.

بهارستان: بهارستان اثری‌است که جامی آن را برای پسرش یوسف ضیاءالدین تألیف کرده است و به سبک گلستان مرکب از حکایات لطیف و نکات ظریف است و اشعار ملیح نیز دارد و ذکر شماره‌یی از شعرا و فضلا در آن آمده است.



بخوانیم و بدانیم

۱- امیر علیشیر نوایی به تاریخ هفدهم رمضان المبارک سال ۸۴۴ هـ. ق. در هرات تولد شد.

۲- نوایی بیش از ۳۰ کتاب را به زبان‌های ترکی و دری به رشتهٔ تحریر درآورد.

۳- نوایی در راه تهیهٔ کتاب، تألیف و تصنیف، اعمار مساجد و مدارس، شفاخانه ها، حفر چاه‌ها، اعمار پل ها، باغ‌ها و گردشگاه‌های عمومی توجه جدی مبذول داشته است.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف آخری واژه یی، «ی» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین باز هم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود، که این «ی» همیشه با پسوند بعدی باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

• پسوند تنکیر «ی» صوفی + یِ+ی = صوفی‌یی، کابلی‌یی، شادی‌یی.

• پسوند صفت نسبتی «ی» دایکندی +یِ+ی= دایکندی‌یی، دوشی‌یی.

• هرگاه حرف پایانی واژه «ی» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین حرف دیگری در میان آن‌ها علاوه نمی‌شود؛ اما همیشه با این پسوندها به صورت پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

• پسوند جمع «ان»: مفتی + ان= مفتیان، گردیزیان، منطقیان

• پسوند جمع «ها» کشتی+ ها= کشتی‌ها، بلندی‌ها، سادگی‌ها

• پسوند اسم معنا «ی» صوفی + ی= صوفیی، حاجیی

• هرگاه حرف آخری واژه «ی» باشد، در پیوند با پسوند تصغیر «ک» میان واژه و پسوند یک «گ» علاوه می‌شود، که همیشه با نشانهٔ تصغیر باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ اما با اصل واژه نمی‌پیوندد؛ مانند: گادی گک، گدی گک، خانه گک.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های امیر علی شیر نوایی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در بارهٔ آثار نوایی به همصنفی‌های خود معلومات دهد.
۳- در مورد تصویر مقابل سخنرانی کنید.


مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲- با استفاده از پسوند تنکیر (ی) چند واژه خارج از واژه‌های درس «درست بنویسیم» بنویسید.

خود آزمایی

۱- امیر علی شیر در اشعار ترکی و دری خود کدام تخلص‌ها را به کار می‌برد؟
۲- پنج اثر عمدهٔ نوایی را نام ببرید.
۳- نوایی در چند ساله‌گی به تحصیل و در چند ساله‌گی به سرودن شعر آغاز کرد؟
۴- نوایی در کجا تولد شد: الف: در سمرقند ب: در هرات ج: در دوشنبه د: در کابل
جواب درست را حلقه کنید:

کار خانه‌گی

۲- علاوه بر خمسهٔ نوایی دیگر از کدام خمسه‌های شاعران آگاهی دارید، نام ببرید.
۳- این بیت را به حافظه بسپارید:

گر تو می‌خواهی مسلمان زیستن نیست ممکن جز به قرآن زیستن

اقبال

۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
یازدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد.
۱. شراب چیست؟
۲. شراب به کدام قسمت‌های بدن انسان ضرر دارد؟
۳. معضلات اجتماعی و اقتصادی الکول درچیست؟

اضرار مشروبات الکولی (شراب)

یکی ازگناهان کبیره درشریعت اسلامی، نوشیدن مشروبات الکولی است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از عمل شیطانند؛ پس از آن‌ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما دست برمی‌دارید؟ سورهٔ مائده/ آیت ۹۰ – ۹۱»
با خواندن این آیات متبرکه، سؤال مطرح می‌شود که شراب چیست، برصحت انسان چه ضرر دارد، ساینس جدید دربارهٔ آن چه می گوید؟
شراب یکی از زیانبارترین مواد مخدر برای صحت وسلامتی است. نخستین اثر زیان آور الکول متوجه مغز وسیستم اعصاب مرکزی انسان است. نوشیدن نوشابه‌های الکولی در ابتدا موجب نوعی آرامش کاذب و افراطی می گردد؛ ولی پس ازمدتی اثرات واقعی آن ازجمله: ناهماهنگی درحرکات عضلات، اختلال در تصمیم گیری، آسیب اعمال حرکی و مهارتی، کندی فعالیت‌های دماغی و فکری، تشدید حالت تهاجمی و پرخاشگری، درهم و برهم حرف زدن، سوزش قلب، پرحرفی، دوتا دیدن اشیا و افراد، ضعف قرنیه و اعصاب چشم به ظهور می‌رسد.
بزرگترین خطر الکول آن است که سیستم اعصاب انسان را به تدریج معتاد می‌سازد؛ زیرا مقداری که درمرحلهٔ اول حالت نشئه را به بار می‌آورد، در دفعات دوم و سوم اثر مطلوب نمی بخشد و برای به دست آوردن همان حالت اولی، شخص غلط فکر می کند

مقدار آن را به دو یا سه چند افزایش می‌دهد که بالاخره اعتیاد به وجود می‌آید.

تأثیر الکول بر کرویات خون: خون در بدن انسان دو وظیفه دارد: کرویات سرخ خون آکسیجن را از شش جذب و کاربن‌دای‌اکساید را دفع می کند وکرویات سفید درمقابل باکتریاها و مکروب‌هایی که درجسم داخل می‌شوند، مقاومت می‌نماید. اگر یک قطره خون را در مقداری آب که (۱٪) الکول داشته باشد بیندازیم، رنگ سرخ آن به زردی می گراید و نشاط وفعالیت قبلی خود را ازدست می‌دهد. معنای این عملیه درجسم انسانِ زنده این است که الکول خون را از جذب نمودن آکسیجن لازم به وجود باز می‌دارد و اختناق کرویات خون را بار می‌آورد، که نتیجهٔ آن خسته‌گی عضلات وکاهش مقاومت جسم در برابر انواع مکروب‌هاست.

تأثیر الکول بر قلب و شریان‌ها: الکول به نسبت (۱٪) درخون، سبب می‌شود که نبض انسان در یک دقیقه ده بار بیشتر بتپد. با تداوم شراب‌نوشی، شخص معتاد به الکول به تصلب شرایین- خصوصاً شریان تاجی که مغذی قلب است- مبتلا می‌شود و تصلب شریان تاجی، انسان را در معرض سکتهٔ قلبی قرار می‌دهد. بدین جهت نخستین نصیحت داکتر برای مریضان مصاب به تصلب شراین و تکان قلبی، ترک قطعی سگرت و الکول به طور دایم است.

تأثیر الکول بر جگر: استعمال الکول سبب پیدایش «پوکی جگر» می گردد. این بیماری در اروپا و امریکا انتشار زیاد دارد؛ اما در ممالک اسلامی خیلی کم به نظر رسیده است.

هرگاه شراب‌نوشی ادامه یابد، حجرات زندهٔ جگر یکی پس ازدیگری حیات خود را از دست می‌دهند و باعث خرابی قسمتی از جگر می گردند، که همان قسمت به شکل اسفنجی درآمده و انکشاف آن باعث بروز مرض« پوکی جگر» می گردد. این مرض مرگ‌های نا به‌هنگام را به دنبال دارد.

الکول و نقص ویتامین‌ها: یکی از عوارض تجزیهٔ الکول دربدن، تخریب ویتامین B۶ است که در نتیجهٔ آن فرد، دچار کم‌خونی، خسته‌گی، تمرکز ضعیف، سستی و بی‌حالی می گردد. الکول یک مادهٔ ادرارآور است و می‌تواند سبب کم‌آبی سلول‌های بدن شود. با دفع ادرار، همراه با آب، ویتامین‌ها و مواد معدنی از جمله ویتامین‌های B

و C، مگنیزیم، کلسیم و پتاسیم از بدن خارج می‌شوند. اعراض فقدان ویتامین‌های B و C نخست به شکل لرزش دست‌ها، کلالت زبان، ضعف عضلات وحساسیت پوست ظاهر می‌شود. اگر بازهم این ویتامین‌ها توسط الکول از بین برده شود، منجر به فلج شدن دستها، پاها و ورم قلب می گردد.

تأثیر الکول بر شخصیت انسان: درگزارشی که از طرف« انجمن مبارزه با الکول» در انگلستان تهیه شده، آمده است: «در اثر تحقیقاتی که بر ۱۸۶۰۰ شخص معتاد به الکول صورت گرفت، چنین نتیجه به دست آمد: استعمال الکول به طور دوام‌دار از شخصیت انسان می کاهد و سبب پیدایش کُند ذهنی، ضعف اراده، خشم سریع و اوهام و خیالات می گردد. بدین سبب نمی‌توان درمسایل مالی، اجتماعی و رهبری به چنین فردی اعتماد نمود؛ همچنان اعتماد به سخنان و وعده‌های شخص معتاد به الکول کاری‌است خطا؛ هرچند که وی در حالت عادی باشد.»

معضلات اجتماعی و اقتصادی الکول: درکشورهای اسلامی، الکول معضلهٔ قابل توجهی را ایجاد ننموده است و این به برکت دستور قاطعی است که شریعت اسلامی درین زمینه صادر نموده؛ اما درکشورهای دیگر به ویژه در قاره‌های اروپا و امریکا، معضلات اجتماعی و اقتصادی الکول بسیار چشم گیر است.

در بسیاری از شهرهای پیشرفتهٔ اروپایی و امریکایی، ده‌ها انجمن مبارزه با مشروبات الکولی و شفاخانه‌هایی ایجاد شده که به علاج اشخاص دایم الخمر می‌پردازند.

توضیحات

خداوند ﷻ در سورهٔ المائده آیـهٔ ۹۰-۹۱ میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالأَنصَابُ وَالأَزْلاَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰) إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاء فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللّهِ وَعَنِ الصَّلاَةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ (۹۱)

ترجمه: ای مؤمنان جز این نیست که شراب و قمار و نشانه‌ای معبودان باطل و تیرهای

فال پلیدی است از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا بود که شما رستگار شوید (۹۰) جز این نیست که می‌خواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی به سبب شراب و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز پس آیا الحال شما باز ایستادگانید (۹۱)



بخوانیم و بدانیم

۱. از نظر ساختار طبی همه نوشابه‌هایی که دارای مقدار معین ایتانول (Ethanol) بوده و حالت نشئه را به بار آورند، درجملهٔ مشروبات الکولی به شمار می‌آیند.
۲. از نظر شریعت اسلامی شراب به همه نوشابه‌هایی گفته می‌شود، که در وجود انسان حالت نشئه ایجاد کند.
۳. بزرگترین خطر الکول آن است که دنیا و آخرت انسان را خراب می‌سازد و سیستم اعصاب انسان را به تدریج معتاد می‌نماید.
۴. شایع ترین اختلال سیستم عصبی، آسیب قرنیه و اعصاب چشم است.
۵. الکول به نسبت (۱٪) درخون، سبب می‌شود که نبض در یک دقیقه ده بار بیشتر بتپد.
۶. استعمال الکول سبب پیدایش (پوکی جگر) می‌گردد.
۷. یکی از عوارض تجزیهٔ الکول دربدن، تخریب ویتامین B۶ است.
۸. استعمال الکول به طور دوامدار از شخصیت انسان می‌کاهد و سبب پیدایش کُند ذهنی، ضعف اراده، خشم سریع و اوهام و خیالات می‌گردد.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف اخیر واژه، «ی» باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی یا معاون «استم استیم، استی، استید، استند و اند»، «الف» از آغاز این‌ها حذف نشده برجای خویش باقی می‌ماند؛ اما درتلفظ، حرکت الف نخستین این واژه‌ها به «ی» داده می‌شود؛ مانند:
• استم: زابلی استم / قرغه‌یی استم.
• استیم: افغانستانی استیم / فرزه‌یی استیم.

• استی: ایرانی استی / سرچشمه‌یی استی.
• استید: منطقی استید / پایمناری استید.
• استند: کاریزی استند / بلوچی استند.
• اند: گردیزی اند / شرقی اند.

اما الف « است» که فعل مفرد شخص سوم می‌باشد، در هنگام پیوستن با واژه‌های یادشده حذف شده، وفعل با واژه پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

• است: معنویست / طبیعیست.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد اضرار اجتماعی و اقتصادی الکول باهم بحث نموده وفهرستی تهیه نمایند؛ سپس هرشاگرد، دو - دو مورد آن را با ارائهٔ مثال‌ها مفصل شرح دهد.

۲. چند تن از شاگردان تصویر زیر را با موضوع «شراب و تصادم» ارتباط داده، در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی، به خوانش می‌گیرد به صورت املا درکتابچه‌های‌تان بنویسید.

۲. « دولت چه تدابیری را درمبارزه علیه شراب روی دست بگیرد؟ » درین مورد متنی درهفت سطر بنویسید.

خود آزمایی

۱. شراب‌نوشی چه معضلات اجتماعی را به بار می‌آورد؟

۲. الکول بر سیستم عصبی و شخصیت انسان چه تأثیر می‌گذارد؟

۳. هرگاه حرف آخری واژه، «ی» باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی «استم، استیم، استی، استید، استند و اند»، چگونه باید نوشته شود؟

۴. به نظر شما مهمترین نکات املایی که باید در نوشتن رعایت شود، کدام‌هاست؟

کار خانه‌گی

۱. در مورد اضرار استفاده از مشروبات الکولی یک مقاله بنویسید.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

حذرکنید ز انجام عیش این محفل　　　کدام شیشه که آخر نزد به سنگ شراب

بیدل

۳. متن کامل درس دوازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
دوازدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد.
۱. رمان چیست؟
۲. رمان به گونۀ امروزی درچه زمانی به وجود آمد؟
۳. رمان با رمانس چه رابطه دارد؟
٤. دُن کیشوت چیست؟

پ

رُمان چیست؟

داستان یا ناول (Novel) روایتی است منثور که مبتنی بر جعل وخیال؛ اگر طولانی باشد، آن را رُمان و اگر کوتاه بود، آنرا داستان کوتاه می گویند. در ابتدا رُمان، شعر روایتی بود و بعد به تدریج به نثر گرایید و عمومیت بیشتر یافت.
ناول اصطلاح انگلیسی است و معادل آن در اکثر زبان‌های اروپایی رُمان است. اصل واژۀ انگلیسی ناول، واژۀ ایتالیایی« ناولا» به معنای مطلب کوچک تازه است. ناولا که در قرن چهاردهم در ایتالیا مرسوم بود، نوعی قصۀ کوتاه منثور است که معروف‌ترین نمونۀ آن « قصه‌های دکامرون» اثر « بوکاچیو » است.
از اجداد دیگر رُمان امروزی، روایات «پیکارسک» است که درقرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم بود و نشانه‌هایی ازاین شیوه، درآثار«مارک توین» به چشم می‌خورد. پیکارسک مشتق از کلمۀ هسپانوی«پیکار»، به معنای تذویر و محیل است و پیکارسک صفتی بوده برای داستان‌هایی که در ان به بررسی اعمال پیکارها می‌پرداختند. معروف‌ترین نمونۀ این سبک، رُمان« دُن کیشوت» اثر«سروانتس» (نویسندۀ هسپانوی) است که آن را در خلال سال‌های(۱۶۰۵) تا (۱۶۱۵)م. نوشته است. پیش از این رُمان هیچ اثری درچنین قالب هنری ادبیات جهان پیدا نمی‌شود. در این داستان معروف، مردی حیله گر می‌خواهد هنوز با آرمان‌های اشرافی- که دیگر در زمان او منسوخ شده است- زنده گی کند. در رُمان «دُن کیشوت» توهّم و واقعیت به نحو استادانه‌یی در مقابل یک‌دیگر نمودار شده است.
به هرحال رُمان، که از کلمۀ رُمانس گرفته شده، مهمترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافتۀ ادبی روزگار ماست. قبل از رُمان« دُن کیشوت»، حماسه‌های منثور ومنظوم و

لطیفه‌ها و حکایات برسبیل تمثیل، قصه‌های عامیانه واساطیر و افسانه‌های بسیاری چون« ایلیاد و ادیسه» و نوع رُمانس‌ها موجود بود که ازنظر معنی وکیفیت ساختاری با رُمان به مفهوم امروزی آن تفاوت بسیار داشت.

رُمانس چیست؟

اصطلاح رُمانس در اوایل سده‌های وسطی به معنای کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه و یا به زبان‌های محلی نوشته میشد و نیز زبان‌های محلی جدید مشتق شده از زبان لاتین را رُمانس می گفتند؛ همچنان درقرون نخستین، وقایع غیرعادی، صحنه‌های عجیب و غریب، ماجراهای شگفت انگیز و عشق‌های احساساتی وپرشور واعمال سلحشورانه را به نام رُمانس یاد می کردند.

شکل رُمانس، تحت تأثیر قصه‌های « هزار ویک شب» به وجود آمد و درقرن دوازدهم در فرانسه رونق گرفته از این کشور به کشورهای غربی دیگر نیز راه یافت.

رُمانس، جهان با شکوه و باعظمت غیرواقعی و خیال‌پردازانه را به نمایش می گذارد و برخلاف حماسه، تنها به جنگ و میدان‌های کارزار اختصاص ندارد؛ بلکه بیشتر قصه‌های خیالی است که جنبهٔ سرگرم کننده دارد و به قهرمان‌های اصیل زاده‌یی اختصاص می‌یابد که از واقعیت‌های زنده‌گی روزمره دور بوده به ماجراهای عاشقانهٔ اغراق‌آمیز دلبسته اند و در راه رسیدن به محبوب، به اعمال جسورانه دست می‌زنند و با جادوگران و شخصیت‌های شرور می‌جنگند.

قصه‌ها عمر طولانی دارند و تاریخ پیدایش آن‌ها تقریباً همان اندازه قدیمی است که تاریخ زنده‌گی بشر؛ اما شکل و روال تازهٔ ادبی که ما در رُمان مجسم می‌بینیم، یعنی آفرینش داستانی منثور و طولانی با تاکید بر اصالت و تجربیات و تخیلات فردی و شخصی، هرگز گذشتهٔ طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان از سه قرن تجاوز نمی کند. در حقیقت وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، رُمان نیز تولد یافت.

قصه‌های قدیمی بیشتر به مطلق‌گرایی و نمونه‌های کلی توجه داشتند. قهرمان‌های قصه‌ها، نمونه‌های صفات بد و خوب انسانی بودند. شخصیت‌ها در این آثار به دو گروه متفاوت و متمایز تقسیم می‌شدند: گروه آسمانی با همه صفات وخصایل پسندیده وگروه اهریمنی با همه رذالت‌ها، پستی‌ها وپلیدی‌ها. درگیری این دوگروه باعث پدید آمدن ماجراها، قصه‌ها و رُمانس‌ها می‌شد.

از اواخر قرن هفده جهان بینی انسان در غرب از جهان‌بینی قهرمان جدا شد. شناخت

افراد از مسایل تغییر یافت وموضوع رُمان‌ها نیز از این دیگرگونی‌های تازهٔ فردی مایه گرفت. برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی و تجزیه و تحلیل روحی به ادبیات راه یافت و رُمان به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.
درتعریف رُمان گفته اند: روایت منثور داستانی است که سروکارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی وتصوری است، به این منظورکه از طریق توصیف عمل و فکر، گوناگونی‌های زنده‌گی و شخصیت آدمی را تصویر کند.
رُمان از لحاظ زمینه و موضوع، اقسام گوناگون دارد که مهمترین آن‌ها عبارت اند از:
۱. رُمان تاریخی: که در آن قهرمانان و حوادث مهم تاریخی به کارگرفته شده و نویسنده به مقتضای ذوق وسلیقهٔ خویش در حوادث و شخصیت قهرمانان تغییرات کم و بیش مهمی که زاییدهٔ تخیل اوست، وارد آورده است.
۲. رُمان روستایی: رُمانی است که زنده‌گی، آرزوها و تخیلات شبانان و مردم روستانشین را نقاشی و تحلیل می‌کند.
۳. رُمان آموزشی: در چنین رُمان یکی از موضوعات علمی و آموزشی مانند موضوعات فلسفی، جغرافیایی وغیره در لباس داستانی که پرداختهٔ ذهن نویسنده است مورد بحث قرار می‌گیرد.
٤. رُمان طنزی: عبارت است از رُمانی که عادت و اخلاق و رفتار جاری عادی مردم را با بیانی نیشدار و خنده‌آور توجیه و تحلیل می‌کند. طبیعی است که موضوع این قبیل رُمان‌ها کمتر از میان مطالب جدی یا غم انگیز انتخاب می‌شود.
٥. رُمان هجوآمیز: در این رُمان در ضمن حکایتی که در واقع صورت استعاری مقصد اصلی نویسنده است، عادات و اخلاق و سجایای مردم عصر مورد نظر نویسنده، مورد انتقاد هجوآمیز قرار می‌گیرد.
٦. رُمان مکاتبه‌یی: رُمانی است که وقایع آن در ضمن نامه‌هایی که بین قهرمانان داستان رد وبدل می‌شود جریان دارد و خواننده با خواندن چند نامه از داستان آگاهی حاصل می‌کند.
۷. رُمان عاطفی: که قسمت عمدهٔ آن عبارت است از تحلیل احساسات و عواطف شخصی و درونی قهرمان داستان.
۸. رُمان روانی: که در آن حوادث عمده و مهمی وجود ندارد و زمینهٔ اصلی داستان چیزی جز تجزیه و تحلیل احساسات قهرمانان بر مبنای قوانین روان‌شناسی نیست.

۹. رُمان فرهنگی: که در آن عادات، رسوم، اخلاق و سجایای مردم جامعه مورد توجه و بحث قرار می گیرد.
۱۰. رُمان حادثه یی: رُمانی است که در آن شرح مسافرت‌های آمیخته با حوادث، یا وقایع خیالی و وهمی با معلومات جغرافیایی یا تاریخی آمیخته شده باشد که همهٔ این انواع محصول ادبیات غرب است؛ اما در کشور ما افغانستان بعد از فعالیت‌های فرهنگی نگارشی محمود طرزی عمدتاً داستان کوتاه و رمان به ادبیات راه پیدا کرد و نویسنده گان محدود در زمینه کار کرده اند.

توضیحات

بوکاچیو: «جووانی بوکاچیو» یکی از چهره‌های برجستهٔ تاریخ ادبیات ایتالیاست. او متولد سال ۱۳۱۳ میلادی و متوفی سال ۱۳۷۳م است. بوکاچیو را در کنار دانته یکی از اصلاح‌گران زبان ایتالیایی می‌دانند. هم‌چنین او از مقامات دولتی شهرفلورانس بود.
شهرت بوکاچیو به سبب مجموعهٔ قصه‌هایی است که او درکتاب بسیارمعروف خود «دکامرون» گردهم آورده است. بوکاچیو بنا بر گفتهٔ خودش قصه نویسی را از هفت ساله‌گی آغاز کرد و درطول عمرخود شیفتهٔ مسافرت و تفحص در آداب، رسوم و روحیات مردم بود.



بخوانیم و بدانیم

۱. داستان یا ناول (Novel) روایتی است منثور که مبتنی بر جعل وخیال باشد. اگر طولانی باشد، آن را رُمان و اگر کوتاه باشد، داستان کوتاه می گویند.
۲. ناولا نوعی قصهٔ کوتاه منثور را گویند که معروف‌ترین نمونهٔ آن « قصه‌های دکامرون» اثر « بوکاچیو » است.
۳. اصطلاح رُمانس در اوایل سده‌های میانه به معنای کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه و یا به زبان‌های محلی نوشته می‌شد و نیز زبان‌های محلی جدید مشتق شده از زبان لاتین را رُمانس می گفتند.
۴. رُمانس قصه‌های خیالی است که جنبهٔ سرگرم کننده دارد و به قهرمان‌های اصیل زاده‌یی اختصاص می‌یابد که از واقعیت‌های زنده‌گی روزمره دور بوده به ماجراهای

عاشقانهٔ اغراق‌آمیز دلبسته و در راه رسیدن به محبوب، به اعمال جسورانه دست می‌زنند و با جادوگران و شخصیت‌های شرور می‌جنگند.

۵. از اواخر قرن هفده برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی، تجزیه و تحلیل روحی به ادبیات راه یافت و رُمان به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.

۶. رُمان روایت منثور داستانی‌است که سروکارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی وتصوری است، به این منظور که از طریق توصیف عمل و فکر زنده‌گی و شخصیت آدمی را تصویر کند.



درست بنویسیم

هرگاه حرف آخری واژه، «ی» باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک (خود، خویش، خویشتن)، ضمایر اضافی (ت، ش، م) و(تان، شان، مان)، مطابق به قواعد زیر نوشته می‌شود:

در هنگام پیوستن با ضمایر اضافی«ت»، «م» و «ش»، میان واژه و ضمیرحرفی علاوه نشده، با این ضمایر به صورت پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

- ت: گادیت، بربادیت، شادیت.
- م: پیروزیم، آزادیم، گرفتاریم.
- ش: ویرانیش، پایانیش، مهمانیش.
- در هنگام پیوستن با ضمایرمشترک(خود، خویش، خویشتن) و ضمایر اضافی(تان، شان، مان)، بازهم میان واژه و یکی از ضمایر یادشده، حرفی علاوه نمی‌شود؛ اما واژهٔ اصلی از این ضمایرجدا نوشته می‌شود؛ مانند:
- خود: زنده‌گی خود، تنهایی خود، شادی خود.
- خویش: آزادی خویش، مستی خویش، شادابی خویش.
- خویشتن: بینایی خویشتن، جوانی خویشتن، بربادی خویشتن.
- تان: گرفتاری تان، پیری تان، خسته‌گی تان.
- شان: ستمگاری شان، افتاده‌گی شان، چربی شان.
- مان: دوستی مان، دشمنی مان، همکاری مان.



کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دوگروه تقسیم شده باهم گفتگو کنند. گروه اول آنچه ازنام رمان‌های نویسنده‌گان افغان را که شنیده اند و گروه دوم نام رمان‌های نویسنده‌گان خارجی

را بر روی کاغذ بنویسند؛ سپس از هر گروه یک نفر دربرابر صنف حاضر شده، نام آن رمان‌ها را باصدای بلند بخواند.



۲. شاگردان، این تصویر را با موضوع «رمان روستایی» ارتباط داده، چند تن شان در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به‌خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.

۲. با در نظرداشت قواعد املایی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید که از پنج سطر کم نباشد و پنج کلمه از قواعد املایی که خواندید، در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی

۱. ناول چیست و مشخصات آن کدام‌ها اند؟

۲. اصطلاح رُمانس چه معنایی را افاده می کند؟

۳. رُمان به معنای واقعی و امروزی آن در کدام زمان به وجود آمد؟

۴. رمان را تعریف کنید.

۵. هر گاه حرف آخری واژه، {ی} باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک (خود، خویش، خویشتن)، چگونه نوشته می‌شود؟ با مثال واضح سازید.

۶. انواع رمان را نام ببرید.

۷. رمان تاریخی و رمان حادثه‌یی از هم‌دیگر چه تفاوت دارند؟

کار خانه‌گی

۱. تفاوت‌های عمده میان رمان‌های آموزشی، طنزی و فرهنگی را درحد اقل ده سطر بنویسید.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

پیش از انجام تماشا همه افسانه شمار   دیدنی نیست که آخر به شنیدن نرسد

بیدل

۳. متن کامل درس سیزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس

سیزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد.

۱- چهار مقاله را چرا به این نام مسمی کرده اند؟

۲- در بارۀ نظامی عروضی سمرقندی چه می‌دانید؟

۳- نظم و نسق دربار به کدام چهار عضو بسته‌گی دارد؟ بیان دارید.

٤- اسلوب نگارش چهار مقاله از چه قرار است؟

۵- چهارمقاله از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب بیان در کدام ردیف قرار داشته و با کدام کتاب‌های مشهور می‌تواند همسری کند؟

چهارمقاله

این کتاب مهم طوری که از نام آن پیداست مرکب از چهار مقاله: به ترتیب زیر (در ماهیت علم دبیری، در ماهیت علم شعر، در ماهیت علم نجوم و در ماهیت علم طب) نگاشته شده و مؤلف آن ابوالحسن احمد سمرقندی ملقب به نظامی عروضی است. گذشته از این‌که وی استاد بلاغت و انشای دری بود، در علم ادب مهارت داشت و خود نیز شعر می‌گفت؛ چنان‌که در همین کتاب نمونه‌هایی از اشعار او دیده می‌شود.
تألیف چهارمقاله در حدود (۵۵۰)هـ‌ق. به عمل آمده و آن به نام ابوالحسن حسام‌الدین علی شاهزادۀ غوری اتحاف شده است.
چهار مقاله را می‌توان از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب عبارات در ردیف اول آثار منثور دری شمرد و نمونه و سرمشق نثر دری محسوب داشت و همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه پنداشت.
بخشی از محتوای کتاب را شرح حالات و اشعار و مقالات شماری از شعرا و فضلای معروف آن زمان تشکیل داده است «نام اصلی چهارمقاله (مجمع النوادر) می‌باشد، از این‌که مشتمل بر چهار مقاله می‌باشد، به نام چهار مقاله معروف گردیده است. چهارمقاله در سال(۵۵۱/ ۵۵۲ هـ. ق.) تألیف شده است. نظامی خود شاعر بود و اشعارش در کتاب‌های چهارمقاله، لباب الالباب، تاریخ گزیده، تذکرة الشعرای دولتشاه سمرقندی موجود است. کتاب مجمع النوادر یا چهارمقاله مشتمل بر یک مقدمه و چهارمقاله است که نظم و نسق دربار به این چهار عنصر بسته‌گی داشت که برای تحکیم و تقویت حکمروایان موجودیت چهار شخص فوق الذکر ضروری بود.

نگارنـــده، مقالهٔ خود را با دیباچه‌یی آغاز می‌کند کــه موضوع را به معرفی می‌گیرد و در آخر هر مقاله ده حکایت بیان گردیده اســت که نظرات او را مورد تأیید قرار داده و معلومات تاریخی زیادی به‌دســت می‌آید، در مقالهٔ دوم از شــعرای قدیم دوره‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی، غوری و دیالم نام برده شده و از جمله افراد متذکره چون: رودکی، عنصری، فرخی، معزی، فردوسی، ازرقی، رشیدی، مسعود سعدسلمان را نقل نموده و در بارهٔ کلام شان تبصره کرده است. در مقالهٔ سوم در بارهٔ عمر خیام معلومات مهم ارائه گردیده است.

اسلوب نگارش

اسلوب نگارش چهارمقاله، ساده، سلیس، روان و صریح است، ضرب‌المثل‌ها را به گونهٔ موزون به‌کار برده و هر واژه را مطابق موقع و محل استعمال نموده که ایجاز و اطناب از حدود خود تجاوز نکرده است. تنها در دیباچه و در آغاز مقاله‌ها اصطلاحات فلسفی، طبیعی، نجوم و طب را به کار برده است. الفاظ و کلمات عربی را در مدح پادشاهان، امرا و اشخاص در عبارت‌های مقفا، موزون و مسجع به‌کار برده است؛ اما ناخوشایندنیست. چهارمقاله را می‌توان به سیاستنامه، قابوسنامه و تاریخ مسعودی و تذکرة الاولیای عطار، تاریخ گزیده و منشأآت قایم مقام مشابه دانست.

توضیحات

* سیاست نامه از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی در دورهٔ سلجوقی تألیف ابو علی حسن بن علمی بن اسحق طوسی ملقب به نظام الملک است که آن را به دستور ملک‌شاه سلجوقی تألیف کرده است.

* قابوسنامه تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن سکندر بن قابوس بن وشمگیر از امیران زیادی است که آن را در سال ۴۷۵ هجری قمری در نصیحت به فرزند خود گیلانشاه نوشته کرده که دارای چهل و چهار باب است.

* تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی) تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی؛ از تواریخ معتبر دورهٔ غزنویان است. در اصل این کتاب تاریخ آل سبکتگین نام داشته و سی جلد بوده است. تنها قسمتی از این تاریخ بزرگ در دست است، به نام «تاریخ مسعودی» که حاوی سلطنت مسعود بن محمود سبکتگین و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و تصرف ولایت ایشان به دست سلطان محمود غزنوی و حکومت آلتون تاش تا غلبهٔ سلاجقه می‌باشد.



بخوانیم و بدانیم

۱- چهارمقاله را می‌توان از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب عبارت در ردیف اول آثار منثور دری شمرد و نمونه و سرمشق زبان دری محسوب داشت و همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه پنداشت.

۲- اسلوب نگارش عمومی چهارمقاله، ساده، سلیس، روان و صریح است.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف آخری واژه «های غیر ملفوظ» باشد و در جمله به حیث موصوف مضاف یا منسوب قرار گیرد، بر بالای «هـ» یک «ء = یای ابتر» به عنوان کسرهٔ اضافه نوشته می‌شود؛ مانند:

• کتابچهٔ سفید، ستارهٔ درخشان، پردهٔ رنگارنگ (موصوف).

• خانهٔ احمد، خالهٔ محمود، قصهٔ فرهاد(منسوب).

• ستارهٔ اقبال، قبلهٔ آمال، کعبهٔ مراد (مضاف).



کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب چهارمقاله به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در بارهٔ اسلوب نگارش چهارمقاله یا مجمع‌النوادر معلومات ارائه دارد.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر مقابل سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱-متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
۲- چهارمقاله در ردیف کدام کتاب‌ها قرار دارد؟ در این باره چند سطر بنویسید.

خود آزمایی

۱- چرا چهارمقاله به این نام مسما گردیده است؟
۲- درباره نظامی عروضی سمرقندی چه می‌دانید؟
۳- چهارمقاله را با کدام کتاب‌های معروف دیگر می توان هم‌سنگ دانست؟
۴- آیا چهارمقاله برای حفظ حاکمیت و دولتمداری ضروری است ؟توضیح دهید.

کار خانه‌گی

۱- یک مقاله راجع به نویسنده گی بنویسید که در آن قواعد املایی که خواندید تطبیق یافته باشد.
۳- این بیت را به حافظه بسپارید:

من طریق سعی می‌آرم بجا　　　لیس للانسان الاَّما سعی

مولوی

۴-متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی داشته باشید.

درس

چهاردهم

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ ارائه بدارند:

۱ـ محتوای آثار پوهاند حبیبی را چه موضوعات تشکیل داده است؟

۲ـ سال‌های تولد و وفات دو چهرهٔ فرهنگی را مقایسه نمایید؟

۳ـ محتوای آثار جمشید شعله را چه موضوعات تشکیل داده است؟

٤ـ آیا حبیبی و شعله که هم‌عصر هم بوده اند، با هم ملاقاتی داشته اند؟

دو چهرهٔ فرهنگی و ادبی

پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله


حبیبی


شعله

پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از چهره‌های معاصر فرهنگی و ادبی بوده که محقق و تاریخ نویس به زبان‌های دری و پشتوی کشور محبوب ما افغانستان است، حبیبی در سال(۱۲۸۹)هـ . ش. در شهر کندهار دیده به جهان گشود. تعلیمات خود را در کندهار به پایان رسانید و در همان جا به حیث معاون جریدهٔ «طلوع افغان» و پس از آن به حیث مدیر و گردانندهٔ آن جریدهٔ وزین تقرر حاصل نمود و طلوع افغان را ده سال رهبری کرد. در جریان عهده‌داری استاد حبیبی آن جریده از وضعیت ژورنالستیک خیلی عالی برخوردار بود.

دانشمند و محقق پوهاند عبدالحی حبیبی پس از آن به حیث معاون ریاست مستقل مطبوعات در کابل مقرر شد. با تأسیس فاکولتهٔ زبان و ادبیات در پوهنتون کابل، موصوف در آن فاکولته استاد شد و به رتبه علمی پوهاند رسید.

پوهاند حبیبی در سال ۱۳۲۷ هـ . ش. از طرف مردم کندهار به حیث عضو شورای ملی کشور انتخاب گردید؛ هنوز دورهٔ وکالت در پارلمان را به پایان نرسانیده بود که به سبب اختلافات با حکومت وقت از کشور بیرون رفت؛ مدتی در شهر کراچی به

فعالیت علمی و ادبی پرداخت و دوباره به افغانستان برگشت.
پوهاند حبیبی، مدتی رئیس انجمن تاریخ و مشاور فرهنگی صدارت‌عظمی بود. این دانشمند، تاریخ‌نویس، شاعر و نویسندۀ کشور تا آخرین روزهای حیات، وقت خود را صرف فعالیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی کرد. عبدالحی حبیبی پس از سالیان دراز ایفای وظایف استادی، تحقیق و پژوهش در بخش تاریخ، فرهنگ و ادبیات دری و پشتوی کشور ما افغانستان به تاریخ ۲۰ ثور ۱۳۶۳ هـ. ش. جهان فانی را پدرود گفت و به ابدیت پیوست.
علاوه بر تألیف و نگارش ده‌ها اثر ذی‌قیمت چاپ شده به زبان پشتو، آثار و تألیفات گرانبهایی به زبان دری نیز تألیف نموده است، که برخی از آن‌ها را نام می‌بریم:
- تاریخچۀ سبک‌های شعر پشتو به زبان دری.
- ترجمۀ پته خزانه به زبان دری.
- ظهیرالدین محمد بابر(زنده‌گی و شخصیت او).
- تاریخچۀ خط در افغانستان.
- افغانستان بعد از اسلام.
- نگاهی به سلامان و ابسال جامی.
- هفت‌کتیبۀ قدیم.
- زنده‌گینامۀ بوعلی‌سینا.
- تاریخ مختصر افغانستان در دو جلد.
- شناختنامۀ میا فقیر الله جلال‌آبادی.
- جنبش مشروطیت در افغانستان.
- پنجاه مقاله.
- ده هزار لغت فارسی به پشتو.
- مجموعۀ شعری زیر عنوان«درد دل و پیام عصر».
- افغان و افغانستان.
- داستان کوتاه«صندوق جواهر» در بارۀ دیوارهای شیر دروازه و آسمایی.

پوهاند حبیبی علاوه بر این‌ها و تألیفات زیاد و ارزشمند به زبان‌های دری و پشتو، ایراد ده‌ها بیانۀ علمی و تاریخی، در سیمینارها و ورکشاپ‌های ملی و منطقه‌یی و بین المللی،

به نگارش صدها مقالهٔ علمی مبادرت جسته بودند.
جشمید شعله شخصیت دیگر فرهنگی، شاعر و ادیب معاصر زبان دری کشور عزیز ما افغانستان است که در سال(۱۲۸۷) هـ. ش. در چاه‌آب ولایت تخار دیده به جهان گشود، از داملا عبدالکریم، مدرس مدرسهٔ سر حوض چاه‌آب و آشنایی با آثار میرزا عبدالقادر بیدل، خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، شیخ مصلح‌الدین سعدی و دیگران سواد ابتدایی را آموخت. در دورهٔ امانی در چاه‌آب و خان‌آباد مرکز ولایات قطغن و بدخشان، آموزش دید؛ سپس به معلمی و ادارهٔ مکتب پرداخت و یکی از شاعران معاصر کشور می‌باشد.
کلیات چاپ شدهٔ وی که حاوی هشت‌صد صفحه می‌باشد، گواه توانمندی وی در سرایش شعر است.
جریانات سیاسی و چرخش‌های قدرت حاکمیت در دوران حیاتش در کار و زنده‌گی وی تغییراتی را متبارز ساخت؛ اما ماموریت‌های دولتی را نیز عهده دار بود. وی به حیث وکیل منتخب مردم در لویه جرگهٔ سال ۱۳۱۲ هـ. ش. اشتراک ورزید؛ پس از کناره‌گیری از وظایف رسمی به پیشهٔ کشاورزی پرداخت.
جمشید شعله به شعر و سخن دسترسی کامل داشته است. اشعار وی پرسوز و گداز است. او در سرایش شعر از سبک هندی پیروی می‌کرد. وی در ولایات تخار، کندز و کابل به فعالیت‌های فرهنگی و ادبی پرداخته و نسل جوان معاصر خود را در همان ولایات به کسب علم و دانش و خدمت به میهن خویش افغانستان تشویق و ترغیب نموده است. موصوف در ماه دلو(۱۳۷۴)هـ.ش. در زادگاه خود جهان فانی را وداع گفت.
از جمشید شعله کلیات شعری(۸۰۰) صفحه‌یی، تاریخ پهلوانان چاه‌آب، یادداشت‌های زندان، جهاد ملت بخارا و حوادث لقی در شمال هندوکش، تفسیر سورهٔ والعصر و تاریخ ادیبان بدخشان که همه چاپ شده به یادگار مانده است.
نمونه‌یی از شعر جمشید شعله:

خورشید و مه گواه که در زیر آسمان — از عهد آفرینشم آزاد زیستم
می‌دان که در مقابل نیرنگ حادثات — کوه ثبات و غیرت و مردانگیستم
از جیب اتحاد یکی سر کشیده ام — گر کابلی و بلخی و گر غزنویستم

پشتون مگو، هزاره مدان، تاجیکم مخوان
یک جوهرم به روح و به پیکر یکیستم

روبه نیـــم که در تلکك بنده‌گی شوم
یعنی کــه شیــر بیــشهٔ آزاده‌گیستم

از زنده‌گی حــــلاوت دیگر نبرده ام
جز آن که مــرد بودم و مـردانه زیستم

عمریست تا منادی توحیـــــد می‌زنیم
این گونه عاشق وطــــن از بهر چیستم

آن به که همچـــو شعله به نام نکو روم
آخــــــر ازین دو روزه جهان رفتنیستم

توضیحات

• زبان مادری پوهاند عبدالحی حبیبی، زبان پشتو بوده؛ ولی یکی از نویسنده‌گان مهم زبان دری نیز می‌باشد و بعضی از کتاب‌ها و ترجمه‌های خود را به زبان دری نگاشته است که توسط دیگران آن تألیفات و ترجمه‌ها نیز به زبان پشتو برگردانیده شده است.

• جریدهٔ طلوع افغان: جریدهٔ طلوع افغان به محرری و مدیریت عبدالعزیز خان در قندهار از میزان سال(۱۳۰۰) هـ. ش. به زبان‌های دری و پشتو به نشرات آغاز نمود که از جانب دولت تأسیس شده بود، اما در نشر مطالب و مفاهیم از آزادی کافی برخوردار بود و در بعضی موارد به انتقاد نیز می‌پرداخت و هم در روشن کردن اذهان عامه نقش موثر را ایفا نمود. این نشریه در زمان سلطنت امیر امان الله خان به نشر می‌رسید. پوهاند عبدالحی حبیبی در سال(۱۳۱۰)هـ. ش. مدیر این جریده شد.

• سلامان و ابسال جامی: داستان منظومی است از هفت‌اورنگ جامی که ظاهراً آن‌را در سال ۸۸۵ هـ. ق. به نام سلطان یعقوب ترکمن آق قوینلو ساخته است.

• قطغن به ولایات کندز، تخار و بغلان گفته می‌شد و ولایات فعلی بغلان، کندز، تخار و بدخشان دارای یک تشکیل اداری به نام ریاست تنظیمیه بوده و ارگان نشراتی آن«اتحاد» نام داشت که بعدها این نشریه به بغلان منتقل گردید که تا امروز به نشرات خود ادامه می‌دهد.



بخوانیم و بدانیم

۱ـ پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از چهره‌های معاصر فرهنگی، ادبی و محقق و تاریخ نویس به زبان‌های دری و پشتوی کشور محبوب ما افغانستان بوده است. به هر دو زبان آثار گرانبهایی از وی باقی ماند.
۲ـ عبدالحی حبیبی دانشمندی بود که جریدهٔ«طلوع افغان» را ده سال اداره کرد.
۳ـ با تأسیس پوهنځی ادبیات در پوهنتون کابل حبیبی با اخذ رتبهٔ علمی پوهاند در آنجا رسید.
۴ـ پوهاند عبدالحی حبیبی در سال(۱۲۸۹) هـ‌ش. تولد شد و در سال(۱۳۶۳) با زنده گی وداع کرد.
۵ـ جمشید شعله در سال(۱۲۸۷)هـ‌ش. تولد شد و در سال(۱۳۷۴) با زنده گی وداع کرد.
۶ـ شعله علاوه بر کلیات شعری آثار تاریخی دیگری نیز به زبان دری نوشته است.
۷ـ جمشید شعله پس از چند ماموریت و اشتراک در لویه جرگه‌های کشور، به کشاورزی مصروف بود.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف اخیر واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین، بازهم در میان واژه و پسوند یک ((ی)) علاوه می‌شود که همیشه با واژهٔ پسینش باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:
• پسوند تنکیر(ی): فرزانه + ی + ی = فرزانه‌یی، دیوانه‌یی، ستاره‌یی.
• پسوند صفت نسبتی (ی) فرزه + ی + ی = فرزه‌یی، قرغه‌یی.
• هرگاه حرف آخری واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین، ((هـای غیر ملفـوظ)) به جای خویش باقــی مانده ؛ پس از آن یــک ((گ)) علاوه می‌شود؛ مانند:
• پسوند جمع ((آن)): همسایه + گ + ان = همسایه گان، بیگانه گان، رفته گان.
• پسوند اسم معنی (ی): افسرده + گ + ی = افسرده گی، تازه گی، دیوانه گی.
• هرگاه حرف آخر واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوند تصغیر((ک))
• در میان واژه و پسوند یک ((گ)) علاوه می‌شود، که همیشه با نشانهٔ تصغیر باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: خانه‌گک، افسانه‌گک، قصه‌گک.

کار گروهی و سخنرانی

۱ـ شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و زنده گینامهٔ دو چهرهٔ فرهنگی و ادبی که در این درس خوانده اند بحث و صحبت نمایند؛ سپس نمایندهٔ هر یک از گروه‌ها در مقابل صنف آمده، معلومات خود را با همصنفان شریک بسازند.

۲ـ دو شاگرد به مقابل صنف آمده پیرامون تألیفات و نوشته‌های حبیبی و شعله معلومات دهند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی قرائت می کند، شاگردان به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسند.

۲. نام‌های آثار و تألیفات پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله را در ورق‌های جداگانه بنویسند.

خود آزمایی

۱ـ آثار پوهاند عبدالحی حبیبی دارای چگونه محتوا بوده و به چند زبان تالیفات دارد؟

۲ـ محتوای آثار باقی‌ماندهٔ جمشید شعله را بیشتر چه چیزی تشکیل می‌دهد؟

۳ـ وجوه اشتراک فعالیت‌های این دو چهرهٔ فرهنگی و ادبی معاصر را در چه می‌بینید؟

کارخانه‌گی

۱ـ در بارهٔ تألیفات پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله تبصره‌یی نوشته نموده بیاورید.

۲ـ درس بعدی را دقیق مطالعه نمایید تا آمادهٔ ارائهٔ پاسخ به پرسش‌های استاد خود باشید.

درس
پانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. درپایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. معلولیت چیست ؟ ۲. وظایف ما، در برابر افراد دارای معلولیت چیست؟
۳.عوامل معلولیت کدام است ؟ ٤. مهمترین مشکلات معلولان چیست ؟

معلولیت

براساس معیارهای علمی، معلولیت عبارت است از وضعیت فردی که به دلیل نقص، فقدان یا عدم توازن در زمینه‌های جسمی، روانی، ذهنی و حسی، حین انجام فعالیت‌هایی که به طور طبیعی از هرانسان انتظار می‌رود، محدودیت دارد یا ناتوان است.معلول جسمی به فردی گفته می‌شود که در یك یا چند عضو؛ مانند: دست‌ها، پاها، لگن خاصره، ستون فقرات و گردن دارای نقص باشد. طوری که قادر به انجام بخشی از فعالیت‌های عادی توسط آن اعضا نباشد، و آن شامل انواع فلج‌ها، عدم توازن در اسکلیت‌بندی، اختلالات بیولوژیکی (بیماران قلبی، کلیوی، ریوی و...) و سال‌مندان می‌باشد؛ البته درمجموع همهٔ این‌ها عیب نیست؛ بلکه نوعی تفاوت است.

تفاوتی که فرد معلول را از دیگران جدا می‌سازد، چیز مطلوب و خوشایندی نیست؛ زیرا بیشتر توانایی او را برای انجام بعضی فعالیت‌های طبیعی محدود می کند. از این رو بهتر است که علل و عوامل ایجاد آن شناخته شود و تا حد ممکن از وقوع آن پیشگیری به عمل آید. عمده‌ترین علل وعوامل معلولیت عبارتند از: عدم توازن ژنتیکی، عوارض دوران بارداری مادران و زایمان‌های غیرطبیعی، بیماری‌های مکروبی، استفادهٔ خودسرانه از دواها، ضربه و تصادم ناشی از جنگ، انواع ماین‌ها و مهمات منفجرناشده و انواع سانحهٔ طبیعی وغیرطبیعی که اکثر آن‌ها قابل اجتناب و جلوگیری اند. اما واقعیت‌ها نشان می‌دهد، که با وجود همهٔ دستاوردهای علمی و توسعهٔ تکنالوژی، معلولیت همچنان عارضه‌یی پایدار است و امکان براندازی آن از میان نوع بشر هنوز فراهم نشده است. هر چند تفاوت یا نقص و عدم توازن موجود در فرد معلول، بیشتر پایدار و درمواردی غیرقابل معالجه است؛ اما میزان ناتوانی یا کم‌توانی معلولان، بسته به شدت و ضعف عوامل معلولیت، می‌تواند تخفیف یابد یا به طور کامل جبران شود.

این افراد حق دارند هم‌مانند دیگران از حقوق سایر اتباع کشور مستفید شوند؛ اما به دلیل نامناسب بودن فضاها و محیط‌های شهری و موانع فرهنگی ازکم‌ترین حقوق

خود بی‌بهره اند. طوری که با دیدهٔ ترحم نگریستن بسیاری از افراد جامعه و یا شنیدن اصطلاحات و واژه‌های منفی و مبتذل از اشکال معلولیت، آن‌ها را آزار می‌دهد.
از مهمترین مشکلات معلولان درجامعهٔ ما، بیکاری است که خود موجب بروز مشکلات روحی، روانی و بیش ازهمه عدم اعتماد به نفس می‌شود. جامعه‌شناسان ثابت کرده اندکه مشکلات روانی یک فردمعلول که زاییدهٔ عدم آمیزش او با محیط اطراف است، سبب گوشه‌گیری آن فرد می‌شود، که می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری برجامعه و مناسبات حاکم بر آن داشته باشد.
افراد معلول برای برطرف کردن نیازهای مادی و در دست گرفتن امور زنده‌گی خویش، لازم است به خود متکی باشند تا بتوانند جلو دلسوزی‌های بیهودهٔ افراد دیگر را بگیرند و این امر از طریق اشتغال و استقلال مالی آنان امکان پذیر می‌شود. درپهلوی آن، معلولان باید در دسترسی به تعلیم و تربیه و شرکت کامل در زنده‌گی اجتماعی، از امکاناتی برابر بهره‌مند شوند؛ زیرا قراردادن کودکان معلول درکنار کودکان سالم نه تنها به پذیرش تفاوت در قدرت حرکت، که میان آن‌ها وجود دارد، کمک می کند و تحمل و احترام متقابل را افزایش می‌دهد؛ بلکه اصل عادی ساختن معلولیت را نیز تحقق می‌بخشد. متاسفانه با آن که در حال حاضر معلولان در جامعهٔ ما تعداد قابل توجهی را تشکیل می‌دهند، کم‌ترین امکانات و تسهیلا ت برای زنده‌گی، رفت و آمد، تعلیم و تربیه، تفریح و ورزش آنان فراهم نگردیده است. برای معلولان زنده‌گی درخانهٔ راحت کافی نیست. آن‌ها باید بتوانند بدون کمک دیگران به محل کارخود بروند، به مکتب یا کلپ ورزشی مراجعه کنند یا حداقل به تماشای مسابقات ورزشی بروند و در فضای باز گردش، و تفریح کنند.
بنابراین با درنظرداشت این که اشخاص دارای معلولیت، جزیی از اجتماع ما استند و مانند سایر انسان‌ها حقوق و مکلفیت‌هایی دربرابر جامعه دارند، ما نیز در برابر آن‌ها مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های اسلامی و انسانی داریم، که برخی از آن مسؤولیت‌ها را چنین برمی‌شماریم:
- بلند بردن سطح آگاهی عامه نسبت به حقوق و توانمندی‌های اشخاص دارای معلولیت.
- همکاری با اشخاص دارای معلولیت در وقت ضرورت شان.
- دادن حق اولیت در استفاده از بس‌ها، بانک‌ها، نانوایی‌ها، مغازه‌ها وسایر بخش‌های خدمات عامه.
- سهیم ساختن آن‌ها درسایر فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.
- ایجاد زمینه‌های کاری مناسب، مطابق با توانایی‌های شان.
- حفظ احترام و عدم استفادهٔ کلمات منفی بیانگر انواع مختلف معلولیت‌ها در برابر ایشان.

بخوانیم و بدانیم



۱. معلولیت عبارت است از وضعیت فردی که به دلیل نقص، فقدان یا ناهنجاری در زمینه‌های جسمی، روانی، ذهنی و حسی، در انجام برخی از فعالیت‌ها محدودیت دارد یا ناتوان است.

۲. عوامل معلولیت عبارتند از: ناهنجاری‌های ژنتیکی، عوارض دوران بارداری مادران و زایمان‌های غیرطبیعی، بیماری‌های مکروبی، استفادۀ خودسرانه از دواها، ضربه و تصادم ناشی از جنگ، انواع ماین‌ها و مهمات منفجرناشده و انواع سانحه‌های طبیعی وغیرطبیعی.

۳. از مهمترین مشکلات معلولان درجامعۀ ما، بیکاری است.

۴. معلولان باید در دسترسی به زنده‌گی اجتماعی، از امکاناتی برابر بهره‌مند شوند.

۵. اشخاص دارای معلولیت، جزیی از اجتماع ما استند و مانند سایر انسان‌ها حقوق و مکلفیت‌هایی دربرابر جامعه دارند، ما نیز دربرابر آن‌ها مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های اسلامی و انسانی داریم.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی(استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، {الف} ازآغاز این‌ها حذف نشده، به شمول (اند)، برجای خویش باقی می‌ماند؛ مانند:

• استم: فرزانه استم	ام: فرزانه‌ام
• استیم: همسایه استیم	ایم: همسایه‌ایم
• استی: افسرده استی	ای: افسرده‌ای
• استید: مستانه استید	اید: مستانه‌اید
• است: بیگانه است	است: بیگانه‌است
• استند: بی‌خانه استند	اند: بی‌خانه‌اند



کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دوگروه تقسیم شده، گروه اول در مورد« نیازهای معلولان» و گروه دوم در مورد « وظایف دولت و اجتماع دربرابرمعلولان» باهم گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را ازهرگروه یک تن شان به دیگران انتقال دهد.

۲. شاگردان، این تصویر را با موضوع « توانایی‌های معلولان » ارتباط داده، چند تن شان در برابر صنف سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.

۲. در مورد « وظایف جامعه دربرابر معلولان» یک متن هفت سطری بنویسید، که در ان حد اقل سه بار، واژه‌های مختوم با {های غیرملفوظ} در هنگام پیوستن با افعال اسنادی قرارگرفته باشد.

خود آزمایی

۱. معلولیت چیست؟ انواع آن کدام است و معلولیت جسمی به چه نوع آن گفته می‌شود؟

۲. عوامل معلولیت را صرف نام ببرید.

۳. مهمترین مشکل معلولان درجامعهٔ ما چیست و راه‌های حل آن کدام است؟

۴. وظایف جامعه و دولت دربرابر معلولان چیست ؟

۵. هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی چگونه نوشته می‌شود ؟

کار خانه‌گی

۱. در مورد « راه‌های حل مشکلات معلولان» متنی در ده سطر بنویسید.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

با عاجـزان فروتنی آثار عزت اسـت   از هرکه همسر تو نباشد فزون مباش

بیدل

۳.متن کامل درس شانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
شانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد. درپایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

۱. گارسیا مارکیز که بود ؟ ۲. او چه کارهایی را دربخش ادبیات انجام داده است ؟

۳. او در کجا و در کدام سال تولد یافت ؟ ٤. او در کدام بخش‌ها کار کرده است ؟

۵. چرا او برندهٔ جایزهٔ نوبل شد ؟

٦. شما شخصیت او را چگونه ارزیابی می کنید ؟

گابریل گارسیا مارکیز



گابریل گارسیا مارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازندهٔ امریکای جنوبی، در ششم مارچ سال ۱۹۲۸میلادی، دردهکدهٔ آرکاتاکای کشورکولمبیا چشم به جهان گشود. والدینش تربیت او را به عهدهٔ پدرکلانش« نیکولامارکیز»، که یك افسر نظامی بود، گذاشتند و او این کار را به بهترین وجه انجام داد.

گابریل‌مارکیز اولین نوشته‌هایش را در روزنامهٔ «جوونتود»، که مخصوص شاگردان مکاتب بود منتشرکرد و نخستین داستانش زیر عنوان «سومین استعفا» درسال ۱۹۴۷ میلادی به نشر رسید؛ همچنان وی در همین سال به تحصیل رشتهٔ حقوق و ژورنالیزم در «دانشگاه ملی بوگوتا» پرداخت. نخستین مجموعهٔ داستانی اش درسال ۱۹۴۰ میلادی به نشر رسید ودرسال ۱۹۵۵میلادی نخستین ناول او زیر عنوان «توفان برگ‌ها» به دسترس علاقه‌مندان قرارگرفت. بزرگ‌ترین اثرش «صد سال تنهایی » عنوان دارد که در خلال سه سال آن را به پایان رسانیده است. این رمان که به او شهرت و آوازهٔ جهانی بخشید، به عقیدهٔ اکثر منتقدان، شاهکار او به شمار می‌آید. وی درسال ۱۹۸۲ میلادی برای همین رمان، برندهٔ جایزه نوبل ادبیات شناخته شد. مارکیز درسال ۱۹۹۹ میلادی به گونهٔ رسمی مرد سال امریکای لاتین شناخته شد و در سال ۲۰۰۰ میلادی مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، ازوی خواستار پذیرش ریاست‌جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت. تاکنون آثار او به بیشتر از هژده زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده است.

اینک قسمتی از داستان گارسیا مارکیز را به گونهٔ نمونه می‌خوانیم:

میخواستم فقط تیلفون کنم

بعد از ظهر یکی از روزهای بارانی ماه اپریل، «ماریا لیوز سرفانتز» می‌خواست، خود را به شهر «بارسلونا» برساند. ازبخت بد، موتر کراییش در وسط یک دشت خراب شد.
ماریا زن مکسیکویی ۲۷ ساله، با مردی که شغل شعبده‌بازی داشت، ازدواج نموده بود. او در این روز بارانی، پس ازدیدار باخویشاوندانش، می‌رفت تا با شوهرش ملحق شود. پس ازیک ساعت اشاره‌های بی‌نتیجه به موترها ولاری‌های باربری‌یی که مثل تند باد ازجلوش می‌گذشتند، بالاخره رانندهٔ یک سرویس کهنه وفرسوده برایش دل سوختانده و گفته بود که بیشتر از چند کیلومتر به پیش نخواهد رفت و ماریا برایش جواب داده بود: «فرقی نمی‌کند، من صرف به یک تیلفون ضرورت دارم». راست هم می‌گفت. باید به شوهرش اطلاع می‌داد که پیش ازساعت هفت شام نمی‌تواند به خانه برسد.
در بین سرویس، خانمی با شکل و شمایل یک نظامی؛ اما با ژست‌ها و حرکات مهربانانه و ملایم، ماریا را درپهلوی خود نشاند و برایش یک کمپل و یک روپاک داد. ماریا سروصورت خود را با آن اندکی خشک کرد و هنگامی که روی خود را می‌گشتاند، دید که همهٔ راکبین خود را در میان کمپل‌ها پیچیده و خوابیده اند. ماریا هم که زیر تأثیر فضای آرام موتر رفته بود، خود را روی چوکی جمع وجور کرد وذهن و خیالش را به هیاهوی باران سپرده به خواب رفت. وقتی ازخواب بیدار شد، دید که سیاهی شب همه جا پخش شده وتوفان شدید چند ساعت پیش، به یک باران سرد و آرام تبدیل شده است. هیچ برایش معلوم نبود که چقدردیر خوابیده و به کجا رسیده است؛ ولی زن پهلویی‌اش درحال آماده‌باش، هوشیار و بیدار نشسته بود. ماریا از زن پرسید: «کجا رسیدیم؟... درکدام منطقه هستیم؟» زن برایش جواب داد: «حالامیرسیم». بالآخره موتر سرویس درمحوطهٔ حویلی یک عمارت کهنه که به یک صومعهٔ قدیمی شباهت داشت و با درخت‌های بلندی احاطه شده بود، داخل شد و زن نظامی پوش با لهجهٔ خشنی شروع کرد به پایین کردن راکبین. ماریا فکر کرد که شاید این زن‌ها راهبه باشند؛ اما وقتی متوجه شد که چندین زن دیگر با یونیفورم نظامی درانجا منتظر استند، به اشتباه خود پی برد...



بخوانیم و بدانیم

۱. گابریل گارسیامارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازندهٔ امریکای جنوبی، درششم ماه مارچ سال ۱۹۲۸میلادی، در دهکدهٔ آرکاتاکای کشورکولمبیا چشم به جهان گشود.

۲. نخستین مجموعهٔ داستانی اش درسال ۱۹۴۰ به نشر رسید ودرسال ۱۹۵۵ نخستین ناول او زیرعنوان «توفان برگ‌ها» به دسترس علاقه‌مندان قرارگرفت.

۳. بزرگ‌ترین اثر او « صد سال تنهایی » عنوان دارد. این رمان که به او شهرت و آوازهٔ جهانی بخشید درسال ۱۹۸۲ میلادی برندهٔ جایزه نوبل ادبیات شناخته شد.

۴. تاکنون آثار او به بیش از هژده زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده است.

۵. مارکیز در سال ۱۹۹۹ میلادی به گونهٔ رسمی مرد سال امریکای لاتین شناخته شد.

۶. یک سال پس ازآن، مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، ازوی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت.



درست بنویسیم

هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک «خود، خویش، خویشتن»، ضمایر اضافی «ت، ش، م » و « تان، شان، مان»، مطابق به قواعد زیر نوشته می‌شود:

• در هنگام پیوستن با پسوندهای اضافی « ت، م، ش »، میان واژه و پسوند یک {الف} علاوه می‌شود؛ مانند:

- ت: خانه ات، خنده ات، گفته ات.
- م: گریه ام، جامه ام، دوباره ام.
- ش: نامه اش، کتابچه اش کرانه اش.

• در هنگام پیوستن با ضمایرمشترک«خود، خویش، خویشتن» و ضمایراضافی«تان، شان، مان»، میان واژه و یکی ازضمایر یادشده، یک کسرهٔ اضافه به شکل {ء = همزه} نوشته می‌شود؛ مانند:

- خود: جامهٔ خود، گردهٔ خود، نوشتهٔ خود.
- خویش: گفتهٔ خویش، پردهٔ خویش، خانهٔ خویش.
- خویشتن: خامهٔ خویشتن، سرودهٔ خویشتن، کردهٔ خویشتن.
- تان: نامهٔ تان، قصیدهٔ تان، کتابچهٔ تان.

- شان: خندهٔ شان، گریهٔ شان، مویهٔ شان.
- مان: رویهٔ مان، طبلهٔ مان، دیدهٔ مان.

کار گروهی و سخنرانی

۱. درین قسمت شاگردان باهم گفتگو کنند و سه تن شان برداشت‌های ذهنی و عاطفی خود را از داستان«می‌خواستم فقط تیلفون کنم»، دربرابر صنف بگویند.
۲. شاگردان در بارهٔ تصاویر سخنرانی کنند.


ویکتور هوگو


تولستوی

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
۲. شما کدام اثر از کدام نویسندهٔ افغان را شایستهٔ دریافت جایزهٔ نوبل می‌دانید، و به چه دلیل؟ درین مورد، متنی بنویسید که کمتر از هفت سطر نباشد.

خود آزمایی

۱. چرا مردم کولمبیا به «مارکیز» نامه نوشتند، که عهده دار ریاست جمهوری کشور شود؟
۲. از داستانی که خواندید، چه آموختید؟ مفصل شرح دهید.
۳. شخصیت ادبی و اجتماعی «مارکیز» را با شخصیت ادبی و اجتماعی یک نویسندهٔ افغان به طور مقایسوی بیان کنید.

کار خانه‌گی

۱. این بیت را به حافظه بسپارید و پیرامون آن چند سطر بنویسید.

اوج دولت سفله‌طبعان را دو روزی بیش نیست
خاک اگر امروز برچرخ است فردا زیر پاست

بیدل

۲. متن کامل درس هفدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز بعدی آماده گی بگیرید.

درس
هفدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. درپایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. به نظر شما مکتب‌های ادبی چیست و چه چیزهایی شامل آن می‌شود ؟
۲. کدام عوامل در به میان آمدن مکتب‌های ادبی نقش بازی می کنند ؟
۳. شما کدام یک از مکاتب ادبی را می‌پسندید و چرا ؟

مکتب‌های ادبی



درمقوله‌های ادبی و هنری، مکتب عبارت است از راه، روش، سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری برمبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد. در این درس به شرح روند پیدایش، تکامل و زوال آن عده از مکتب‌های ادبی می‌پردازیم که درجریان دیگر گونیهای اجتماعی اروپا پدید آمده و نمایندۀ نیاز جامعه در دورۀ خاص خود بوده اند:

اولین مکتب ادبی اروپا درقرن شانزدهم یعنی در اوج نهضت رنسانس و اومانیسم پدید آمده، در قرن هفدهم گسترش یافته ودارای اصولی مدون شده است. این مکتب کلاسیسیزم نامیده می‌شود.

کلاسیسیزم: به طور معمول آثار ادبی کهن و قبول شدۀ هر کشور را که دارای اصول و قواعد مدون و پذیرفته شده باشد، با صفت کلاسیك مشخص می کنند؛ ولی در شناخت مکتب‌های ادبی اروپا، آثار ادبی کلاسیك، به آثاری گفته می‌شود که متعلق به مکتب کلاسیسیزم باشد.

هنر کلاسیسیزم اصلی درحقیقت همان هنر یونان و روم قدیم است، که در قرن

شانزدهم درایتالیا و اسـپانیا؛ سپس درقرن هفدهم درفرانسه، به دنبال نهضت اومانیسم، سرمشـق قـرار گرفت، و هنرمنـدان فراوانی آثارشـان را به پیـروی از قواعد ثابت و مشـخصی که از ادبیات یونان و روم، به ویژه از نظرات ارسـطو اقتباس شده بود پدید آوردند. درنظر کلاسیک‌ها، هنر اصلی شـاعر یا نویسنده، رعایت دقیق اصول وقواعد کلاسیسـیزم بود. قواعد کلاسیسـیزم عبارت بود از: تقلید از آثار خردمندانه، توجه به طبیعت، پایبندی به اصول مذهبی واخلاقی، رعایت خوشایندی وآموزنده گی، روشنی و ساده گی و حقیقت‌نمایی اثر، و وجود هماهنگی درآن وحفظ وحدت موضوع، زمان و مکان. در دورهٔ کلاسیکها هنر به طبقهٔ اعیان و اشراف اختصاص داشت. نماینده گان معـروف این مکتب عبارت بودند از«میلتون»، « فرانسـیس بیکن» و «بن جانسـون» در انگلستان و «ورنی» و «راسین» درفرانسه.

رمانتیزم: نهضت رمانتیک در اواخر قرن هژدهم و آغاز قرن نزدهم پا به پای انقلاب صنعتی پدید آمد. پیروان این مکتب معتقد بودند که شکل‌ها، سنت‌ها و قید و بندهای مکتب کلاسیک، شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و لذت بردن از آن و بیان وتوصیف صحیح باز می‌دارد. آن‌ها قواعد و قالب‌های کهن را درهم شکستند و به جای اهمیت دادن به عقل و منطق، هنر را بر پایهٔ احساس، تخیّل، تصور، عشق، ذوق، قریحه و بیان آزادانهٔ احساس بنیان نهادند و هنر را در راه خدمت به مردم به کار گرفتند. بعدها این نهضت برموسیقی و نقاشی نیز اثر گذاشت.

رمانتیزم ازکلمهٔ« رُمان» گرفته شده است. تا قرن یازدهم و دوازدهم، موضوعات ادبی، ماجراهای پهلوانی شوالیه‌ها و مردان شمشیرزن، وکارهای شگفت‌انگیز وخارق العاده به زبان رومی بود، که رمان نامیده می‌شد؛ ولی کلاسیک‌ها آثارخود را به زبان لاتینی می‌نوشتند. از این رو پیروان مکتب رمانتیزم که مخالف مکتب کلاسیک بودند، خود را رمانتیک نامیدند.

رمانتیک‌ها تنها به زیبایی توجه نداشتند؛ بلکه به شرح و بیان وتوصیف حالات قهرمان وتمایلات و آرمان‌های او نیز می‌پرداختند. نماینده‌گان مهم مکتب رمانتیک عبارت بودند از:«ژان ژاک روسو»، « شاتوبریان»، «ویکتورهوگو»، «لامارتین»، «آلفرد دوموسه»، « مادام استاندال» و « آلفرد دووینیی» درفرانسه، «شیلر» و«گویته» در آلمان، « بایرون» درانگلستان و « لُرمانتوف» و « پوشکین» در روسیه.

ریالیزم: مکتب ریالیزم در اواسط قرن نزدهم به عنوان واکنشی دربرابر مکتب رمانتیزم پدید آمد. ریالیزم یعنی واقع گرایی.

بنیان‌گذار این مکتب «بالزاک» فرانسوی است. «چارلز دیکنز» از انگلستان، و «داستایوسکی» و « تولستوی» از روسیه، از نویسنده‌گان نامی این مکتب اند.

ناتورالیزم: طرفداران این مکتب به این امر باور دارند که طبیعت آنچنان‌که دیده و درک می‌شود در آثار ادبی و هنری شان انعکاس داده شود و به صیقل نمودن واقعیت‌های بیرون ذهن انسان پرداخته نشود.

سمبولیزم: سمبولیزم ازواژۀ « سمبول» به معنای نماد، گرفته شده است سمبولیست‌ها گروهی از شاعران فرانسوی بودند که در اواخر قرن نزدهم، در برابر مکتب ریالیزم و ناتورالیزم به پا خاستند. آن‌ها از شیوۀ بیان صریح در شعر خودداری می کردند و افکار وعواطف خود را با اشارات رمزی و استعاری و سمبولیک (نمادین) بیان می‌داشتند. این نهضت بعدها درهنرهای دیگر نیز رایج شد. آن‌ها درآثارخود به خواب وخیال و رؤیا و رازهای نهفتۀ روان، و اندیشه های دور ودراز توجه داشتند.

سمبولیست‌ها شاعران ناامید و بدبین بودند، و این حالت در انتخاب موضوع و چگونه گی توصیف در شعر آن‌ها آشکار است.

سمبولیست‌ها، پدیده‌ها و اشیا را چیزی ثابت و خارج از تصور درونی شان نمی پنداشتند. آن‌ها معتقد بودند که واقعیت اشیا همان درکی است که ما به واسطۀ حواس خود از آن‌ها در درون ذهن خود داریم.

سمبولیستها زبان شعر را درهم ریختند وکوشیدند که شعرشان مانند موسیقی با کمک وزن و آهنگ، احساسات وعواطفی را که با زبان معمول نمی‌توان بیان داشت، به خواننده القا کنند. بدین ترتیب آن‌ها درشکل شعر و درترکیب وکاربرد کلمات و وزن شعر، آزادی نامحدودی قایل بودند.

«موریس مترلینگ»، «ادگارآلن پو» و «شارل بودلر» از نماینده‌گان معروف این مکتب استند.

مکتب‌های دیگر ادبی که بعد از مکتب سمبولیسم پدید آمده اند به ترتیب عبارت اند از: سوریالیزم، امپرسیونیزم، پارناسیزم، دادیزم، وریزم، فوتوریزم، ناتوریزم، و یومانیزم.

توضیحات

مکتب‌های ادبی اروپایی، با مکتب کلاسیک آغاز می‌شود و اساسی‌ترین تعریفی که ازاین مکتب ارائه می‌شود، «بازگشت به هنرقدیم یونان و روم به تبع نهضت یومانیزم و رنسانس است.»

بخوانیم و بدانیم



۱. مکتب عبارت است از راه، روش سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری برمبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد.
۲. اولین مکتب ادبی اروپا در قرن شانزدهم یعنی در اوج نهضت رنسانس پدید آمده، در قرن هفدهم گسترش یافته ودارای اصولی مدون شده است.
۳. رمانتیست‌ها معتقد بودند که شکل‌ها، سنت‌ها وقید و بندهای مکتب کلاسیک، شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و استفاده ازآن و بیان و توصیف صحیح باز می‌دارد. آن‌ها قواعد و قالب‌های کهن را درهم شکستند و به جای اهمیت دادن به عقل ومنطق، هنر را بر پایهٔ احساس، تخیل، تصور، عشق، ذوق، قریحه و بیان آزادانهٔ احساس بنیان نهادند.
۴. ریالیزم یعنی واقع گرایی. هنرمند ریالیست درآفرینش اثر خود جهان را آن چنان که هست باز می‌نماید، نه آن چنان که باید باشد.
۵. مکتب ناتورالیزم (طبیعت گرایی) در اواخر قرن نزدهم پدید آمد. دراین مکتب نویسنده در اثر خود به تقلید طبیعت می‌پردازد.
۶. سمبولیزم از واژهٔ «سمبول» به معنای نماد، گرفته شده است. سمبولیست‌ها گروهی از شاعران فرانسوی بودند که در اواخر قرن نزدهم، در برابر مکتب ریالیزم و ناتورالیزم به پا خاستند. آن‌ها از شیوهٔ بیان صریح درشعر خودداری می کردند، و افکار و عواطف خود را با اشارات رمزی و استعاری و سمبولیک (نمادین) بیان می‌داشتند.



درست بنویسیم

• تعریف الف مقصوره: درعربی«الف مقصوره» یایی «ی» است درپایان واژه‌ها، که «آ» خوانده می‌شود. چنین واژه‌ها در املای دری، مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری،

کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.

• تعریف تنوین: تنوین، نون ساکنی است که درپایان اسمای عربی درمی آید و تلفظ می‌شود؛ اما نشانهٔ صدای«ن»نوشته نمی‌شود؛ مانند: صراحتاً، مجازاً، اصطلاحاً و....

بنا برقاعدهٔ کلی ورایج، درپایان واژهٔ مورد نظر، یک «الف» می‌افزاییم و بالای آن «دو زبر» می‌نویسیم؛ مانند: اصلاً، اجمالاً، احتمالاً، اساساً، حتماً، قسماً، عیناً، رأساً، مثلاً، ابداً، فوراً، مختصراً، حقیقتاً، نسبتاً، موقتاً، ذاتاً، عجالتاً، ندرتاً.

در زبان عربی درپایان واژه‌های مختوم به همزه، الفی افزوده و نشانهٔ تنوین را برسرآن می گذارند؛ مانند: استثناء اً، جزء اً و ابتداء اً؛ اما درزبان دری، الف حذف شده و نشانهٔ تنوین « دوزبر » برسرهمزه نوشته می‌شود؛ مانند:

• – استثناء استثناءً
• – جزء جزءً
• – ابتداء ابتداءً

چون تنوین ویژه زبان عربی می‌باشد در زبان دری به جای تنوین می‌توان واژه‌ها را چنین نگاشت: در اصل، به طور اجمالی، به طور احتمالی، به طور اساسی، به طور حتمی، به طور مثال و ...

کار گروهی و سخنرانی

• شاگردان در دوگروه مقابل هم قرارگرفته و در مورد پرسش‌های زیر باهم گفتگو کنند؛ سپس ازهرگروه یک نفر نتیجهٔ بحث را به دیگران انتقال دهد:

۱– اولین مکتب ادبی اروپایی در کجا و چه وقت به وجود آمد؟
۲– رومانیست‌ها چگونه عقیده داشتند؟
۳– در بارهٔ مکتب ریالیزم چه می‌دانید؟
۴– مکتب ناتورالیزم چگونه مکتب است؟

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
۲. چند کلمه بنویسید که مختوم به الف مقصوره و مختوم با تنوین باشد.

خود آزمایی

۱. مکتب چیست و مکتب‌های ادبی چه معنایی را افاده می کند؟
۲. نخستین مکتب ادبی اروپا چه وقت به وجود آمده، درکدام عهد گسترش یافته و دارای کدام اصولی مدون شده است؟
۳. کلاسیسم چیست و آثار کلاسیک به چه نوع آثاری گفته می‌شود؟
۴. رمانتیست‌ها در تخلیق آثار ادبی معتقد به چه چیزی بودند؟
۵. ریالیزم چیست و هنرمند ریالیست درآفرینش اثر خود بیشتر به چه چیزی توجه دارد؟
۶. الف مقصوره چیست و چگونه باید نوشته شود ؟
۷. سمبولیزم چیست و شیوهٔ بیان آن چگونه است؟

کار خانه‌گی

۱. تفاوت‌های عمده میان مکتب‌های ادبی کلاسیسیزم و رمانتیزم را درحد اقل یک صفحه شرح دهید ؟
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

گل‌ها تمـــام پنبهٔ گوش تغافل اند　　بلبل به هرزه سرنکنی داستان ما
وضع خموش ما زسخن دلنشین تر است　　با تیر احتیاج ندارد کمان ما

بیدل

۳. متن کامل درس هژدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس
هژدهم

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:
۱- ازدواج چیست؟ توضیح دهید.
۲- پیامبر خدا دربارهٔ نکاح چه فرموده اند؟
۳- آیا در نکاح رضایت دختر و پسر بالغ شرط است؟ توضیح دهید.
٤- محدث بزرگ امام بخاری رحمة الله علیه در بارهٔ پیوند ازدواج چه گفته است؟
٥- ازدواج اجباری در جامعه سبب بروز کدام عوامل و مشکلات می گردد؟ توضیح دهید.

ازدواج‌های اجباری

الله متعال پیوند ازدواج را از نشانه‌ها و آیات خود در روی زمین خوانده و در مورد این رشتهٔ مقدس و مبارك در سورهٔ الروم، آیه ۲۱ فرموده است: ترجمه: و از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان تان مؤدت و دوستی و رحمت قرار داد. بدون شك درین چیزها نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

به ارتباط تفسیر و فواید و آموختنی‌های این آیهٔ مبارکه چند نقطه در خور دقت و تأمل است:

- ازدواج یکی از نشانه‌های علم و قدرت خداوندﷻ است که تفکر و اندیشه در اسرار و حکمت‌ها و فواید آن باعث عمق شناخت و معرفت خداوند و تقویت ایمان می‌شود.
- تأکید و تصریح بر این که زن و مرد هر دو از یک جنس بوده و از نظر انسانیت یعنی خصایص و حقوق انسانی باهم برابر اند.
- ازدواج نظام و قانونیت الهی است که از طرف خداوندﷻ تشریع شده و ازین سبب دارای قدسیت و جایگاه مهم است.
- هدف از ازدواج رسیدن انسان‌ها (زن و مرد) به آرامش روانی، اجتماعی و حتی اقتصادی می‌باشد. زنده گی آرام و پر از سعادت و اطمینان و استقرار در گرو پیوند

ازدواج است.

- اساس و بنیاد پیوند مبارک و میمون ازدواج مؤدت، محبت، دوستی، رأفت، رحمت و دلسوزی متقابل بین خانم و شوهر است. ازدواجی را که فاقد این عناصر بنیادین و مهم باشد از نظر قرآن کریم نمی‌توان ازدواج کامل و موفق خواند.

به خاطر همین اهمیت حیاتی ازدواج است که دین اسلام پیروان خود را به ازدواج و تشکیل خانواده امر نموده و در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی بر ضرورت پیوند ازدواج تأکید جدی صورت گرفته است.

پیامبر ﷺ ازدواج را راه و روش یعنی سنت خویش خوانده و فرموده اند: نکاح و ازدواج از سنت و روش من است و هرکسی سنت من را ترک کند از جملهٔ اتباع و پیروان من نیست.

چون ازدواج از جملهٔ مهمترین عقود به شمار می‌رود و در قرآن کریم از آن به «میثاق غلیظ» یعنی پیمان بسیار مستحکم و قوی یاد شده است؛ بنابراین در فقه اسلامی به رضایت هر دو طرف عقد ازدواج یعنی زن و مرد در صورتی که عاقل باشند توجه و اهتمام جدی صورت گرفته است و عقدی که در آن رضایت یکی از عاقدان موجود نباشد فاقد اعتبار شرعی است.

محدث بزرگ امام بخاری (رح) در صحیح بخاری بابی را چنین عنوان گذاری کرده است: «اگر پدری دخترش را در حالی به ازدواج بدهد که او (دختر) راضی نیست نکاح او مردود است».

در حدیثی بُریده بن عبدالله از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که یکی از صحابه‌ها نزد ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها آمده و گفت که پدرش وی را بر خلاف رضا و رغبت او به ازدواج با پسر کاکایش وادار می‌کند. حضرت عایشه به دختر گفت: «صبر کند تا پیامبر ﷺ تشریف بیاورند» وقتی پیامبر ﷺ تشریف آوردند پدر دختر را نزد خود خواسته به او امر کردند تا دخترش را به ازدواج باکسی که رضایت ندارد مجبور نسازد.

پس از آن دختر به پیامبر اکرم ﷺ گفت: که با ازدواج با پسر کاکایش موافق است و خاطرنشان ساخت که برای آن این کار را کرد تا همه بدانند که کسی دخترش را به زور به کسی که دختر به او راضی نیست به نکاح داده نمی‌تواند.

وجود اکراه و اجبار در ازدواج علاوه از باطل ساختن عقد ازدواج، سبب می‌شود تا اهداف، فواید و اغراضی را که خداوند متعال برای ازدواج و کانون خانواده تشریع فرموده است به دست نیاید؛ زیرا ازدواجی که از روی جبر و زور صورت گرفته باشد هیچ‌گاهی باعث به میان آمدن فضای مؤدت، محبت، و رحمت و دلسوزی بین زن و شوهر نشده بر عکس مخالفت، دلسردی، بغض، کینه، و سایر پدیده‌های منفی را بین زن و شوهر به وجود می‌آورد که سبب فروپاشی کانون خانواده می‌گردد.
از آثار و پیامدهای منفی و خطرناک جبر و اکراه در ازدواج نتایج ناگوار رابطهٔ سرد و تیرهٔ همسران بر فرزندان است که به خاطر وجود جار و جنجال‌های دایمی میان والدین از عطوفت و شفقت و بر آورده شدن ضرورت‌های مادی و روانی که برای تربیت سالم آنان مبرم و حیاتی می‌باشد، محروم مانده با روان و ذهن پر از عقده بار می‌آیند که در نتیجه زنده‌گی آیندهٔ آنان توأم با مشکلات زیادی برای خود آنان و دیگران خواهد بود.
بدون شک فرزندان به فضای گرم پر از محبت و صمیمیت و رحمت و شفقت خانواده‌گی نیاز دارند و تنها خانواده‌ها و والدینی قادر به تقدیم فرزندان صالح و سالم به جامعه اند که رابطهٔ پدر و مادر و سایر اعضای خانواده در آن خانواده مستحکم و مملو از اصل قرآنی باشد.
ضرر دیگر وجود اکراه و اجبار در ازدواج این‌است که اگر این پدیدهٔ منفی و غیر اسلامی در جامعه شیوع پیدا کند سبب بروز مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی فراوان برای جامعه و نهادهای مربوط به آن در تمام عرصه‌های زنده‌گی می‌شود. این به آن سبب است که از نظر علم جامعه‌شناسی خانوادهٔ واحد هستهٔ اساسی تشکیل جامعه بوده و به صورت مثبت و منفی بر روند اجتماعی تأثیر گذار است. بسیاری از مشکلات و نا بسامانیهای اجتماعی ریشه در مشکلات خانواده‌گی داشته وحل آن‌ها بدون حل مشکلات خانواده‌ها ممکن و میسر نمی‌باشد.
با ایقان می‌توان اسباب بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی در جامعهٔ افغانستان مانند: دشمنی، خصومت، جنگ، مخالفت‌های ذات البینی و حتی عوامل برخی از جرایم خطرناک را در ازدواج‌های اجباری و پیامدهای ناگوار آن جستجو کرد.
وجود ازدواج‌های اجباری یکی از مشکلات اجتماعی بعضی جوامع انسانی است

که متأسفانه کشور عزیز ما افغانستان نیز در مواردی با آن دچار بوده و بسیاری از خانواده‌ها از آن رنج می‌برند. زنان بنابر عوامل و اسباب مختلف آسیب پذیرترین قشر جامعه مصدوم از ازدواج اجباری بوده بیشتر از زنان از پیامدهای زیان‌بار این مرض اجتماعی متضرر می‌شوند.

قوانین نافذ کشور نیز از سالیان دراز به این‌سو بر ممنوعیت اجبار در ازدواج با صراحت تاکید دارد؛ مگر بنابر عوامل مختلف، به خصوص عدم آگاهی برخی از مردم از احکام شریعت اسلامی، ضعف التزام و پابندی به احکام دینی، وجود رسم و رواج‌های خرافی و مخالف با دین اسلام و تعلیمات انسان‌ساز آن، هنوز هم در بعضی موارد رضایت دختر یا پسر بالغ در امر ازدواج و عقد نکاح در نظر گرفته نمی‌شود که پیامدهای ناگوار آن بر زنده گی قربانیان این چنین ازدواج‌ها به طور کامل مشهود بوده و سرنوشت صدها جوان اعم از مرد و زن را به سوی تاریکی و تباهی سوق می‌دهد.

مبارزه با پدیدهٔ شوم ازدواج اجباری مانند مبارزه با سایر امراض و مشکلات اجتماعی رسالت ومسؤولیت دولت، افراد و خانواده ها، رسانه‌ها و مؤسسات تعلیمی و منابر مساجد و تکایا می‌باشد. درین ارتباط نقش و مسؤولیت علمای دینی، دانشمندان، فرهنگیان و اهل قلم و اندیشه بسیار جدی و مهم است.

نقطهٔ بسیار مهم و جوهریی که باید به ارتباط راهکارهای مبارزه با ازدواج‌های اجباری به حیث یک پدیدهٔ منفی اجتماعی و غیر اسلامی به آن توجه کرد این‌است که باید فرهنگ ناب و اصیل اسلامی در جامعه عام شود و نسل‌های امروز و فردای کشور ما اعم از زنان و مردان بر بنیاد ایمان، عقاید، احکام و ارزش‌های ناب اسلامی به صورت متوازن و به دور از افراط و تفریط تربیت گردند. در نظام تعلیم و تربیهٔ کشور ما به سه اصل مهم اصلاح فرد، خانواده و جامعه، در روشنی احکام و تعلیمات و ارزش‌های دین اسلام به حیث نظام و قانون مکمل و همه جانبهٔ زنده گی، توجه جدی و مناسب به عمل آمده است.

وقتی که آگاهی، فرهنگ، اخلاق وتربیت اسلامی درجامعه ترویج یافته پابندی به احکام و ارزش‌های والای انسانی اسلام به حیث نظام و قانون زنده گی عام شود بدون تردید مظالم، مفاسد، ناهنجاری‌ها و انحرافات از جامعه رخت بر می‌بندد و جایی برای امراض اجتماعی از جمله ازدواج‌های اجباری باقی نمی‌ماند.

این کار از راه تشریک مساعی مخلصانه بین ملت و دولت و هماهنگی میان نهادهای تعلیمی، تربیتی و اجتماعی و رسانه‌هایی که با اخلاص و جدیت برای خیر و بهبود ملت کار و مسؤولانه و مثبت عمل می کنند.

توضیحات

۱- ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری روز جمعه سیزدهم شوال سال ۱۹۴ هجری قمری در بخارا دیده به جهان گشود؛ وی جهت فراگیری علم و جمع آوری احادیث به کشورهای مصر، حجاز، شام و عراق سفر کرد.

امام بخاری ششصد هزار حدیث را جمع آوری نمود که از جمله حدود چهار هزار حدیث را در کتاب صحیح ثبت کرده است و در مدت ۱۶ سال صحیح البخاری را تکمیل کرده و به عمر ۶۲ ساله گی چشم از جهان پوشید.

۲- عایشه امُ المؤمنین دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در سن پنجاه ساله گی با او ازدواج کرد.

حضرت بی‌بی عایشه رضی الله عنها از جملهٔ با ذکاوت‌ترین و هوشیارترین امهاتُ المؤمنین شمرده می‌شد و از همهٔ آن‌ها به سنت و حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم آگاه‌تر بود. به همین جهت بسیاری از بزرگان اصحاب وقتی دربارهٔ بعضی احکام دچار اشکال می‌شدند. آن‌را از عایشه(رض) می‌پرسیدند و پیامبر بر حافظ بودن علم و حدیث او گواهی داده است.

۳- بُرَیده بن حصیب بن عبدالله بن حارث رضی الله عنه از ساکنین مدینه بود پیش از غزوهٔ بدر به ابو عبدالله مسلم مشهور بود، در صلح حدیبیه حضور داشت. از مدینه به بصره رفت و از آنجا غرض جهاد عازم خراسان گردید؛ و در سال ۶۳ هجری قمری در مرو وفات کرد.

۴- صحابیات: زنانی که در صحبت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حضور داشتند. جمع کلمهٔ «صحابیه» است یعنی زنی که از جملهٔ اصحاب بود؛ ولی در زبان عربی چون تفکیک واژه‌های نشان‌دهندهٔ اناث و ذکور وجود دارد، ازین‌رو زن و مرد را مانند زبان دری صحابی یا صحابه نمی گویند و جمع آن هم به «ات» از همین رو شده است.



بخوانیم و بدانیم

۱_ ازدواج، یکی از نشانهٔهای علم و قدرت خدا ﷻ است که تفکر و اندیشه در اسرار و حکمت‌ها و فواید آن باعث عمق شناخت و معرفت خداوند ﷻ و تقویت ایمان می‌شود.
۲_ تأکید و تصریح براین که زن و مرد هر دو از یک جنس بوده و از نظر انسانیت یعنی خصایص و حقوق انسانی با هم برابر اند.
۳_ اساس و بنیاد پیوند مبارک و میمون ازدواج مؤدت، محبت، دوستی، رحمت و دلسوزی متقابل بین زن و شوهر است. ازدواجی را که فاقد این عناصر بنیادین و مهم باشد از نظر قرآن کریم نمی‌توان ازدواج کامل و موفق خواند.
۴_ از آثار و پیامدهای منفی و خطرناک جبر و اکراه در ازدواج نتایج ناگوار رابطهٔ سرد و تیرهٔ همسران بر فرزندان است که به خاطر وجود جارو و جنجال‌های دایمی میان والدین از عطوفت و شفقت و برآورده شدن ضرورت‌های مادی و روانی که برای تربیت سالم آنان مبرم و حیاتی می‌باشد، محروم بمانند.
۵_ وجود ازدواج‌های اجباری یکی از مشکلات اجتماعی بعضی جوامع انسانی است که متأسفانه کشور عزیز ما افغانستان نیز در مواردی با آن دچار بوده و بسیاری از خانواده‌ها از آن رنج می‌برند.



درست بنویسیم

هرگاه واژه‌های مختوم به «الف مقصوره» در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند «ی» به صورت الف «ا» نوشته می‌شود و قاعدهٔ واژه‌های مختوم به «ا» بر آن‌ها تطبیق می‌گردد؛ مانند:

عیسی　　عیسای مریم
موسی　　موسای کلیم الله
معنی　　معنای واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی

لیلی	لیلای ذکی
شورای	شورای وزیران
یحیی	یحیای برمکی

هر گاه این گونه واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شوند:

موسی	موسوی
عیسی	عیسوی
معنی	معنوی
مصطفی	مصطفوی

و اما در املای زبان دری اشکال زیرین را به خود می گیرند:

موسی	موسایی
عیسی	عیسایی
معنی	معنایی
مصطفی	مصطفایی

کار گروهی و سخنرانی

۱ـ شاگردان به دو گروه تقسیم شوند گروه اول پیرامون ازدواج و گروه دوم پیرامون ازدواج‌های اجباری به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.

۲ـ چند تن از شاگردان پیرامون عوامل ناگوار ازدواج‌های اجباری صحبت کنند.

املا و نگارش

۱ـ متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

۲ـ با در نظر داشت قواعد املایی که در بالا خواندید، متنی را بنویسید.

خود آزمایی

۱ـ در بارهٔ ازدواج‌های اجباری، محمد ﷺ چه فرموده اند؟

۲ـ ضرر اکراه و اجبار در ازدواج چیست؟

۳ـ ازدواج و اهمیت آن در زنده گی را چگونه فهمیده اید؟

۴ـ اسلام چه حقی را در مورد اختیار همسر برای فرزندان اعطاء کرده است؟ بیان دارید.

۵ـ وجود اکراه و اجبار در ازدواج علاوه از باطل ساختن عقد ازدواج کدام مسایل دیگر را در پی دارد؟

کارخانه‌گی

۱- در بارهٔ فواید ازدواج در زنده گی، متنی در یک صفحه بنویسید.

اگر هوشمندی به معنی گرای   کـــه معنی بماند ز صورت به جای

سعدی

۲-متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس
نزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱- احمد شاه بابا که بود؟ ۲- او در کدام زمان می‌زیست؟
۳- او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟ ٤- مهمترین آثار او چه نام دارد؟
۵- شما اشعار دری احمد شاه بابا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

احمدشاه بابا و نمونه شعر دری آن



احمد شاه بابا، در سال ۱۱۰۱ هـ. ش. تولد و بعد از ۲۵ سال سلطنت در سال ۱۱۵۱ هـ.ش. به عمر پنجاه ساله‌گی وفات یافت.
احمد شــاه بابا مرد متدین بود. او به عرف و عادات پسندیدهٔ ملی احترام داشت.
احمد شاه بابا بعد از پادشاه شدن، ثابت کرد که آگاه از اوضاع داخلی کشور و مطلع از اوضاع سیاســی و نظامــی ممالك همجوار افغانستان اســت و هم قادر است که از این اوضاع به نفع افغانستان استفاده کند. شرایط داخلی و اوضــاع ممالك همجوار نیز برای تشکیل یك دولت مستقل در افغانستان مساعد بود.
احمد شــاه بابا را به واسطه خدمات، اخلاق و تقوای شخصی او پدر می‌خواندند؛ زیرا احمد شــاه بابا تنها پادشاهی بود که در افغانستان تاج بر سر نمی‌نهاد، دستار می‌بست و به طور مســتقیم با مردم در تماس می‌شــد، با تواضع و پیشانی گشاده سخن می‌زد، در حل و فصل قضایا انصاف را مدنظر می‌گرفت.
در عین حال از قوانینی که خود گذاشــته بود، جدی از آن پیروی می‌نمود. او در هیچ

جنگی از مقابل دشـــمن فرار نکرده بود و در برابر اهالی کشـــور متواضع و ملایم بود. خشـــوع و خمیدن را در تشریفات، تحریم نمود. او خانواده و اقارب خود را از مداخله و اشـــتراک در امور دولت دور نگه‌داشـــت، او هشت پسر داشـــت به نام‌های (سلیمان، تیمور، شهاب، سنجر، یزدان، سکندر، داراب و پرویز).

احمد شـــاه بابا مصارف دربار را کمتر کرد و معاش کارکنان دولت و سپاه را سر وقت می‌پرداخت. دفاتر مالی، معاش، دخل و خرچ دولت وسیع و منظم بود. او هم‌چنین در پایتخت دوایری تشکیل کرد؛ از قبیل وزارت (در منزله صدارت) دیوان اعلی (وزارت مالیه)، خزانه‌داری دفتر ضبط بیگی (امنیه و کوتوالی) و غیره.

مقام ادبی احمد شاه بابا

احمد شاه بابا علی‌رغم این که یک مرد سیاسی، نظامی و فاتح و کشور گشا بود؛ با شعر و ادب نیز علاقه‌مندی وافر داشت و علما و دانشمندان و هنرمندان را حمایت می کرد. عدۀ زیادی از علما و دانشمندان در دربار وی جمع شده هر شام پنجشنبه دعوت مجلل ترتیب و محفل علمی بر پا می کرد. تمام دورۀ جوانی حیاتش در میدان جنگ سپری شد. احمد شاه از ایام پادشاهی تا زمان وفاتش مشغول امور مملکت داری بود؛ ولی با آن‌هم در ادب و ادبیات دسترسی کامل داشت و به هر دو زبان دری و پشتو شعر می گفت که اینک در زیر نمونه‌یی از شعر دری او را نقل می کنیم:

چو بر من تیر مژگان می‌زند آن شـوخ گلگونم   چو لاله داغ بر دل تا سرا پا غرق در خونم

زسوز دل همی بارم شب و روز اشک حسرت را   ز خـــون دل نشسته بر کنار رود جیحونم

ز سوز آتش عشقت که چون افروخت بر دل‌ها   زبس سوزد دلم هرگز نمی‌دانم که من چونم

نمـــی پرسی ز مـــن اما ببین حـــال دل و جانم   که از غیرت فتاده بر زمین چون بید مجنونم

به گرد گنج رویت چـــــون بدیدم اژدر دل‌ها   همی سوزم همی نالم ندانم خویشتن چونم

ولی «احمد» ز تو دارد همین یک آرزوی خـود   به دیدارت رسم ماند ز گریه چشم جیحونم



بخوانیم و بدانیم

۱-احمد شاه بابا در سال ۱۱۰۱ هـ. ش. تولد و بعد از ۲۵ سال سلطنت و در سال ۱۱۵۱ هـ. ش. به عمر پنجاه ساله‌گی وفات یافت.

۲-او در ضمن کشورداری به شعر و ادب نیز علاقه داشت و به هردو زبان دری و پشتو شعر می‌سرود.



درست بنویسیم

• در زبان دری واژه‌های اسمعیل، اسحق، ابراهیم، رحمن و امثال آن را باید با «الف» یعنی: اسحاق، اسماعیل، ابراهیم و رحمان بنویسیم.

• کلماتی، مثل: زکوة، صلوة(صلات)، مشکوة، تورية و حیوة، باید به همان‌گونه که تلفظ می‌شوند، نوشته شوند، یعنی: زکات، صلات، مشکات، تورات، و حیات.



کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های احمدشاه بابا به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.

۲-چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.



مرقد احمدشاه بابا در قندهار

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.

۲- سوانح احمد شاه بابا را در چند سطر بنویسید.

خود آزمایی

۱- احمد شاه بابا به اجرای چه کارنامه‌هایی شهرت داشت؟

۲- در مورد دیانت و شجاعت احمد شاه بابا چه آموخته اید؟ ارائه دارید.

۳- احمد شاه بابا در کدام سال تولد شد؟ چند سال حکومت کرد و سر انجام در چند ساله گی وفات یافت؟

کارخانه‌گی

۱- نقش احمد شاه بابا را در تشکیل افغانستان کنونی توضیح دهید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

کرا دانش و جود و تقـــوی نبود　　　بــه صورت درش هیچ معنی نبود

سعدی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس
بیستم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

۱. آرشیف چیست؟
۲. آرشیف ملی افغانستان در کدام زمان به میان آمده است؟
۳. آرشیف ملی در کجاست و چند بخش دارد؟
٤. در آرشیف ملی چه چیزها نگهداری می‌شود؟
٥. به نظر شما مهمترین اثر موجود در آرشیف ملی کدام است؟

آرشیف ملی افغانستان

«آرشیف ملی افغانستان» اداره‌یی است که هم‌زمان با « موزیم ملی» ایجاد گردیده و در آن اسناد تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله ها، نکاحنامه ها، روزنامه ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتین، تصاویر آزادی‌خواهان و آثار نادر چاپی نگه‌داری می‌شود.

آثار اولی که درموزیم ملی افغانستان نگهداری می‌شد، نسخه‌هایی از قرآن کریم، تفاسیر وکتبی را احتوا می‌کرد، که با خط زیبا نگاشته شده و دارای لوحه‌های میناتوری و جدول‌های طلاکاری شده بود. با گذشت زمان آثار دیگری نیز جمع‌آوری شد، که باعث غنامندی « موزیم ملی» و « آرشیف ملی» گردید.

در واقع منبع آرشیف ملی افغانستان کتابخانه‌یی است که در زمان امیر حبیب الله خان تنظیم و در زمان شاه غازی امان الله به کتابخانهٔ ملی مبدل گشت. دراین زمان نسخه‌ها و اسناد دست نویس و خطاطی‌شده جمع آوری گردید و بنیاد «کتابخانهٔ خطی افغانستان» در منزل پنجم وزارت اطلاعات و فرهنگ گذاشته شد و درسال ۱۳۵۲هـ. ش. به «آرشیف ملی» مسمی گردیده ساختمان دیگری برای آن اختصاص یافت.

این ساختمان که خود یک اثر تاریخی است، در زمان پادشاهی امیر عبدالرحمن‌خان در محوطهٔ باغ چرم‌گری کابل بنا یافته که از جمله بهترین باغ‌های شهر کابل به شمار می‌رفت و پس از اعمار جادهٔ سالنگ، در زمان ریاست جمهوری محمد داوودخان، در کنار آن جاده قرار گرفت.

گرچه تاریخ دقیق ساخت این بنا آشکار نیست؛ اما نظر به روایاتی بنای آن پس از اعمار بستان سرای کابل، یعنی درسال ۱۳۱۰ خورشیدی به منظور دفتر کار شاهزاده حبیب الله خان ساخته شد.



«آرشیف ملی افغانستان» به طور رسمی در سال ۱۳۵۶ هـ. ش. گشایش یافت و با ثبت آن در یونسکو، شهرت جهانی را کسب نمود.

آرشیف ملی دارای دوبخش عمدهٔ نسخ خطی و اسناد تاریخی است که در تالار نسخ خطی آن پیرامون پانزده هزار جلد کتاب پشتو، دری، عربی و بعضی از نسخه‌های خطی زبان‌های دیگر، دست نوشته‌هایی از قرآن‌کریم در چندین نسخه، رساله ها، دیوان‌ها، کتب ادبی، تاریخی، فلسفی، و قطعه خط‌ها موجود است.

تالار اسناد تاریخی آرشیف ملی، شامل یکصد و شصت هزار قطعه سند تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتین، تصاویر آزادی‌خواهان و آثار نادر چاپی می گردد که قدیم‌ترین فرمان متعلق به سلطان حسین بایقرا (قرن نهم هجری) و تازه‌ترین آن فرمان توزیع زمین متعلق به سال ۱۳۵۷ خورشیدی است؛ همچنان فرامین احمد شاه بابا، تیمورشاه و دیگر شاهان نیز در آرشیف ملی افغانستان نگهداری می گردد.

درآرشیف ملی نسخه‌یی از قرآن‌کریم وجود دارد که تعداد مجموعی صفحات آن به سی صفحه میرسد و درهرورق آن یک پارهٔ کامل قرآن عظیم الشأن با هنرخط هفت قلم، خطاطی و با آب طلا هرصفحهٔ آن تذهیب‌کاری شده است. دیدن این نسخه و توجهی که درخطاطی و گنجانیدن یک پارهٔ کامل درهرورق آن به عمل آمده است، انسان را به حیرت وامیدارد.

از جمله نسخه‌های دیگرخطی قران کریم که درآرشیف ملی نگه‌داری می‌شوند، نسخه‌یی نیز وجود دارد که بر پوست آهو با خط میخی نوشته شده است. زمان نوشتن آن به دورهٔ حضرت عثمان رضی الله عنه خلیفهٔ سوم مسلمانان منسوب می‌شود؛ همچنان نسخه‌های خطی و لوحه‌های میناتوری دوران تیموری نیز در آرشیف ملی افغانستان موجود است.

از جمله عکس‌های قدیمی از عصر امیر شیرعلی خان تا این اواخر در آرشیف نگهداری می‌شود؛ همچنان اولین بانک‌نوت کاغذی که در دوران اعلیحضرت امان الله خان رایج گردید در آرشیف ملی محفوظ می‌باشد.

در این اواخر وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، دو اثر دست نوشتهٔ تاریخی دیگر را از یک کتاب‌فروش شهر کابل خریداری کرده و به آرشیف ملی سپرده است. اثر نخستین، جلد چهارم سراج التواریخ، دستنویس خود مؤلف (فیض محمد کاتب هزاره) بوده که تاحال چاپ نگردیده است و اثر دومی اسناد و مکاتیب رسمی تبادله شده بین امیرعبدالرحمان(خان) (پادشاه افغانستان) و حکومت انگلستان در نیم قارهٔ هند می‌باشد.

توضیحات

یونسکو: نهاد تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یکی از دفاتر تخصصی است که درسال ۱۹۴۵ میلادی تشکیل شد. هدف این سازمان کمک به صلح و امنیت در جهان از راه همکاری بین‌المللی در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی می‌باشد و ۱۹۱ کشور عضو یونسکو هستند. مقر آن در پاریس پایتخت فرانسه است و دفترهایی در کشورهای مختلف دارد.



بخوانیم و بدانیم

۱. «آرشیف» کلمه‌یی است فرانسوی که معنای آن: ثبت و حفظ اطلاعات، اسناد وعملکردهای مربوط به گذشته، به منظور استفاده در حال و آینده است.

۲. «آرشیف ملی افغانستان» اداره‌یی است که در آن اسناد تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتین، تصاویر آزادی‌خواهان وآثار نادر خطی چاپی نگه‌داری می‌شود.

۳. «آرشیف ملی افغانستان» درسال ۱۳۵۶ هـ . ش. به طور رسمی گشایش یافت و با ثبت آن درسازمان یونسکو، شهرت جهانی را کسب نمود.

۴. آرشیف ملی دارای دو بخش عمدهٔ نسخ خطی و اسناد تاریخی است.
سالون اسناد تاریخی آرشیف ملی، شامل یکصد و شصت هزار قطعه سند تاریخی و سالون نسخ خطی دربرگیرندهٔ پانزده هزار جلد رساله، دیوان، کتب ادبی، تاریخی، فلسفی، و دست‌نویس است.

۵. قدیم‌ترین فرمان موجود در« آرشیف ملی» متعلق به سلطان حسین بایقرا (قرن نهم هجری) و تازه‌ترین آن فرمان توزیع زمین متعلق به سال ۱۳۵۷ خورشیدی است.

۶. درآرشیف ملی، نسخه‌یی از قرآن‌کریم وجود دارد که بر پوست آهو با خط میخی نوشته شده و زمان نوشتن آن به دورهٔ حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه خلیفهٔ سوم مسلمانان منسوب می‌شود.

۷. اولین بانک‌نوت کاغذی که در دوران اعلیحضرت غازی امان الله خان رایج گردید، در آرشیف ملی محفوظ می‌باشد.



درست بنویسیم

- کلمه‌هایی که درعربی به صورت قراءة، دناءة، اساءة، براءة و... نوشته می‌شوند، در زبان دری باید به صورت قرائت، دنائت، اسائت برائت و... نوشته شوند.
- واژه‌های عربی هم‌وزن « تفعیل » باید با دو {ی} نوشته شوند؛ مانند: تعیین، تمییز، تغییر.

کار گروهی و سخنرانی


موزیم ملی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اولی در مورد « اهمیت آرشیف ملی» و گروه دوم در مورد این که «چگونه می توان از خراب شدن آثار آرشیف ملی جلوگیری نمود؟» باهم بحث و گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را از هر گروه یک نفرشان به دیگران در برابر صنف بیان نمایند.

۲. چند تن از شاگردان در مورد «ارزش ملی و تاریخی» تصویر بالا در برابر صنف سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۲. در بارهٔ «اهمیت تاریخی آرشیف ملی» متنی بنویسید، که کمتر از هفت سطر نباشد.

خود آزمایی

۱. آرشیف چیست و چه معنایی را افاده می کند؟

۲. در « آرشیف ملی افغانستان» چه چیزهایی نگهداری می‌شود؟

۳. « آرشیف ملی افغانستان» درچه زمانی این نام را به خود گرفت و در کدام سال به طور رسمی گشایش یافت؟

۴. آرشیف ملی دارای چند بخش است؟ نام ببرید.

۵. آرشیف اسناد تاریخی، چه چیزهایی را درخویش جا داده است؟

۶. قدیم‌ترین و تازه‌ترین فرمان موجود در« آرشیف ملی» متعلق به کدام زمان است؟

۷. واژه‌های دناءة، براءة، تعین را در زبان دری، باید چگونه بنویسیم؟

کار خانه‌گی

۱. در بارهٔ آرشیف ملی معلومات تان را در چند سطر بنگارید.

۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد — زمانه را سند و دفتری و دیوانیست

هـــزار کاخ بلند ار بنا کند صیاد — بهای خار وخس آشیانه ویرانیست

پروین اعتصامی

۳. متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس
بیست و یکم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. عروض را تعریف کنید.
۲. علم عروض چه چیزی را به ما می‌آموزاند؟
۳. مشهورترین بحرهایی را که دری زبانان در ان بسیارشعر سروده اند، نام ببرید.

علم عروض

وزن درشعرکلاسیک دری، یکی از ارکان مهم و اساسی آن به شمارمی‌رود، که تعیین وتثبیت آن به وسیلهٔ شمارش هجاها و حروف ساکن ومتحرک واژه‌ها صورت می‌گیرد؛ اما این کار جز به کمک و یاری « علم عروض » میسرنیست.
وجود وزن درشعر کلاسیک ما، این ویژه‌گی را به شعر بخشیده است که سخن ازنوعی آهنگ برخوردار شود و نشانهٔ وجود آهنگ موسیقی منظم درشعرهم ازترتیب و توالی منظم هجاها وقطع منظم صدا درمقاطع همگون آوایی است، که این نظم و ترتیب صداها به فاصله‌های معین زمانی نوعی موسیقی را به وجود آورده است.
برای دریافت وزن شعر، ناچاریم مصراع‌های شعر را تقطیع عروضی کنیم ویا به عبارت دیگر آن را به چند پارچه تقسیم کنیم؛ اما قبل از آغاز به آموختن روش تقطیع، بازهم ناگزیریم از چند نکتهٔ مهم آگاهی حاصل کنیم:
• علم عروض درمجموع از یک سلسله اوزان قانون‌مند وپذیرفته‌شده بحث می‌کند که هریک آن را به نام« بحر» می‌شناسند. تعداد مجموعی این بحرهای عروضی در زبان دری به نزده بحرمی‌رسد که از جمله شانزده بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده اند و سه بحر دیگر را دری زبانان بدان افزوده اند. همهٔ این بحرها از قالب‌های مخصوصی تشکیل شده اند که به نام « ارکان یا افاعیل و یا تفاعیل عروضی» یاد می‌شوند و تعداد این«تفاعیل» یا تفعله‌ها به هشت می‌رسد، که به شرح زیر است:

۱. فُعُولُن ۲. فاعِلُن ۳. مَفَاعِیلُن ۴. فاعِلاتُن ۵. مُستَفعِلُن ۶. مُتَفاعِلُن ۷. مُفاعَلَتُن ۸. مَفعُولاتُ.
هریک ازین تفعله‌ها از دو بخش تشکیل یافته اند: سبب و وَتد.
سبب: درلغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروضیان کلمه‌یی را می‌نامند که

از دوحرف تشکیل یافته باشد. حال اگرحرف دوم کلمه ساکن باشد، آن را« سبب خفیف» گویند؛ مانند: سر، گل، غم. و اگر حرف دوم کلمه نیز متحرک باشد، آن را به نام « سبب ثقیل» می‌شناسند؛ مانند: رمه، گله. (در علم عروض، «هـ»غیرملفوظ و «و» مجهول به شمارش نمی‌آیند.)

وتد: درلغت میخ خیمه ودراصطلاح عروض کلمه‌یی را گویند که از سه حرف تشکیل شده باشد. اگرحرف سوم آن ساکن باشد، «وتد مجموع» نامیده می‌شود؛ مانند: دهن، شرف، سبد؛ اما اگر حرف دومی ساکن باشد، در آن صورت «وتد مفروق» نام دارد؛ مانند: ژاله و لاله.

باز در پوشید گیتی تازه و رنگین قبایی	عالمی را کرد مشکین بوی زلف آشنایی
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	فاعـلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

توضیحات

در زبان عربی عدد (۸) را ثمانیه وهرچیزی را که از هشـت جزء یا رکن تشکیل شده باشـد«مُثَمَن» می گویند؛ همچنان اشـعارچهاررکنی«مربع» واشعار شش رکنی به نام «مسدس» خوانده می‌شوند.



بخوانیم و بدانیم

۱. وزن درشعرکلاسیک دری، یکی از ارکان مهم و اساسی آن به شمارمی‌رود، که تعیین وتثبیت آن به وسیلهٔ شمارش هجاها و حروف ساکن و متحرک واژه‌ها صورت می گیرد.

۲. وجود وزن درشعر کلاسیک، این ویژه گی را به شعر بخشیده است که سخن از نوعی آهنگ و موسیقی برخوردار شود.

۳. علم عروض از یک سلسله اوزان قانون‌مند وپذیرفته شده بحث می کند که هریک آن اوزان به نام« بحر» یاد می‌شود.

۴. تعداد مجموعی بحرهای عروضی در زبان دری به نزده بحر می‌رسد که از جمله شانزده بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده اند و سه بحر دیگر را دری‌زبانان بدان افزوده اند.

۵. سبب در لغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروضیان کلمه‌یی را می‌نامند که از دوحرف تشکیل یافته باشد.

۶. وتد در لغت میخ خیمه و در اصطلاح عروض، کلمه‌یی است که از سه حرف تشکیل شده باشد.



درست بنویسیم

• ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری جدا نوشته می‌شوند؛ مانند:
ان شاء الله، عن قریب، مع‌هذا، مع‌ذلک، من جمله، علی هذا، من بعد؛ اما اگر «الف ولام عربی» درمیان آن‌ها قرارگرفته باشد، به همان شکل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عندالمطالبه، عندالطلب، مع‌الخیر، علی‌الدوام.

• هرگاه واژهٔ « ابن» درآغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته می‌شود: ابن سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن احمد، ابن زید. و اما اگر « ابن» در بین دو اسم خاص آید، {ا}آن درنوشته حذف می‌شود؛ مانند: محمد بن احمد دقیقی بلخی، عیسی بن مریم، یحیی بن خالد برمکی، حمزه بن حسن اصفهانی، حمزه بن علی.

• نوشتن واژه‌های عربی بلوی، تقوی، قوی، مبتلی، مصفی و مستثنی در زبان دری با {الف} مرجح دانسته می‌شود؛ مانند: بلوا، تقوا، قوا، مبتلا، مصفا، مستثنا.



کار گروهی و سخنرانی

۱. در مورد مفاهیم کلی درس باهم گفتگو نموده؛ سپس نتیجه را یک نفر در مقابل صنف قرار گرفته به دیگران انتقال دهد.

۲. چند شاگرد در برابر صنف قرار گرفته دربارهٔ این تصویر و پیوند آن با علم عروض دو – دو دقیقه سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۲. بادر نظر داشت قواعد املایی که دربالا خواندید، در کتابچه‌های تان متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد و حد اقل پنج کلمه از آنچه خواندید، در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی

۱. تعیین و تثبیت وزن شعر در زبان دری چگونه صورت می گیرد؟

۲. در شعر کلاسیک ما، چه چیزی سبب شده که سخن از نوعی آهنگ و موسیقی برخوردار شود؟

۳. علم عروض را تعریف کنید.

۴. سبب و وتد از یکدیگر چه تفاوت دارند؟

۵. واژهٔ « ابن» و ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری چگونه نوشته می‌شوند؟ مثال دهید.

کار خانه‌گی

۱. بیت زیر را اساس قرار داده در رابطه چند سطری بنویسید.

شکوه تاج سلطانی که بیم جان در و درج است
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد

۲. این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:

ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم — هیچ نه معلوم شد آه که من کیستم
موج ز خود رفته‌یی تند خرامید و گفت — هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم

علامه اقبال

۳. متن کامل درس بیست و دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس
بیست و دوم

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ‌های مناسب دهند:
۱– در بارهٔ دانش و اهمیت آن چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
۲– سنایی غزنوی در بارهٔ دانش و هنر چه گفته است؟
۳– سنایی غزنوی در کدام سال تولد و در کدام سال وفات کرد توضیح بدهید؟

دانش و هنر

جـــان بی‌علـــم تن بمیرانـد — شـــاخ بی‌بــار دل بگیـــراند
علـــم باشد دلیـــل نعمت و ناز — خُنـک آن‌را که علم شد دمساز
روزگـــارند اهـــل علـــم و هنر — سینه شان چرخ و نکتـه شان اختر
گـــوش سوی همه سخن‌ها دار — آنچـــه زو بـــه درون جان بنگار
حجـت ایـزد است در گـــردن — خـــوانـدن علم و کار ناکردن
نیک نـــادان در اصل نیک منه — بـــد دانـــا ز نیـــک نـادان به
کـــار بی‌علـــم بار و بر ندهـد — تخـــم بی‌مغـز بس ثمر ندهد
آن جـوانی که گرد غفلت گشت — آن نه عمر آن فضول بود و گذشت
مـــرد عـــاقـل ز لهـو پرهیزد — زین چنین عمـــر عقل بگـریزد
جـــز بـــه تدبیر پیر کـــار مکن — پیر دانش نـــه پیر چـرخ کهـن

***

بیخ اقبال که چون سرزنـد از باغ هنر — گر چه پژمرده شود بار قبـول آرد بر
دولت با هنران را فلـــک مرد افگن — زند آسیب و لیـــکن نکنـد زیر و زبر
گوشمالی دهد ایام و لیکن نه به خشم — تا هنـــر با خرد آمیخته گـردد ز عبر
کی ز دوران فلک طعمه تشویر شود — هر کـــرا بهـــر هنر بخت بپرورد ببر

از قفا خوردن ایام چه ننگ آید وعار　　　که هم اسباب بزرگیست هم آیات خطر

کار چون راست بود مرد کجا گیرد نام　　　از چنین حادثه‌ها مردان گردند سمر

شیر پر زور نه از پایهٔ خواریست به بند

سگ طمــاع نه از بهر عزیزیست به در

توضیحات

حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی در مدینةالاولیای غزنی در یک خانوادهٔ علمی وعرفانی درسال ۴۷۳ هـ ق. چشم به جهان گشود. تحصیلاتش را در مدارس عالی آن‌جا به اتمام رسانیده و بر تمام دانش‌های معمول و متداول زمان خود دست یافت و در سال ۵۴۵ هـ ق. مطابق ۵۲۹ هـ‌ش. وفات یافت.

۱- خُنک: - خوب و خوش، خجسته، خوشا.

۱- «علم کز بهر باغ و راغ بود　　　همچو مر دزد را چراغ بود»

هرگاه علم و دانش به خاطر زیبایی‌های ظاهری و زودگذر دنیا فراگرفته شود مانند دزدی که چراغ بر دست گرفته پی مقصود خود رود.



بیاموزیم

۱- حیکم سنایی غزنوی در سال ۴۷۳ هـ ق. در مدینة الاولیای غزنی دیده به جهان گشود.

۲- بیت سوم (روزگارند اهل علم و هنر...) یعنی مردمان دانشمند و با هنر سینه شان مانند آسمان بزرگ و مملو از دانایی است و سخنان ایشان مثل ستاره‌ها که در شب به آسمان زیبایی بخشیده اند روشنی بخش است.

۳- بیت پنجم (حجت ایزد است در گردن...) دلیل این‌که ما علم می‌آموزیم آن‌است

که در عمل کردن به آن بکوشیم و آن کاری را که پروردگار ما امر کرده است آن را انجام دهیم و چیزهای را که نهی کرده از آن پرهیز کنیم.

۴- بیت دوازدهم (بیخ اقبال که چون سر زند از باغ هنر...) نهالی که از باغ هنر سر زند گرچه بر اثر حوادث روزگار پژمرده هم شود باز هم ثمر خوب می‌دهد یعنی اگر انسان هنرمند به اثر ناملایمات روزگار به مشکل دست تنگی هم دچار گردد و بالاخره به وسیله هنر و کمالش بار دیگر به خوشبختی می‌رسد.

۵- بیت پانزدهم (کی ز دوران فلک طعمهٔ تشویر شود...) هر کسی که در باغ هنر تربیت یافت و به بخت و اقبال رسید هیچ‌گاه از دوران یا گردش روزگار روی شرمساری را نمی‌بیند.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هم‌کناری با افعال اسنادی(استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، الف از آغاز همهٔ این‌ها به استثنای(اند) حذف می‌شود؛ مانند:

• استم: تنها ستم، • استیم: جدا ستیم، • استی، داناستی، • استید: بیناستید، • است: جویاست • استند: گویاستند.

اما الف آغازین (اند) به «ی» مبدل می‌شود؛ مانند: پیدایند، زیبایند، گیرایند.



کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و پیرامون مفهوم بیت‌های (چهارم و ششم) صحبت کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده مفهوم شعر دانش و هنر را به صورت مختصر شرح دهد.

املا و نگارش

۱- متنــی را که معلم گرامــی به خوانش می گیرد به صورت امــلا در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

۲- با در نظر داشت و رعایت قواعد املایی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید.

خود آزمایی

۱- جان بی‌علم تن بمیراند   شاخ بی‌بار دل بگیراند

منظور شاعر از بیت فوق چیست؟

۲- کلمهٔ خُنک در بیت دوم چه معنا دارد؟

۳- در بارهٔ مفهوم شعر دانش و هنر چه می‌دانید؟

۴- یک بیت از شعر دانش و یک بیت از شعر هنر را با هم ارتباط داده معنا کنید.

کار خانه‌گی

۱- شاگردان در مورد علم و دانش یک مقاله بنویسند.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

علم چندان که بیشتر خوانی   چون عمل در تو نیست نادانی

سعدی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
بیست و سوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. ژانر چیست؟ مفهوم آن‌را در یک داستان بیان دارید.
۲. آثار ادبی را با چه معیارهایی ارزشیابی می‌کنند ؟
۳. ژانرهای ادبی به چند دسته تقسیم می‌شوند ؟
۴. در ادبیات دری برروی کدام ژانر کمتر کارشده است ؟
۵. قدیم‌ترین اثر ژانرهای نمایشی در کشور ما چه نام دارد و موضوع آن چیست ؟

ژانرها یا انواع ادبی

مفهوم ژانر، برگرفته از کلمهٔ فرانسوی و اصل واژهٔ لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی‌های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می‌رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی وتعیین اقسام آن برحسب شکل، موضوع و ویژه گی‌های فنی اشاره کند: نوع نمایشی(حماسی، تغزلی ودراماتیک)، نوع رابطه با واقعیت(داستانی، غیرداستانی)، نوع پی‌رنگ(کمیدی، تراژیدی)، ماهیت ومحتوا(رمان تاریخی، رمان ماجرایی) و.... تا پیش از قرن بیستم نام‌های ژانری به عنوان رده‌های عام برای دسته‌بندی شمار زیادی ازمتون، کاربرد گسترده‌یی داشت؛ به ویژه این مفهوم نقش مهمی در طبقه‌بندی و ارزش گذاری ادبیات ایفا کرده بود.

تقسیم بندی ادبیات به «ژانرهای ادبی» ازدوران یونان باستان معمول بوده است. ژانرهای اصلی که درآن دوران برای شعر قایل بودند، عبارت از: حماسه، شعرغنایی، کمیدی، هجو و تراژیدی. امروز علاوه برتقسیم بندی‌هایی که از دوران گذشته برای شعر در نظرگرفته شده بود، نثر نیز به انواع گوناگون؛ مانند: رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، مقاله، طنز، شرح حال و... تقسیم بندی شده است و به طورکلی هریک از انواع سنتی و شاخه‌های فرعی آن درشعر و انواع مختلف نثر، ژانر ادبی جداگانه‌یی به شمار می‌آیند.

در ادبیات قدیم دری، هیچ یک ازتقسیم‌بندی‌های سنتی وجدید ژانرهای ادبی، معمول و رایج نبوده است. شعر تنها برحسب شکل ظاهری و طرز قرارگرفتن قافیه‌ها و اغلب بدون توجه به موضوع و محتوای آن تقسیم بندی شده است. این قالب‌ها

عبارتند از: قصیده، غزل، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، رباعی، دوبیتی، مثنوی، مستزاد، بحرطویل و فرد. این تقسیم‌بندی علاوه برآن که حوزهٔ نثر را دربر نمی‌گیرد، معمولاً براساس موضوع و محتوا نیست و بیشتر بر پایهٔ تعداد تقریبی بیتها و نیز طرز به کارگرفتن قافیه در آن‌ها مشخص می‌گردد.

حال که کاستی‌های تقسیم‌بندی ادبیات دری آشکارشد، باید به دنبال الگوی دیگری باشیم تا بتوانیم تمامی آثار ادبی گذشتهٔ خود (اعم از نظم و نثر) را، با توجه به آن، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. شاید تقسیم‌بندی آثار ادبی بر «ژانرهای ادبی» جامع‌ترین این روش‌ها باشد؛ زیرا «ژانرهای ادبی» حد و مرز خاصی نمی‌شناسد وآثار ادبی را تنها از دیدگاه محتوا و بار عاطفی تقسیم‌بندی می‌کند و از سوی دیگر این روش برهمه آثار ادبی جهان قابل تطبیق است. البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که تعیین حد و مرز دقیق این ژانرها و قرار دادن آثار ادبی دری در آن، امری است نسبی و دراین امر، تنها روح غالب اثر در نظر گرفته می‌شود؛ مانند: شاهنامهٔ فردوسی مایه‌هایی از شعر تعلیمی و غنایی و حتا نمایشی را با خود دارد و یا غزل‌های«بیدل» که در نوع غنایی دسته‌بندی می‌شود، با رگه‌هایی از تعلیم آمیخته است و شعرهای تعلیمی نظیر بوستان سعدی نیز با جلوه‌هایی از نوع غنایی همراه است. از این رو در تقسیم‌بندی این آثار فقط روح کلی حاکم بر یک اثر ادبی در نظر گرفته می‌شود.

۱. ژانرحماسی: حماسه درلغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثری است که در آن از جنگ‌ها و دلاوری‌های قهرمانان سخن گفته می‌شود. مضامین حماسی به صورت داستان‌های توأم با اعمال پهلوانی و خوارق عادات وکارهای شگفت انگیز روایت می‌شود. قهرمانان رویدادهای حماسی، بیشتر ابرمردان نامجویی استند که برای کسب افتخارات و حفظ استقلال یک ملت می‌کوشند و نبرد می‌کنند و جنگ‌های آنان نوعی نبرد میان خیر و شر است که به صورت جریان دایمی در بستر حوادثی جالب و عبرت‌آموز به سوی سرنوشت‌های حتمی به پیش می‌رود.

حماسه‌ها به طورکلی به صورت منظومهٔ(شعر) است. با این همه، حماسه‌هایی نیز به نثر به وجود آمده است. برای مثال می‌توان به شاهنامهٔ ابومنصوری اشاره کرد که به نثر نوشته شده است. به جز شاهنامهٔ فردوسی، منظومه‌های حماسی دیگری نیز در قلمرو ادبیات پدید آمده که هرچند به لحاظ ارزش حماسی و پرداخت هنری به پایهٔ شاهنامهٔ

فردوسی نمی‌رسند؛ اما ذکرنام برخی از آنان خالی از لطف نیست که از جمله می‌توان به منظومه‌های حماسی«گرشاسبنامهٔ اسدی طوسی»، «بهمن‌نامه»، «فرامرزنامه» و«برزو نامه» اشاره کرد.

۲. ژانر غنایی: غنا درلغت به معنای سرود، نغمه وآواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می‌شود که گزارشگرعواطف واحساسات شخصی شاعر ازعشق، دوستی، رنج، نامرادی و هرآنچه روح آدمی را متأثر می‌کند، باشد. این احساسات و اندیشه‌ها می‌توانند عاشقانه، دینی، فلسفی یا اجتماعی باشند. غزل‌های عاشقانه، آثارعرفانی، آثارهجو آمیز یا طنز گونه، مدیحه، نعتیه، مرثیه و توصیف طبیعت همه ژانرغنایی محسوب می‌شوند. در ادب دری، از نخستین دوران پیدایش آن تا به امروز، ژانرهای غنایی چه در قالب‌های شعر و نثر و چه در انواع شعرنو به وجود آمده است.

اصطلاح «غنایی» به منظومه‌های داستانی عاشقانه که جنبهٔ روایتی دارند و شاعر در آن‌ها از احساسات و اندیشه‌های قهرمانان داستان سخن می‌گوید، نیزاطلاق می‌شود. منظومه‌های داستانی از قبیل« ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعد گرگانی، خسرو وشیرین، لیلی و مجنون نظامی گنجوی و... در شمار شعر غنایی محسوب می‌شوند. از معروف‌ترین شاعران و نویسنده‌گانی که به خلق آثار غنایی پرداخته اند می‌توان از حافظ، سعدی، جامی، سنایی، مولانا، نظامی و غیره نام برد، که معاصران نیز چنین آثاری ایجاد کرده اند.

۳. ژانر تعلیمی: آن است که هدف آفرینندهٔ آن، آموزش اخلاق وتعلیم اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، دینی یا علوم وفنون باشد. در زبان دری نمونه‌های فراوانی از انواع مختلف ژانرتعلیمی وجود دارد که بیش‌ترین سهم در این زمینه ویژهٔ شعرهایی است که محتوای اخلاقی وفلسفی دارند.

آثار اغلب شعرای غیردرباری، سرشار از زمینه‌های تعلیمی است. کسایی مروزی، ناصرخسرو بلخی، ابوالفضل بیهقی، شیخ فریدالدین عطار، مولاناجلال‌الدین محمد بلخی، ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، حیدری وجودی، عبدالرازق فانی و... آثار فراوانی دراین زمینه آفریده اند. بخش عمده‌یی از آثارمتصوفه و اشعارعرفانی، با تعلیم همراه است و درشمار آثار تعلیمی به حساب می‌آید؛ اما بزرگترین اثرتعلیمی، «بوستان» سعدی است که ازطرف شاعران متعدد مورد تقلید قرارگرفته است.

٤. ژانـر نمایشـی: هنرنمایش را «مادر همهٔ هنرها» نامیـده اند؛ زیرا در آن همهٔ هنرها حضور دارند و تشـریک مسـاعی می کنند. شعر، موسیقی، نقاشـی، حرکات موزون، معمـاری و... هرکـدام به تنهایی یک هنرکامل به شـمار می‌روند؛ امـا هنگامی که به عرصهٔ هنرنمایش وارد می‌شـوند، به عنوان یک عنصر تشـکیل دهنـدهٔ این هنر انجام وظیفه می کنند.

محققان سـابقهٔ نمایش در سـرزمین ما را تا سـه قرن قبل از میلاد ریشـه‌یابی کرده و شـواهدی برحضور این هنربه شکل ابتدایی آن ارائه کرده اند. از جمله به تعزیه نامه و نمایشنامه‌یی به نام«ایاتگار زریران» اشاره می کنند. ایاتگار زریران(یادگار زریر) اثری بوده اسـت منظوم با موضوع جنگ‌های«زریر» و برادرش گشتاسـپ (پادشـاه کاوی بلخی) با ارجاسـپ تورانی خیونی، که می‌خواسـتند دودمان سلطنت بلخی را از قبول آیین اوستایی منصرف سازند. در نتیجه جنگی سخت میان طرفین درگرفت وگشتاسپ و طرف‌دارانش بر دشمن غلبه حاصل نمودند.

این اثر در قرن ششم میلادی از صبغهٔ اصلی خویش برگردانده شده و صورت پهلوی ساسانی به آن داده شده است. از همین جهت تا همین اواخر تصورمی‌رفت، که این اثر یک رسالهٔ منثور است؛ اما پس از تحقیقات و پژوهش‌ها وکاوش‌های ژرف و دامنه دار، در فرجام «بن ونیست» – زبان‌شناس فرانسوی– به اثبات رسانید که این اثر در اصل منثور نه؛ بلکه منظوم بوده و قدامت تاریخی آن به سه قرن قبل از میلاد می‌رسد، که بعدها ـ در قرن ششم مسیحی ـ آن را به پهلوی ساسانی برگردان نموده اند، که با پیرایهٔ ساسانی شکل نخستین خود را از دست داده و در اثر تداخل وتناقص واژه‌ها، ابیات هفت هجایی آن، شکل نثر را به خود اختیار نموده است.

نخستین وجه مشخصهٔ ژانر نمایشی، ساده‌گی و بی‌پیرایه‌گی در بیان و زبان است. سروده‌های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه‌خوانان و تعزیه خوانان شنیده می‌شود، اغلب به زبان ساده و نزدیک به زبان عامیانه است. این نوع سروده‌ها به گونهٔ همگانی در وزن‌های عروضی بوده و بحرهایی که برای آن‌ها انتخاب شده، بحرهای کوتاه است. در متن‌های قدیمتر گفتگوها و هم‌چنین روایت داستان به صورت قطعه‌های چند بیتی تنظیم شده که طول آن‌ها متفاوت و بیشتر در قالب مسمط، مثنوی، مستزاد و گاه بحر طویل است.

بخوانیم و بدانیم



۱. مفهوم ژانر، برگرفته از کلمهٔ فرانسوی و اصل واژهٔ لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی‌های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می‌رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی وتعیین اقسام آن برحسب شکل، ویژه‌گی‌های فنی و موضوع اشاره کند.

۲. حماسه در لغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثری است که در آن از جنگ‌ها و دلاوری‌های قهرمانان سخن گفته می‌شود.

۳. غنا درلغت به معنای سرود، نغمه وآواز خوش وطرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می‌شود که گزارشگرعواطف واحساسات شخصی شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هرآنچه روح آدمی را متأثر می کند، باشد.

۴. ژانرتعلیمی آن است که هدف آفرینندهٔ آن، آموزش اخلاق وتعلیم اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، مذهبی یا علوم و فنون باشد.

۵. نخستین وجه مشخصهٔ ژانر نمایشی، ساده‌گی و بی‌پیرایه‌گی در بیان و زبان است. سروده‌های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه‌خوانان و تعزیه‌خوانان شنیده می‌شود، اغلب به زبانی ساده و نزدیک به زبان عامیانه است.



درست بنویسیم

• اعداد ترکیبی، تاحد ممکن یکجا نوشته می‌شوند؛ مانند: هفتصد، ششهزار، پنجصد؛ اما در جایی که امکان پیوستن آن نباشد، در آن صورت جدا نوشته می‌شوند؛ مانند: بیست وچهار، هشتصد ویک، دو هزار و یازده؛ همچنان اگرپیش از عدد دومی، «هـ» غیرملفوظ قرار داشت در آن صورت نیز جدا نوشته می‌شود؛ مانند: سه صد.

• واحدهای شمارش، توزین و مقیاس جدا نوشته می‌شوند؛ مانند: هفت سیر گندم، سه چارک کشمش، هشت پاو زعفران، یک دانه قلم، شش دست دریشی، ملی گرام، ملی‌لیتر، کیلوگرام، سانتی‌متر و....

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد ژانر حماسی در گروه‌ها با هم مباحثه نموده، نتیجه را یک نفر به دیگران بیان نماید.

۲- چند شاگرد به نوبت در بارۀ ژانر نمایشی سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۲. در مورد «نظافت کوچه‌ها و سرک‌ها» متنی بنویسید که در آن اعداد ترکیبی و واحدهای شمارش حد اقل پنج - پنج بار آمده و از هفت سطر کم نباشد.

خود آزمایی

۱. ژانر را تعریف نموده و موارد کاربرد آن را نام ببرید.

۲. حماسه چیست و در ادبیات به کدام گونه آثار، حماسی می گویند؟

۳. آثارغنایی چگونه آثاری را می گویند؟

۴. در مورد ژانرتعلیمی و ژانرنمایشی چه می‌دانید؟

۵. اعداد ترکیبی، واحدهای شمارش، توزین و مقیاس چگونه نوشته می‌شوند؟ مثال دهید.

کار خانه‌گی

۱. نمونۀ کلام « بیدل» (درس چهارم همین کتاب) را مطالعه نموده نظرات خویش را در ده سطر بنویسید که آن شعر مربوط به کدام ژانر ادبی می‌شود.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

دم تیغ است «بیدل» راه باریک سخن سنجی   زبان خامـه هم شق داد ازحرف آفرینـی‌هـا

بیدل

۳. متن کامل درس بیست و چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید

درس
بیست و چهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. نقد چیست؟ ۲. فرق بین نقد و انتقاد چیست؟
۳. نقد ادبی چه فایده دارد؟ ٤. انواع نقد را نام ببرید.

نقد ادبی

نقد درلغت جداکردن دینار و درهم، سره از ناسره وتمیز کردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند. توضیح این که در ایام‌باستان پول در مجموع دونوع بود. پول نقره (درهم) وپول طلا (دینار). گاهی دردینار تقلب می‌کردند و به آن مس می‌آمیختند، که در این صورت عیار طلا پایین می‌آمد. ازین رو جداکردن سره از ناسره را نقد نامیده اند؛ اما در اصطلاح ادب، نقد عبارت است از تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب یک اثرادبی.

درگذشته‌ها مراد از نقد به طور معمول این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید مراد از نقد ادبی نشان‌دادن معایب اثر نیست (هر چند ممکن است به این امر هم اشاراتی داشته باشد)؛ زیرا نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و در این گونه آثار بیش از این که نقاط ضعف مهم باشد نقاط قوت مطرح است. لذا نقاد ادبی می‌کوشد با تجزیه و تحلیل آن اثر ادبی، نخست ساختار و معنای آن را برای خواننده‌گان روشن کند و در قدم دوم قوانینی را که باعث اعتلای آن اثر ادبی شده است توضیح دهد؛ لذا نقد ادبی از یک سو به‌کارگرفتن قوانین ادبی در توضیح اثر ادبی است و ازسوی دیگر کشف روش‌های تازه و ممتازی است که در آن اثر وجود دارد.

در مورد نقد ادبی آن قدر سخن گفته اند که امروز یکی از شاخه‌های مطالعات ادبی، نقدشناسی و بحث در مورد خود نقد است. عیب اثری را گفتن، اثری را وصف کردن، تجزیه وتحلیل اثر ادبی، دیگرگونه خواندن اثری، تأثر خود را از اثری بیان کردن و... اما همهٔ این‌ها از یک‌سو در هر دوره‌یی فرق می‌کند و از سوی دیگر بسته‌گی به فلسفه یا سلیقهٔ منتقد دارد؛ طور مثال: (میشل فوکو) نقد را چنین تعریف کرده است: «کار نقد، آشکار ساختن مناسبات اثر با مؤلف نیست و نیز قصد ندارد تا از راه متون، اندیشه یا تجربه‌یی را بازسازی کند؛ بلکه می‌خواهد اثر را در ساختار، شکل ذاتی و بازی

مناسبات درونیش تحلیل کند.»
خوانـنـده‌گان به کمک منتقدان ادبی معیارهایی را به دسـت می‌آورند که آثار والا را بشناسند و بدین ترتیب به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می‌شود که جریان‌های فرهنگی و ادبی درمسـیر درسـت خود حرکت کنند و صاحبان ذوق، اندیشه، رأی و نبوغ مقام شایستهٔ خود را باز یابند.
منتقد درتجزیه و تحلیل‌های خود علل برجسته‌گی آثار را برای مردم توضیح می‌دهد و در این صورت گویی غیرمستقیم به مردم می‌فهماند که چه آثاری فاقد ارزش است. درنتیجه در کشورهایی که نقد ادبی رواج و اهمیت بیشتری دارد وضع نویسنده وشاعر نشر مطبوعات و جریان‌های فرهنگی معمولاً به درستی پیش می‌روند.
منتقد ادبی باید دقیق به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن‌ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو اثر ادبی بهره‌گیرد. منتقد ادبی علاوه بر آشنایی با بخش‌های مختلف نقد ادبی وعلوم ادبی، باید فرد کتاب خوانده‌یی باشد و با بسیاری از دانش‌های دیگر چون سیاست، دین، مذهب، جامعه‌شناسی، فلسفه، روان‌شناسی و تاریخ آشنا باشد؛ زیرا آثار بزرگ ادبی برخلاف آنچه امروز می‌گویند فقط به لحاظ ادبی بودن آن‌ها نیست که شهرت و قبول می‌یابند؛ بلکه بسیار نکات باریک دیگری نیز وجود دارد، که در تعیین ارزش یک اثر نقش بازی می‌کند. به قول الیوت: «معیارهای ادبی فقط مشخص می‌کند که اثری ادبی است؛ ولی عظمت یک اثر تنها با معیارهای ادبی مشخص نمی‌شود. آیا اهمیت شاهنامه فقط به لحاظ مسایل ادبی است؟

اهمیت و فایدهٔ نقد ادبی

۱. نقد ادبی امکان درک نکته‌های بدیع و لطیف آثار را فراهم می‌کند. در نتیجه خواننده می‌تواند از مطالعهٔ آثار ادبی بهره‌گیرد و لذت ببرد.
۲. ارزش واقعی آثار ادبی را آشکار می‌کند و مشخص می‌سازد که رعایت چه قواعد و اصولی سبب شده تا اثری مورد قبول واقع شود و یا وجود چه عواملی سبب شده تا اثری مورد بی‌اعتنایی قرارگیرد.
۳. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی‌طرفانه و دور از اغراض باشد.
۴. نقد ادبی، گذشته از این که سازنده و دارای اهمیت فراوان است، گاهی خود، نوعی آفرینش هنری نیز به شمار می‌رود.

انواع نقد یا مکتب‌های نقادی

• نقد ساختاری

نقد ساختاری به نقدی گفته می‌شود، که مربوط به شکل ظاهر و صورت‌های عینی یک اثر ادبی باشد وآن خود نیز دارای گونه‌هایی است به شرح زیر:

۱. نقد لغوی: بررسی و ارزیابی کاربرد زبان و اصول و قواعد آن در یک اثر ادبی است و همه انواع آثار ادبی (نظم ونثر) را شامل می‌شود.

۲. نقد فنی: بررسی چگونه گی کاربرد فنون بلاغی درشعر، نثر که میزان ارزش و اعتبار آن‌ها است.

۳. نقد زیباشناسی: بررسی جوهر هنر، به دور از محتوای خاص آن است. ریشه و اساس این شیوۀ نقادی را می‌توان در نظریه‌های «کالریج» انگلیسی و «ادگار آلن پوی» آمریکایی دریافت.

• نقد معنایی

نقد معنایی به نقدی گفته می‌شود که با محتوا و درون‌مایۀ اثر ادبی ارتباط دارد و آن نیز دارای گونه‌های زیرین است:

۱. نقد اخلاقی: از قدیمی‌ترین شیوه‌های نقد ادبی است. درین نوع نقد ارزش‌های اخلاقی، اصل و ملاک نقادی شمرده می‌شود. افلاطون در شعر و درامه به تأثیر اخلاقی واجتماعی اثر توجه می‌کند و ارسطو نیز معتقد است که هدف شعر باید تصفیه و تزکیۀ نفس باشد. در اروپا، اهل کلیسا در قرون وسطی شعر را به سببی که درخدمت اخلاق نبوده، غذای شیطان و مایۀ فساد و ضلالت می‌دانند.

۲. نقد اجتماعی: عبارت است از نشان دادن ارتباط ادبیات با جامعه و تأثیر جامعه در ادبیات و هم‌چنین تأثیر ادبیات برجامعه. (میپولیت تِن) از منتقدان مشهور نقد اجتماعی است و ادبیات را محصول سه عامل (زمان، محیط اجتماعی و نژاد) می‌داند.

۳. نقد تاریخی: اگر منتقدی برای تحلیل اثر ادبی، حوادث یا امور مربوط به تاریخ را مورد بررسی قرار دهد و به بحث در باب حیات شاعر و نویسنده و معاصران او و یا روابط او با هم‌عصران و یا احیاناً به تحقیق در باب اسناد و مدارک و چند و چون صحت و سقم نسخه یا نسخ کتاب و چگونه گی وجود تحریف وتصحیف وتصحیح اثر وجستجوی اشارات وحوادث تاریخی و به بحث‌هایی ازین قبیل بپردازد، به نقد تاریخی پرداخته است.

٤. نقد روانشناسی: درین شیوه، نقاد سعی می‌کند جریان باطنی واحوال درونی شاعر ونویسنده را درك و بیان نماید و قدرت و استعداد هنری و ذوق و قریحهٔ او را سنجیده، نیروی عواطف و تخیلاتش را تعیین نماید و ازین راه تأثیری را که محیط و جامعه و سنت‌ها ومواریث درتکوین این جریان‌ها دارند مطالعه کند.

توضیحات

در دوره‌های ما قبل اسلامی، شعرا و ادبای عرب عادت داشتند، که درسوق عکاظ گردهم می‌آمدند و به خوانش اشعار، قصاید و سروده‌های خویش می‌پرداختند. آنگاه برگزیده‌ترین اشعارشان از زیر ذره‌بین منتقدان ادبی که خود بزرگترین استادان عرصهٔ شعر وادب آن روزگار به شمار می‌رفتند می‌گذشت و اگر داوران بر قوت و پخته‌گی آن شعر نظر می‌داشتند، پس آن شعر را با آب طلا نوشته و بر دیوار کعبه می‌آویختند، که این خود نشانهٔ عظمت و بزرگی شاعر و مایهٔ مباهات و افتخار قبیلهٔ وی بود.

البته درطول تاریخ، صرف هفت پارچه شعر توانسته که خود را به دیوار کعبه بیاویزد، که مجموعهٔ آن اشعار را به نام «سبعهٔ معلقه» یاد می‌کنند و این هفت پارچه شعر، قویترین و نخبه‌ترین آثار درعرصهٔ شعر کلاسیک عرب به شمار می‌روند، که تاکنون صدها رساله و کتاب و مجلدات در شرح و تفسیر و توصیف و بیان ظرایف و قوت ادبی آن‌ها به رشتهٔ تحریر در آمده است.



بخوانیم و بدانیم

۱. نقد درلغت جداکردن دینار و درهم و سره از ناسره و تمییزکردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند.
۲. در گذشته‌ها مراد از نقد این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید نقد ادبی به بررسی آثار درجه یك ومهم ادبی می‌پردازد و بیش از این که متوجه نقاط ضعف باشد، متوجه نقاط قوت است.
۳. خواننده‌گان به کمك منتقدان ادبی معیارهایی به دست می‌آورند که آثار والا را بشناسند و به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می‌شود که جریان‌های فرهنگی و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند.
۴. منتقد ادبی باید دقیقاً به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن‌ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو آن اثر ادبی بهره‌گیرد.

۵. نقد ادبی، مانع از آن می‌شود که گزافه گویان ومدعیان دروغین بتوانند آثار بی ارزش خود را به جوینده‌گان آثاربرجستهٔ ادبی عرضه کنند.
۶. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی‌طرفانه و دور از اغراض باشد.



درست بنویسیم

• نوشتن اعداد ترتیبی (۱۱ – ۱۹) به گونه‌های زیر نادرست است:
۱. یازده هم، دوازده هم، سیزده هم، چهارده هم، پانزده هم، شانزده هم، هفده هم، هژده هم، نزده هم.
۲. یازده ام، دوازده ام، سیزده ام، چهارده ام، پانزده ام، شانزده ام، هفده ام، هژده ام، نزده ام.
زیرا آن که به «– م» پسوندی باید بپیوندد، همان «ه» آخری عدد است، و علاوه نمودن یک «ه» یا «الف» دیگر نه موردی دارد و نه ضرورتی؛ پس باید این گونه اعداد را همیشه با صورت درست آن؛ یعنی: به شکل یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و... نوشت.



کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دوگروه تقسیم شده، درمقابل هم قرارگیرند و در مورد پرسش‌های زیر باهم بحث و گفتگو کنند؛ سپس ازهرگروه یک نفر، موارد اتفاق نظرها و نفر دیگر موارد اختلاف نظرهای شان را به دیگران انتقال دهند.
• وظیفهٔ منتقد در بررسی یک اثر ادبی چیست؟
• چرا نقد تاریخی به تنهایی قادر به درک و تحلیل واقعی یک شاهکار ادبی نیست؟ با ذکر دلایل واضح سازید.
۲. تصویر مقابل را با موضوع «تراکم



نفوس» ارتباط داده، در مورد آن سخنرانی کنید.

املا و نگارش

۱. متنـی را که درکتاب رهنمای معلم آمده اسـت، باخوانش معلم گرامی، به صورت املا بنویسید.
۲. در مورد «وظایف منتقد ادبی» متنی در هفت سطر بنویسید، که حد اقل سه بار اعداد ترتیبی در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی

۱. به نظرشخصی شما نقد ادبی چگونه باید باشد؟
۲. تفاوت‌های عمده میان نقد ساختاری و نقد معنایی را شرح دهید؟
۳. از انواع نقد ادبی کدام یک مربوط به شکل ظاهر اثر است و کدام یک با محتوا یا درون‌مایهٔ اثر ارتباط دارد؟

کار خانه‌گی

۱. یک داستان کوتاه ازیک نویسندهٔ افغان را زیر نقد اخلاقی قرارداده و نتیجهٔ آن را در حد اقل یک صفحه بنویسید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

دانشا چون دریغم آیی از آنک — بی‌بهایی ولیک از تو بهاست
باادب را ادب سپـــاه بس است — بی‌ادب با هزار کس تنهاست

شهید بلخی

۳. متن کامل درس بیست و پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
بیست و پنجم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. ادبیات قرن سیزدهم و چهاردهم از یکدیگر چه تفاوت دارد ؟
۲. درقرن چهاردهم کدام انواع ادبی در ادبیات ما راه یافت ؟
۳. نخستین داستان کوتاه توسط که نوشته شد و چه عنوان داشت ؟

ادبیات دری درقرون ۱۳ و ١٤

سدهٔ سیزدهم هجری قمری از روزگاران پرآشوب و بی‌سامان تاریخ کشورما دانسته می‌شود. در میان دو انجام این سده، یعنی در درازای سال‌های (۱۲۰۱ - ۱۳۰۰) سرزمین ادب‌خیز و هنر پرور ما به قدرت‌ها تبدیل شده بود و در سدهٔ سیزدهم با همه آشفته حالی و فروریخته گی نظام اجتماعی و بی‌تفاوتی اختیارمندان جامعه، به مسألهٔ فرهنگ و ادب، کسانی وجود داشتند که راجع به این امرسترگ می‌اندیشیدند و از هر امکان و مجالی برای آفرینش آثار ادبی، سود می گرفتند و نگهداری میراث گرانبهای گذشته گان را وجیبهٔ خود می‌دانستند.
با یک بررسی ابتدایی می‌توان ملتفت شد که در امتداد سدهٔ سیزدهم، بیش ازسه صدتن افراد متفکر و صاحب نظر و با فضیلت به سر می‌برده اند که همه دارای قریحت و طبیعت و اهل سخن و ادب بوده و آثاری ازخویش برجای نهاده اند؛ البته می‌توان یادآور شد که نسبت نابه‌سامانی وضع اجتماعی وعدم شرایط لازم برای رشد و پرورش اهل فضل و ادب، آثار بیشتر این افراد از توانایی بیان وهنر زبانی بهرهٔ چندانی ندارند؛ اما هرکدام ادبیات مارا غنا می‌بخشد و در بررسی ادب این عصر، نمی‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت.
ازین سخن‌سرایان آثار زیادی برجای نمانده و مقداری از آنها که مورد اعتنا تواند بود، براثر حوادث متوالی ودردناک سدهٔ سیزدهم از میان رفته و نابود شده اند و بخشی دیگر از آن، شاید به صورت شخصی درتصرف کسان و در میان صندوق‌ها و جاهای امن محفوظ باشد که شناسایی آن‌ها نیز به ساده گی میسر و مقدور بوده نتواند و بی گمان به علت این ازمیان روی و نابودی آثار، هویت ونشان شماری از پدید آورنده گان آن‌ها نیز درحجاب نیستی پوشیده مانده است و آنچه امروز ازآن همه نوشته‌ها در دسترس است، بخشی و برشی از یک میراث عظیم و پربها است.

درمیان آنانی که تمامی یا بیشتر آثارشان از گزند رویدادهای نیستی‌آور در امان مانده است، چهره‌های درخشان و نام‌های ماندگاری هم دیده می‌شوند که نام و کارشان ادب زمان را رنگینی می‌دهد و آبرو می‌بخشد.
از شایسته‌گی به دور نمی‌نماید که این چهره‌ها و نام‌ها به حیث نمایانگران سزاوار ادب دری در سدهٔ سیزدهم به شمار آورده شوند: میرزا محمد نبی دبیر متخلص به واصل، میر مجتبی الفت، محمد محسن دبیر، ادیب پیشاوری، جنیدالله حاذق، عبدالواحد صدرصریر، لعل محمد عاجز، محمد نبی احقر، حبیب الله آخندزاده یا محقق قندهاری، مهردل مشرقی، عبدالواسع طبیب، ولی طواف کابلی، گل محمد افغان، میر هوتک افغان، حمید کشمیری، کلب علی شرر جغتویی، غلام محمد طرزی، میر ظهورالدین ظهورانصاری و امثال این‌ها.
اما ادبیات سدهٔ چهاردهم در مقایسه با ادبیات سدهٔ سیزدهم شگوفا و پربار بوده است. در دهه‌های وسطی این سده، تکلفات مصنوع و منشیانهٔ سدهٔ گذشته در شعر و نثر کنارگذاشته شده و ساده‌نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعر نو و اندکی بعدتر رمان‌نویسی در ادبیات راه بازمی‌کند و معانی و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود. هرچند تعدادی از شعرا باز هم به تقلید از گذشته‌گان، شعرهایی با همان ساخت و ریخت قدیم می‌سرایند.
دراین دوره شاعران دیگری داریم که البته تمام توجه خود را معطوف به غزل‌سرایی و قصیده‌سرایی و مثنوی سرایی نکرده اند؛ اما بخش قابل توجه آثارشان در همان قالب‌ها سروده شده است؛ اما وقتی که شعر این دسته شاعران را می‌خوانیم زبان و تعبیرها و بافت‌های زبانی، اقالیم فکری، تصویرها در بسا موارد شیوهٔ نگرش درغزل و قصیده طرف جامعه و طرف طبیعت طرف فرد فرد انسان‌ها تفاوت دارد.
با رعایت تمام موازینی که فرزانه‌گان گذشتهٔ ما برای غزل یا برای قصیده تعیین کرده بودند و حدود و ثغورخاصی به وجود آورده بودند. اسناد دست داشته نشان می‌دهند در افغانستان سه شاعر، اولین مردمانی استند که نخستین شعرهای نو را درافغانستان سرودند. نخستین شاعر استاد خلیل الله خلیلی است، با این شعر معروفش:

شب اندر دامن کوه ـ درختان سبز و انبوه
ستاره روشن و مهتاب
در پرتو فشانی
شب عشق و جوانی

شاعر دومی استاد محمد یوسف«آیینه» است که او نیز دو شعر دارد: یکی«بهار کابل» و شعر دیگرش در بارهٔ استقلال است، و شاعر سومی هم فتح محمد منتظر.
در مورد طنز باید گفت تا هنگامی که هنوز ماشین چاپ در افغانستان وجود نداشت و حتی خواندن روزنامه و تحصیل درمکاتب امری عام نشده بود، ازطنز به گونهٔ پذیرفته شدهٔ امروزی آن خبری نبود. در شهرها و روستاهای افغانستان هزاران کتاب خطی چاشنی زنده‌گی فرهنگی مردم بود. در مدارس دینی و مساجد در کنار علوم دینی، بوستان وگلستان سعدی، دیوان حافظ و بهارستانِ جامی تدریس می‌شد؛ همین‌سان شهنامه‌خوانی و مثنوی‌خوانی در شب‌های زمستان یکیَ از عادات مردم بود. بعدها حاجی اسماعیل سیاه هراتی و شایق جمال، با وصف حاکمیت سانسور، توانستند طنز منظوم را رواج بدهند. سپس ضیاء قاریزاده، عبدالصبور غفوری، مینه ور، غلام علی اُمید، شایق جمال، شیرعلی قانون، طالب قندهاری، ناصر نصیب، و ده‌ها شاعر دیگر تلاش کردند، تا با انعکاس دادن مشکلات زنده‌گی و ناهنجاری‌های اجتماعی طنز منظوم بیافرینند.
و اما سرگذشت داستان کوتاه غیر ازین است. در نخستین اثر داستانی«جهاد اکبر» از مولوی محمد حسین که در چندین شمارهٔ پیهم مجلهٔ «معرف معارف» به نشر می‌رسید، با وجود پیشرفت نسبی، نشانه‌هایی از روایات و قصص قدیم و آثـارکهن و باستانی و استفاده از امثله و حدیث و شعر و واژه‌های عربی و استشهاد و صنعت مرسل دیده می‌شود. در دومین داستان دری «تصویرعبرت» پیشرفت زبانی چشمگیر است. در این اثر توصیف وگفتگوها ساده، زنده و جاندار است. از نثر ساده و موجز استفاده شده و از اصطلاحات و تعبیرهای عامیانه بهره‌ها جسته است. «جشن استقلال بولیویا» اثر مرتضی احمد محمدزایی و«ندای طلبهٔ معارف» از محیی الدین انیس گرچه از نظر شکل و محتوا سنت‌شکن استند و با زبان و سبکی تازه نگارش یافته و پدیدهٔ نوینی به شمار می‌آیند؛ ولی با ادبیات کهن پیوند شان را حفظ کرده اند و به خوبی از یک مرحلهٔ گذرای ادبی اجتماعی نماینده‌گی می کنند.
دراین دوره نثرساده و فصیح در ادبیات داستانی رواج می گیرد زبان داستانی از پیشرفت لازم بشارت می‌دهد و روحیات و آمال گروه‌های مختلف اجتماعی را صری‌حتر وهنری ترسیم می کند. نمونهٔ آن، آثار سلمان علی جاغوری، عزیزالرحمن فتحی، نجیب الله توروایانا، محمد شفیع رهگذر، محمد عثمان صدقی، محمد حیدر ژوبل، محمد حسین غمین، عبدالغفور برشنا، علی احمد نعیمی، میر محمد صدیق فرهنگ، ماگه رحمانی و آثار نویسنده‌گان دیگر این دوره است.
به هر صورت نثر داستانی در این دوره دارای خصایص زیر می‌باشد:

۱. کلمات وواژه‌های فارسی دری آن بر عربی غلبهٔ کلی دارد.
۲. فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است.
۳. لغات دری آن بیشتر ساده وروان است و واژه‌هایی به کاربرده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است.
۴. از موازنه، مترادفات، سجع و دیگرصنایع ادبی خالی است.

توضیحات

تعریف طنز: ادبیاتی که درآن عیوب فردی و اجتماعی در پوشش ظرافت و خندهٔ هنرمندانه به تصویر کشیده شده و گوینده، اصلاح این عیوب و دگرگون سازی اعمال و افکار انسان‌ها را هدف خویش قرار داده باشد، ادبیات طنزگونه است.



بخوانیم و بدانیم

۱. حالت ادبی افغانستان چه نظم و چه نثر دراین دورهٔ فترت ادبی یا سدهٔ سیزدهم رو به ضعف و سقوط می‌رفت. غزل‌ها به تقلید متأخرین اکثر بسیار سست و قصاید کم‌پایه و کم‌مایه سروده می‌شد.
۲. اما ادبیات سدهٔ چهاردهم شگوفا و پربار بوده است. دراین سده، تکلفات مصنوع و منشیانهٔ سدهٔ گذشته در شعر و نثر کنارگذاشته شده و ساده‌نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعرنو و رمان‌نویسی در ادبیات راه باز می کند و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود.
۳. در افغانستان سه شاعر، اولین کسانی هستند که نخستین شعرهای نو را سرودند. نخستین شاعر استاد خلیل الله خلیلی، دومی محمد یوسف «آیینه» و شاعر سومی فتح محمد منتظر است.
۴. نثر داستانی در این دوره دارای خصایص زیر می‌باشد: کلمات و واژه‌های دری آن برعربی غلبهٔ کلی دارد؛ فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است؛ لغات دری آن غالباً ساده و روان بوده و واژه‌هایی به کار برده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است؛ از موازنه و مترادفات و سجع و دیگرصنایع ادبی خالی است.



درست بنویسیم

•پسوند تنکیر (نکره) در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با الف ممدوده، الف مقصوره، واو، «ی» وهای غیرملفوظ، با دو «ی» و به شکل «یی» نوشته می‌شود؛ مانند:

• با الف ممدوده: آشنا + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = آشنایی؛ مانند: من این کتاب را از آشنایی به عاریت گرفته ام.

• با الف مقصوره: در این گونه واژه‌ها، یای آخر واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعدهٔ الف ممدوده بران تطبیق می‌شود؛ مانند: شوری - ی + ا (= شورا) + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = شورایی؛ مانند: درتصویب این قطعنامه، شورایی دست داشته است.

• با واو: اگر پیش از«و» حرفی مضموم قرارگرفته باشد، در آن صورت پسوند تنکیر را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند: هندو + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = هندویی؛ مانند: هندویی به معبد خویش رفت.

اما اگر پیش از {و} حرفی مفتوح قرارگرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند تنکیر به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن یای میانوند واسطه ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: رهرو + ی (پسوند صفت نسبتی) = رهروی؛ مانند: رهروی از سقوط درخت کنارجاده مرا آگاه ساخت.

• باهای غیرملفوظ: خاطره + ی(میانوند واسطه) + ی(پسوند تنکیر) = خاطره‌یی؛ مانند: من از آن روزگار، خاطره‌یی به یاد دارم.

• با ی: حاجی + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = حاجی‌یی؛ مانند: این تسبیح را حاجی‌یی به من بخشیده است.



کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دوگروه تقسیم شده باهم بحث و گفتگو کنند. گروه اول ادبیات قرن سیزدهم وگروه دوم ادبیات قرن چهاردهم را با ادبیات معاصر مقایسه کنند؛ سپس از هرگروه یک نفرشان نتیجه را به دیگران انتقال دهد.



۲. شاگردان این تصویر را با موضوع «افغانستان در مسیر تاریخ» ارتباط داده، چند تن شان در برابر صنف سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. در مورد «تحولات ادبی قرن چهاردهم» متنی درحد اقل هفت سطر بنویسید.

خود آزمایی

۱. حالت ادبی افغانستان درسدهٔ سیزدهم چگونه بود؟
۲. در ادبیات سدهٔ چهاردهم چه تحولاتی رونما گردید؟
۳. نخستین کسانی که درافغانستان شعرنو سرودند، چه کسانی بودند؟ نام ببرید.
۴. پسوند تنکیر درپیوستن با واژه‌های پایان یافته با های غیرملفوظ، چگونه نوشته می‌شود؟

کارخانه‌گی

۱. این بیت را اساس قرار داده در مورد چند سطری بنویسید:

خنک نیک‌بختی که درگوشه‌یی   به دست آرد از معرفت توشه‌یی

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

خمی به دوش ادب بند و سیرعزت کن   زآسمان به همین نردبان هلال گذشت

۳. متن کامل درس بیست و ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
بیست و ششم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در اخر همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱- چگونه می‌توان کشور را توسعه و ترقی داد؟ ۲- نقش جوانان را در انکشاف و پیشرفت کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۳- جوانان چگونه خود را آمادۀ بازسازی کشور کنند؟
٤- جوانان از چه ظرفیت‌هایی برخوردار اند؟
٥- بر ضد جهل و فقر چه باید کرد؟
٦ - باید روی کدام قشر اجتماعی سرمایه‌گذاری صورت گیرد؟

نقش جوانان در انکشاف و ترقی کشور

با توجه به این که جوانان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوانی، همانند تربیت و مسؤولیت پذیری، انرژی و توانایی، وجدان کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت پذیری فعال برخوردارند و جامعه سرمایه‌های انسانی و علمی دارند. سرشت جوانان چون زمینی غنی و پاک می‌باشد که امکان رشد هرگونه بذری در آن وجود دارد. امروز نبض کشور و پیشرفت و توسعۀ جامعه به دست جوانان آگاه و سخت‌کوش رقم خواهد خورد که با جدیت و درایت، زمینه‌های سربلندی و ترقی و پیشرفت کشور را فراهم می‌سازند و به توفیق و تأیید الهی در صنوف درسی و محافل علمی، فرهنگی، اجتماعی و... با تعامل و نشاط فراوان حضور فعال و مستمر داشته و در افق آیندۀ کشور، یک افغانستان آباد و پرنعمت را ترسیم خواهند کرد.

یکی از راه‌های پیشرفت و ترقی کشورها سرمایه‌گذاری به خاطر تربیت و آموزش جوانان و نسل آیندۀ شان می‌باشد. نسل جوان به عنوان نیروی فعال و متحرک، پرتلاش و بااحساس می‌تواند نقش خوبی در توسعه و پیشرفت یک جامعه داشته باشد. با پایان یافتن سه دهه ناامنی در افغانستان و به وجود آمدن زمینۀ تحصیل، جوانان کشور روز به روز به رشد و انکشاف کشور، علاقه‌مند به تأسیس مراکز فرهنگی و یا اقدام به ایجاد انجمن‌ها و اتحادیه‌های جوانان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور بیشتر فعال گردیده اند.

افغانستان به جوانان نیاز دارد. جوانان متقابلاً در عرصه‌های یاد شده با همت اند و پشت‌کار دارند. جوانان اند که صلح در کشور تأمین خواهد شد و کشور به پیشرفت

و سعادت خواهد رسید. جوانان باید در تنظیم، انسجام، وحدت و هماهنگی خویش و سایر اقشار و طبقات جامعه بکوشند. ملی بیندیشند، باتفاهم و احترام به نظرات یکدیگر با تبادل افکار و اندیشه‌های شان به منظور هم‌آهنگی میان شان تلاش ورزند تا افغانستان را آباد سازند. جوانان و نوجوانان چشمهٔ جوشان نیرو و استعداد استند، جوان یعنی آینده. جوان خوب برای یک کشور پیشرفته؛ یعنی آیندهٔ خوب. جوانان و نوجوانان ما اهل فکر کردن، دریافتن و تحلیل کردن باید باشند این هم امتیاز دیگری است. جامعهٔ ما بحمدالله از میلون‌ها جوان دختر و پسر برخوردار است، این مایهٔ افتخار برای مردم ما است باید به وجود این همه جوان اعم از دختر و پسر، ببالیم و افتخار کنیم و جوانان هم باید به کشور شان و به مردم شان ببالند و آینده را بسازند. آینده با حرف ساخته نمی‌شود؛ بلکه با کار هوشمندانه و مؤمنانه ساخته می‌شود. جوانان باید کار کنند، آن‌هم کار هوشمندانه و برخوردار از نیروی ایمان، عمل صالح، عشق و علاقه به میهن و تأمین وحدت ملی و هماهنگی و پشت‌کار و مساعی و تلاش‌های خسته‌گی ناپذیر شباروزی برای عبور از دشواری‌ها.

جوانان باید در توسعه و پیشرفت و بازسازی کشور نقش مهم و سازندهٔ شان را ایفا نمایند، صلح و امنیت دایمی و سرتاسری را در کشور تأمین کنند، بر ضد جهل و فقر و سایر مفاسد اجتماعی و اخلاقی دست به مبارزهٔ مستمر و بی‌امان بزنند. این نیروها در سال‌های طلایی عمر خود قرار دارند و خدای متعال هم با جوانان مسلمان و متعهد کمک خواهد کرد و این فرصت مهم و ارزشمند را نباید از دست بدهیم. جوانان همیشه در جامعهٔ خود صادق بوده اند و صداقت را دوست داشته اند.

وظیفهٔ جوانان است که علی‌رغم موانع و توفان‌ها و حوادث و مشکلات به مسؤولیت‌های خود عمل کنند و از زیر بار مسؤولیت و امانت‌داری شانه خالی نکنند و در راه اعمار و بازسازی کشور گام بردارند.

توضیحات

۱- بالقوه: به قوت، به حالت قوت، اثری که در چیزی که پنهان باشد و هنوز بروز نکرده باشد، مقابل بالفعل.
۲- بالفعل: فعلاً، اکنون و در حال حاضر، مقابل بالقوه.

بیاموزیم



۱- جوانان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوانی مانند: تربیت و مسؤولیت‌پذیری، وجدان کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت‌پذیری فعال برخوردار اند؛ بنابراین

سهم بالایی در شکل‌دهی سرمایه‌های انسانی و علمی داشته باشند.
۲- سرشت جوانان چون زمینی، غنی و پاک می‌باشد که امکان رشد هر گونه بذری از آن وجود دارد.
۳- پیشرفت و توسعهٔ جامعه به دست جوانان آگاه و سخت‌کوش رقم خواهد خورد که با جدیت و درایت زمینهٔ رشد و انکشاف کشور را فراهم می‌سازند.
۴- جوانان در تمام عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعمار و بازسازی کشور نقش سازنده ایفا می‌نمایند.



درست بنویسیم

• پسوند اسم معنا «ی» در پیوستن با مصوت‌ها و «های» غیر ملفوظ سه شکل زیرین را به خود می گیرد:
۱- در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با الف ممدوده، الف مقصوره و «واو» با دو «ی» و به شکل «یی» نوشته می‌شود؛ مانند:
• بینا + ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنا) = بینایی؛ مانند: او بینایی خویش را دو باره یافت.
• با الف مقصوره: در این گونه واژه‌ها، یای پایانی واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعدهٔ الف ممدوده بر آن تطبیق می‌شود، مانند:
لیلی ی = ا (لیلا) + ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنا) = لیلایی؛ مانند: لیلایی از هر خوبرویی بر نمی آید.
• با واو: اگر پیش از «و» حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت پسوند اسم معنی را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند:
خوشبو+ ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنی) = خوشبویی؛ مانند: خوشبویی گلاب مرا به یاد سرزمین کودکی‌هایم می‌اندازد.
اما اگر پیش از «و» حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند اسم معنی به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن «ی» میانوند واسط ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: خسرو+ ی (پسوند صفت نسبی) = خسروی؛ مانند: خسروی از هر شهنشاهی نمی آید پدید.
۲- هنگام پیوستن پسوند اسم معنا «ی» با واژه‌های مختوم با «های» غیر ملفوظ «های» پایانی واژه به «گ» تبدیل نمی‌شود؛ مانند:
زنده + گ + ی (پسوند اسم معنا) زنده گی؛ مانند: زنده گی بدون عشق هیچ مفهومی ندارد.
۳- هنگام پیوستن پسوند اسم معنا «ی» با واژه‌های مختوم به «ی» میان واژه و پسوند

حرف دیگری علاوه نگردیده، به صورت پیوسته با واژه نوشته می‌شود؛ اما هنگام خواندن، با فشار بیشتری تلفظ می‌شود؛ مانند:
حاجی +ی (پسوند اسم معنی) = حاجیی؛ مانند: حاجیی تنها با طواف کعبه حاصل نشود.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون نقش جوانان در جامعه و کشور به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کنید.



۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون صلح و امنیت و تأمین کننده‌گان آن معلومات مناسب ارائه کنند.
۳- چند تن از شاگردان در مورد تصویر بالا سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲- با در نظر داشت قواعد املایی که خواندید، متنی را که در آن نگارش «یی» مصدری آمده باشد، بنویسید.

خود آزمایی

۱- نقش جوانان را در جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ توضیح دهید.
۲- بیشترین انقلاب و دگرگونی را کدام نسل در جامعه به وجود می‌آورند؟
۳- در مورد کاربرد درست «ی» مصدری با ارائه مثال‌ها معلومات دهید.
۴- جوانان چگونه در جامعه و کشورشان افتخار می‌آفرینند؟

کار خانه‌گی

۱- در بارهٔ نقش جوانان در کشور معلومات مفصلی بنگارید.
۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

خرد رهنمای و خرد دلگشای　　　خرد دست گیرد به هر دو سرای

فردوسی

۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
بیست
هفتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. دکتور جاوید کی بود؟ ۲. کارکردهای او درکدام عرصه‌ها قابل اهمیت است؟ ۳. او در کجا درس خواند و درکجا وفات یافت؟
٤. او چه کارهایی را انجام داد؟ ٥. او به کدام درجات علمی دست یافت؟
٦. نظریهٔ شخصی شما در مورد او چیست؟

دکتور عبدالاحمد جاوید



دکتور عبدالاحمد جاوید، فرزند میرزا عبد الصمد خان، درنهم جدی سال ۱۳۰۵ هـ. ش. درمحلهٔ «پایان‌چوک» کابل زاده شد؛ اما بیشتر ایام کودکی و نوجوانی را در محلهٔ«ریکاخانه» کابل گذرانید و به این سبب، بهترین خاطرات دورهٔ زنده‌گی خود را از همین محله داشت.

جاوید دوران آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره ۲ ومتوسطه و لیسه را در مکتب حبیبیه به پایان رسانید. او در شانزده ساله‌گی به سرودن شعر آغاز کرد؛ اما در آن زمان اثری منتشر نکرد. مدتی بعد این وادی را رها کرد و به تحقیق و پژوهش روی آورد.

در سال ۱۳۲۲هـ. ش. شامل پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل شد و پس از یک سال تحصیل با استفاده از یک بورس تحصیلی به ایران رفت و در رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. علاقهٔ فراوان او به ادبیات، سبب شد که همزمان در دو رشتهٔ حقوق و ادبیات به تحصیلات خود درتهران ادامه دهد.

وی درسال ۱۳۲۹ هـ. ش. پس از به دست آوردن لیسانس از دانشگاه تهران، به همراهی شادروان«استاد سعید نفیسی» به افغانستان باز گشت و به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۳۱ هـ. ش. دوباره به تهران بر گشت و موفق شد که دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.

در سال ۱۳۴۵هـ. ش. به حیث استاد زبان دری، به دانشگاه تاشکند رفت که تا سال ۱۳۴۸هـ. ش. تدریس زبان را در تاشکند ادامه داد.

استاد جاوید، عمر گرانمایه اش را بی‌دریغ در راه تتبع و پژوهش جهت روشن ساختن هویت ملی و فرهنگی کشور صرف کرد. پیوسته تلاش می‌ورزید که از لابه‌لای متون و نصوص تاریخی و با اعتبار حقایق انکارناپذیر علمی را به دست آورد. در راه رسیدن به این هدف والا و انسانی از دشواری‌ها نهراسید؛ زیرا باور داشت که پاسداری از هویت فرهنگی ملت‌ها، ضامن استقلال و آزادی آن‌ها است.

استاد جاوید افزون بر زبان مادری، (فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدودی به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌هایی از انگلیسی و پشتو به دری دارد.

وظایف رسمی

دکتورعبدالاحمد جاوید در افغانستان مقام و مدارج علمی را یکی پی دیگر به دست آورد. در سال ۱۳۴۰هـ‌ش. موفق به کسب رتبهٔ علمی پوهاند گردید. در سال ۱۳۶۵هـ. ش. از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال ۱۳۶۶هـ. ش. از سوی وزارت اطلاعات و کلتور، لقب «کارمند شایستهٔ فرهنگ» را حاصل کرد.

از دیگر فعالیت‌های رسمی و علمی دکتور عبدالاحمد جاوید، می‌توان از عضویت وی در شورای بررسی کتب درسی وزارت معارف، عضویت در انجمن دوستی افغانستان و سازمان ملل متحد، عضو لویه جرگه، عضو افتخاری انجمن نویسنده گان افغانستان، عضو انجمن دوستی افغانستان و فلسطین نام برد. ریاست پوهنتون کابل نیز از فعالیت‌های دیگر استاد جاوید است. در زمان ریاست او، نوآوری‌های چشمگیری در فضای پوهنتون کابل به وجود آمد. انتشار مجلات پوهنتونی یا دانشگاهی، چاپ کتاب‌های علمی، تاسیس پوهنځی هنرهای زیبا و توسعهٔ کتابخانهٔ پوهنتون یا دانشگاه از مهمترین دستاوردهای دکتور جاوید حساب می گردد.

استاد جاوید در سال ۱۳۶۷ هـ . ش. از افغانستان به پاکستان رفت و بعد در لندن، اقامت اختیار نمود. در سال‌های حضور در خارج از افغانستان هم دست از فعالیت‌های فرهنگی برنداشت. حضور و سخنرانی وی در ده‌ها سیمینار که درکشورهای مختلف در زمینه‌های گوناگون برگزار شد، از مهمترین کارهای این استاد بود.

سرانجام استاد عبدالاحمد جاوید، در شامگاه چهارشنبه ۹ اسد سال ۱۳۸۱ هـ . ش. بر اثر بیماری سرطان در سن هفتاد و پنج ساله گی در شهر لندن وفات یافت. پیکر استاد را به کابل منتقل کردند و در روز ۱۳ اسد همان سال در شهدای صالحین شهرکابل به خاک سپرده شد.

آثار و نوشته‌های استاد جاوید

از پروفیسور دکتور عبدالاحمد جاوید، آثار فراوانی به گونهٔ کتاب و رساله، مقالات، و سخنرانی‌ها در داخل و خارج کشور برجا مانده است. نگرشی بر کارکردهای استاد نشان می‌دهد که بیشترین آثار برجا مانده از او به گونهٔ سخنرانی و بیانیه‌هایی است که به مناسبت‌های مختلف در سیمینارها و سمپوزیم‌های ملی و بین المللی ارائه کرده است. به ویژه در سال‌های اخیر عمر که در هجرت بود، طی ده سال از ۱۳۶۷ هـ. ش. تا ۱۳۷۷ هـ. ش. بیش از ۸۰ سخنرانی در محافل و مجالس مختلف داشته است که گردآوری و چاپ آن، مجموعهٔ گران‌ارجی را فرادست می‌آورد.

از دکتور جاوید ده‌ها کتاب و رساله به جا مانده و صدها مقاله از وی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است که عناوین زیر شامل آن‌ها می‌شود:

نوروز خوش آیین، اوستا، رایحهٔ صلح در فرهنگ ما، مدارا و مروت در ادبیات فارسی، آثار برگزیدهٔ دری، افسانه‌های قدیم شهرکابل، نگاهی به اشعار دری خوشحال خان ختک، قرائت دری صنوف هفتم، هشتم و نهم، جغرافیای افغانستان، تاریخ ادبیات دری، تحقیق در املا و انشای فارسی و چندین کتاب درسی دیگر برای فاکولتهٔ ادبیات پوهنتون کابل.

هم‌چنین از استاد مقالات فراوانی در داخل و خارج کشور به نشر رسیده، که به گونهٔ نمونه چندی از آنها را نام می‌بریم: آریانا، خراسان و افغانستان، آشنایی با بیدل، افسانهٔ بابه نوروز، افغانستان مهد پیدایش زبان دری، درود بر زن درود بر مادر، سرگذشت تاج التواریخ و گسترهٔ ادب دری درجامعهٔ ترکی‌زبانان.

نمونهٔ نثر دکتور عبدالاحمد جاوید

در کابل از قدیم یک ماه پیشتر از فرارسیدن نوروز مردم به پیشواز بهار و پذیرایی از سال نو هر جمعه بیرون شهر می‌روند و با جمع‌شدن در محل خاص به سیر و گردش و شور و سرور می‌پردازند و با پختن غذاهایی مانند سبزی، ماهی و جلبی و تهیهٔ انواع سرگرمی‌ها از نوروز خوش آیین استقبال می کنند...

نام قدیم باغ بابر هم«باغ نوروزی» بود. از زمانی که بنابر وصیت بابر جنازهٔ او را از آگره به کابل آوردند و درین باغ دفن کردند معروف به باغ بابر شد. از دیگر جاهایی که مردم در روز نوروز جمع می‌شوند دامنهٔ کوه خواجه صفا ست، با درخت‌های خوش‌رنگ ارغوانش، و هم باغ معروف چهلستون با شگوفه‌های عطرآگین بادامش.

مردم در ایام بهار دسته دسته دراین باغ به خصوص موسم شکوفهٔ بادام و گل ارغوان می‌آیند و در سایهٔ فرحبخش درختان می‌نشینند. کباب داشی می‌پزند و قیماق‌چای را

با کلچه‌های نمکین و یا شیرین نوش جان می کنند.
از قدیم درشهر کابل به پیشواز بهار کوچه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها را از فراز تا فرود پاک می‌کردند؛ خانواده‌ها خانه تکانی می کردند. به خصوص اجاق و دیگدان آشپزخانه را رنگ می کردند، تا برکت آورد.... اهالی شهر، پیش از تاریکی، چراغ روشن می کردند و دوکانداران دکان‌های خود را چراغان می کردند؛ آذین می‌بستند و به انواع آیینه و قالینچه می‌آراستند. خوب به یاد دارم، رسته‌های دکان‌های چارچته، شوربازار و بازار ارگ، چارسو، و یا چارسوق، را که با انواع آیینه‌های بلور، منظره‌ها، تصویرها، قالینچه ها، سوزنی‌ها، چلچراغ‌ها و حتی کشکول و تبرزین و پوست پلنگ آراسته می گردید، و قناری‌های خوش‌آواز پشت میله‌های قفس چهچه می‌زدند. دکان‌داران با شربت‌های خوشمزه و شیرینی‌های گوناگون و کلچه‌های نوروزی و حتی هفت میوه و ایراد مطایبه‌ها و شوخی‌ها از آشنایان و دوستان پذیرایی می کردند. شب‌ها با شمع و مشعل، فانوس و مهتابی همه جا روشن می‌بود. از مدت‌ها پیش، شیرینی‌پزها، کلچه‌پزها، نخود پزها، نقل و بادام، حلوای مغزی، سوهانک، حلوای پشمک و شیرپیره درست می کردند. سبزی فروش‌ها انواع سبزی ترکاری، به خصوص سبزی‌پالک را که نشانهٔ سرسبزی و خرمی بود به مشتریان عرضه می کردند. «نوروز خوش آیین» نوشتهٔ دکتورجاوید



بخوانیم و بدانیم

۱. دکتور احمد جاوید، فرزند میرزا عبد الصمد خان، در نهم جدی سال ۱۳۰۵ هـ. ش. در محلهٔ «پایان‌چوک» کابل زاده شد.
۲. آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره ۲ ، متوسطه و لیسه را در مکتب حبیبیه به پایان رسانیده دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.
۳. استاد جاوید افزون بر زبان مادری(فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدودی به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌هایی از انگلیسی و پشتو به دری دارد.
۴. در سال ۱۳۴۰ هـ. ش. رتبهٔ علمی پوهاند یا پروفیسوری را حاصل کرد. در سال ۱۳۶۵ از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال ۱۳۶۶ هـش. از سوی وزارت اطلاعات وکلتور، لقب«کارمند شایستهٔ فرهنگ» را به دست آورد.
۵. استاد جاوید در سال ۱۳۶۷ هـ. ش. افغانستان را ترک کرد. مدتی در پاکستان و بعد در لندن مقیم شد.
۶. از دکتور جاوید ده‌ها کتاب و رساله؛ مانند: نوروز خوش آیین، اوستا، رایحهٔ صلح در

فرهنگ ما و... به جا مانده و صدها مقاله از وی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است.

درست بنویسیم

• در مورد نوشتن پسوند صفت نسبتی «ـ ی» درپیوستن با واژه‌های پایان یافته به الف ممدوده، الف مقصوره، واو، وهای غیرملفوظ، نیز قاعدهٔ کلی آن است که به شکل (یی) نوشته شود؛ مانند:

• با الف ممدوده

کانادا + ی(میانوند واسطه) + ی(پسوند صفت نسبتی) = کانادایی؛ مانند: این مرد کانادایی در اصل زادهٔ کشور لهستان است.

• با الف مقصوره

درین گونه واژه‌ها، یای پایانی واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعدهٔ الف ممدوده بران تطبیق می‌شود؛ مانند: لیلی- ی +ا (=لیلا) + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = لیلایی؛ مانند: ماهرو جلوهٔ لیلایی داشت.

• با واو

اگر پیش از«و» حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت یای پسوندی را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند: جادو+ی(میانوند واسطه)+ی(پسوند صفت نسبتی) = جادویی؛ مانند: جادوه، جادو+ یی.

اما اگر پیش از«و» حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند صفت نسبتی به پایان واژه علاوه می‌شود وبرای نوشتن یای میانوند واسطه ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: خسرو + ی (پسوند صفت نسبتی) = خسروی؛ مانند: ما در جادهٔ خسروی باهم ملاقات کردیم.

• باهای غیرملفوظ

قهوه + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = قهوه‌یی؛ مانند: من بالاپوش قهوه‌یی خود را گم کرده ام.

• با «ی»

پلخمری + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = پلخمری‌یی؛ مانند: درمسابقات پهلوانی امسال، یک پهلوان پلخمری‌یی به مقام اول دست یافت.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در موردشخصیت دکتور جاوید باهم گفتگو نموده و واضح سازند که

وجود این چنین اشخاص درجامعه باعث چه چیزی می‌شود؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.

۲.شاگردان تصویر مقابل را با موضوع «بهار» ارتباط داده، چند تن شان در مورد آن سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۲. با درنظرداشت قواعدی که در مورد نوشتن خواندید، درکتابچه‌های تان متنی بنویسید که حد اقل دونوع از آن قواعد در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی

۱. داکتر عبدالاحمد جاوید کی بود، درکجا درس خواند و کدام رتبه‌های علمی را ازکجا به دست آورد؟

۲. او به جز از افغانستان، دیگر درکدام کشور به چه کاری مشغول شد؟

۳. استاد جاوید افزون بر دری و پشتو برکدام زبان‌های دیگر تسلط داشت؟

۵. پنج اثر چاپ شده و پنج مقالهٔ او را نام ببرید.

۶. پسوند صفت نسبتی«- ی» درپیوستن با واژه‌های پایان یافته به الف ممدوده وهای غیرملفوظ به چه شکل نوشته می‌شود؟ با مثال واضح سازید.

کار خانه‌گی

۱. دربارهٔ شخصیت علمی داکتر عبدالاحمد جاوید یک مقاله بنویسید.

۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

اصل وقت ازگردش خورشید نیست — وقت جاوید است وخورجاوید نیست

درجهان روشن‌تر از خورشید شو — صاحب تابانی جاوید شو

علامه اقبال

۳.متن کامل درس بیست و هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس
بیست هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در اخیر همین سؤال‌های از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱- فرخی کی بود؟ ۲- قصیدهٔ معروف «سومنات» از کدام شاعر نام آور است؟ ۳- فرخی قصیده سرای کدام دربار بود؟
٤- پیرامون سبک و ذوق فرخی چه می‌دانید؟ به گونه مختصر توضیح دهید.
٥- دیوان فرخی شامل چند هزاربیت بوده و در کدام یک از قالب‌های شعری آن را سروده است؟ ٦- فرخی گذشته از شاعری دیگر در کدام فن استاد بوده است؟

فرخی

ازشعرای بزرگ دربار سلطان محمود و سلطان محمد غزنوی فرزند ابوالحسن علی بن جولوغ متخلص به فرخی است. او ذوق لطیف و قریحهٔ خوب و آواز خوش داشت و چنگ نیکو می‌زد. در شعر به ویژه قصیده را خوب ساخته و ازآن فن طرز خاصی به وجود آورده است. فرخی، از صلّه و انعام ابوالمظفر احمد بن محمد امیر چغانیان آگاه گشت، قصد دربار او کرده همراه کاروانی شد و قصیده‌یی در وصف شعر خود ومدح امیر گفت چون به چغانیان رسید امیر برای داغ کردن کره گان به داغگاه رفته بود. پس فرخی قصیدهٔ خود را به خواجه عمید اسعد که پیشکار ابوالمظفر بود عرضه داشت و او فرخی را با خود به داغگاه برد و در ضمن از او درخواست نمود تا شعری در وصف داغگاه بسراید و او همان شب قصیدهٔ معروف داغگاه را نظم کرد که مطلع آن این است:

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار   پرنیان هفت‌رنگ اندر سر آرد کوهسار

روز دیگر قصیده را پیش امیر خواند.امیر شعرشناس بود و از این قصیده حیرت کرد و شاعر را بنواخت و صلهٔ فراوان بخشید.

بعد فرخی به دربار سلطان محمود غزنوی روی نهاد و سلطان محمود نیز او را همچنان گرامی داشت و او به دربار پادشاه مقام بلند یافت و دارای ثروت شد وجاه و جلال پیدا کرد؛ چنانکه خود در قصیده‌یی گوید:

با ضیعـــــت آبـــــادم و با خانهٔ آباد ‌ ‌ ‌ با نعمـــــت بسیارم و با آلت بسیار

هم با رمهٔ اسپم وهـــــــم با گلهٔ میش ‌ ‌ ‌ هم باصنم چینم و هم بابت فرخار

ساز سفرم هست و نوای حضرم هست ‌ ‌ ‌ اسپان سبکبـــار و ستوران گرانبار

از ساز مـــــرا خیمه چو کاشانهٔ مانی ‌ ‌ ‌ وز فرش مرا خانه چو بتخانهٔ فرخار

فرخی قسمت عمدهٔ قصاید خود را در بارهٔ شاهان غزنوی سروده، سلطان محمد و پسرانش ابو احمد محمود و مسعود و برادرش امیر یوسف و وزراء و ندمای آنان را مدح کرده و از آن جمله در ستایش ابو احمد محمد گفته است:

چهار چیز گزین بود خسروان را کار ‌ ‌ ‌ نشاط کردن چوگان وبزم ورزم وشکار

ملـــک محمد محمود آمد و بفزود ‌ ‌ ‌ برآن چهـــار بتوفیق کرد گار، چهار

نگاه‌داشتن عهـــد و برکشیدن حق ‌ ‌ ‌ بـــزرگ داشتن دین و راستی گفتـــار

دیوان فرخی بیشتر از نه هزار بیت دارد و گذشته از قصاید حاوی، غزل‌ها و قطعه‌ها و ترجیع‌بند و رباعی‌ها است. معاصران و اخلاف فرخی مانند: عنصری و رشیدالدین وطواط و دیگران او را ستوده اند. فرخی گذشته از شاعری در عروض و نقدالشعر استاد بوده و کتابی در این علم با اسم ترجمان البلاغه تألیف نموده و آن به مرور زمان از میان رفته است؛ و لی رشیدالدین وطواط آن را دیده و در تألیف کتاب حدایق السحر خود از آن استفاده کرده است. فرخی در سال ۴۲۹ هـ ق. وفات یافته است.

سبک و ذوق فرخی: فرخی نیز مانند عنصری غالب قصاید و مدایح خود را با وصف بدایع طبیعت شروع کرده و در تغزل قدرت نشان داده است.
به طور کلی این شاعر در لفظ و معنی مهارت به‌سزا داشته و تشبیهات لطیف و طبیعی به کار برده و از تعقید و تکلف اجتناب ورزیده و بیشتر اشعار را ساده و شیرین سروده است.
برای نمونه می‌توان قصیده‌یی را که با وصف ابر شروع می‌کند متذکر شد که در عبارات و تشبیهات آن صفت سخن پردازی شاعر هویداست و مطلع آن قصیده این است:

برآمد نیلگـــون ابری ز روی نیلگـــون دریا
چو رای عاشقان گردان چو طبع بی‌دلان شیدا

چو گردان گشته سیلابی میـــان آب آسوده
چو گردان گردبادی تنـد گردی تیره اندورا
بباريد و ز هم بگسست و گردان كشت بر گردون
چـــو پیلان پراگنده میـــان آبگون صحرا
تو گفتی گرد زنگـــــار است بر آيينهٔ چينی
تو گویی موی سنجابست بر پیروزه گون دیبا
به‌سان مرغـــزار سبزرنگ اندر شده گردش
بیک ساعت ملون کرده روی گنبـــد خضرا
تو گفتی آسمان دریاست از سبزی و بر رویش
به‌پرواز اندر آورده است ناگه بچه‌گان عنقا

می‌بینیم که استاد در این چند بیت طبیعت را سخن می‌نگارد: توده‌های ابر را مانند رأی عاشقان و طبع دل‌باخته‌گان گردان و شیدا می‌بیند و آن‌ها را به سیلابی که میان آب ساکن آید به گردبادی که به هوا بر خیزد یا به مرغزار گردنده و بچه‌گان عنقا که بر روی دریا به‌پرواز درآیند تحشیه می‌نماید.

برخی از اشعار فرخی معانی تاریخی دارد، زیرا وی ندیم سلطان محمود ودر بسی از سفرهای هند با وی بود. ازین رو از جنگ‌ها و فتوحات سلطان، در قصاید خود سخن به میان آورده است:

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر   سخن نوآر که نورا حلاوتیست دگر

فرخی از قصیده گویان درجه اول دری است، در سخن تواناست، طبعش روان و قصایدش صریح و آسان است و پیچیده گی و معانی پیچیدهٔ فلسفی ندارد؛ بلکه شعرش نمایندهٔ ذوق و قریحه است. لحن وزن و موسیقی شناسی او در آهنگ و پیوند نظم او مؤثر بوده و سخنش را از هرگونه تعقید بر کنار داشته است.

تاریخ وفات فرخی را سال ۴۲۹ هجری نوشته اند.

توضیحات

علم عروض: میزان سخن منظوم است و آن علمی است که از وزن اشعار بحث می کند.
از این رو آن را «علم عروض» نامیده اند که اشعار را بدان عرضه دارند تا وزن سالم از غیر سالم و درست از نادرست متمایز گردد. بنای اوزان عروضی، مانند وزن‌های صرفی به حروف فا، عین ولام (فعل) نهاده شده است.



درست بنویسیم

پسوندهای فاعلی در پیوند با واژه‌های پیشین شان به صورت زیر نوشته می‌شوند:

پسوند	با حروف پیوند پذیر	با حروف پیوند نا پذیر و (های) نا ملفوظ
ار	خواستار	خریدار، پدیدار، برخوردار
الف	گویا، بینا، دانا	شنوا، گیرا، پذیرا
ان	خواهان، جوشان، خروشان	دوان، سوزان، خندان
باز	نیرنگ‌باز ریسمان‌باز	حقه‌باز، سرباز، چترباز
بان	پاسبان، باغبان، کشتیبان	مرزبان، بادبان، آسیابان
بر	رهبر، رنجبر	بادبر، نمابر، نامه‌بر
چی	فرشچی، پستچی، قابچی	، شکارچی، جارچی
گار	ستمگار، خدمتگار، کامگار	آموزگار
گر	ستمگر، آهنگر، سیمگر	دادگر، زرگر، کارگر
گیر	پیام‌گیر، راهگیر، کفگیر	دزدگیر، مارگیر، بهانه‌گیر
نده	گوینده، بخشنده، جهنده	دارنده، گزنده
کار	ستمکار، فراموشکار، گناهکار	مزدورکار، بسته‌کار



کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شعر و شاعری فرخی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده دربارۀ ممدوح فرخی(سلطان محمود غزنوی) و فتوحات وی معلومات دهند.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر صفحۀ بعدی سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.

۲- در بارۀ شخصیت ادبی فرخی چند سطر بنویسید.



بیاموزیم

۱- دیوان فرخی بیشتر از نه هزار بیت دارد و گذشته از قصاید حاوی غزلیات، قطعات، ترجیع بند و رباعیات است.

۲- فرخی گذشته از شاعری در عروض و نقد الشعر استاد بوده و کتابی در این علم به اسم «ترجمان البلاغه» تألیف نموده است.

خود آزمایی

۱- سلطان محمود غزنوی را چرا بت‌شکن می گویند؟
۲- در مورد قصیدهٔ مشهور سومنات فرخی چه می‌دانید؟
۳- دیوان فرخی حاوی چند هزار بیت است؟
۴- فرخی گذشته از شعر به فن عروض و نقدالشعر هم دسترسی داشت. نظر شما چیست؟
۵- فرخی در کدام سال تولد و در کدام سال وفات یافت؟

کار خانه‌گی

۱- این بیت را به حافظه بسپارید:

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر　　سخن نو آر که نو را حلاوتیست دگر

۲- درس‌های گذشته را تکرار نموده و خود را آمادهٔ امتحان نمایید.

واژه نامه

آ

آذین زیب، زینت، آرایش، زیور
آرایه زیب، زینت، زیور
آرمان آرزو، امید
آمال جمع امل به معنای: امید، آرزو
آمیخته درهم ساختن و مخلوط کردن دو یا چند چیز باهم
آیات نشانه‌ها علامت‌ها و جمع آن آیه است
آشفته پریشان، شوریده، مضطرب، سرگردان

الف

ابتذال بی‌ارزش، مبتذل
اَبَر بزرگ، کلان، نیرومند
ابهام پوشیده سخن گفتن، پیچیده و غامض کردن سخن
اتباع پیروی کردن, از پی رفتن.
احاطه گرداگرد چیزی را گرفتن
اختلال بی سرو سامانی، درهم و برهم شدن، بی‌نظم شدن
اختناق خفه شدن، گلوگیرشدن، بندآمدن نفس
اختر ستاره، بخت و طالع و اقبال، علم

ادراک درک کردن، دریافتن، فهمیدن، پی بردن
اسباب جمع سبب و سایل
استشهاد: شاهد آوردن ازقول یا گفتهٔ کسی در نوشتهٔ خود
اشتغال کارکردن، مشغول شدن، به کاری پرداختن
اشراف جمع شریف به معنای بلند پایه‌گان، نجبا
اشراق درخشیدن، تابیدن، روشن شدن
اطلاق استعمال کلمه‌یی به معنای مخصوص خواه به طریق حقیقت و یا مجاز
اعتلا بلند شدن، برتری یافتن، بلندی، برتری
اعتیاد عادت کردن، خوگرفتن
اعجاب به حیرت واداشتن، کسی را به شگفت آوردن
اعجاز انجام دادن کاری که دیگران از آن عاجز باشند.
اعراض علایم، نشانه‌ها
اعم شامل، فراگیر، همه‌گانی

اعیان بزرگان، بزرگواران
اغراق مبالغه و افراط در توصیف یا بدگویی کسی، گزافگویی
افراط زیاده‌روی کردن.
اقتضا لزوم، درخور بودن، مناسب بودن
اکراه کسی را به‌زور و ستم به کاری واداشتن. خلاف میل او.
التزام به امری عهده دار شدن کاری, ملازم شدن.
القا یاد دادن، آموختن
الگو نمونه، طرح
املاح جمع مِلح، به معنای نمک‌ها، منرال‌ها
اوهام جمع وهم به معنای: خیال، پندار، در دل گذشتن
ایجاز کوتاه و مختصر کردن سخن
ایقان یقین کردن, باور کردن.
ایما اشاره کردن، نشان دادن با انگشت

ب

بالغ جوان
برازنده شایسته، لایق، زیبنده
برهه قسمتی از وقت و زمان، روزگار
بسمل هرحیوانی که آن را ذبح کرده و سر بریده باشند و یا با شمشیر نیم کشته باشند و یا نیمه‌جان
بصری منسوب به بصر: آنچه که از طریق چشم درک شود
بلیغ رسا، فصیح، کسی که دارای زبان رسا باشد
بهت حیرانی، شگفتی
بهره سود، نفع، فایده

پ

پذیره قبول و استقبال، جلو رفتن و پیشواز
پژوهشگر: محقق، پژوهش‌کننده، کسی که تحقیق می‌کند
پویا رونده، دونده
پیرایه زینت، زیور، آرایش
پیشواز استقبال، دم روی آمدن،
پیکر جسم، جسد، تن، هیکل

ت

تأخّر عقب انداختن، پس ماندن، دیرشدن

تأدیب تربیت کردن، تنبیه کردن

تالار سالون، اتاق بزرگ

تأمل اندیشه کردن، فکرکردن، درنگ کردن

تبلور به شکل بلور درآمدن، شفاف شدن

تتبع دنبال کردن، درپی چیزی رفتن، جستجو کردن، تفحص

تحت الشعاع: زیر پرتو، آنچه که در اثر پیدایش چیزی دیگر از رونق افتاده باشد.

تحریف تغییر و تبدیل کردن، برخی ازحروف یک کلمه را عوض کردن.

تحقیر حقیرشمردن، خوار داشتن، کوچک کردن

تحلیل تجزیه کردن، حل کردن، گشودن

تذهیب طلاکاری، هنرتزیین اوراق کتاب با آب طلا و لاجورد

ترسیخ راسخ ساختن، ثابت ساختن، قوی ساختن

تزریق داخل کردن محلول در زیرپوست بدن، پیچکاری کردن، دوا چکانیدن

تزکیه پاکیزه کردن، بی‌آلایش کردن

تسمم زهرآگین شدن، با زهر آلوده شدن

تشریع بیان کردن و نمودار ساختن راه یا شریعت.

تشریک شریک کردن، شرکت دادن

تشویر اشاره کردن، آشوب و اضطراب، شرمساری.

تصحیح صحیح کردن، درست کردن، بی‌غلط ساختن یک نوشته

تصحیف: خطا خواندن، خطا کردن در نوشتن، تغییر دادن کلمه با کم کردن یا زیاد ساختن نقطه

تصلب سخت شدن، محکم شدن

تعجیل شتاب کردن، شتافتن، عجله کردن

تعزیه عزاداری کردن، سوگواری کردن

تفریط کوتاهی کردن در کاری.

تفکر قدسی: اندیشهٔ روحانی، افکار ملکوتی

تقدم پیش بودن، جلو رفتن، پیشی گرفتن

تقلا دست و پا زدن، کوشش و تلاش

تلطیف لطیف کردن، زیبا و دلپسند نمودن

تلمیح اشاره کردن به قصه یا مثلی مشهور یا آوردن اصطلاحات علمی در شعر

تمایز جداکردن، متفرق کردن، از هم‌دیگرتفاوت داشتن

تناقض مخالف چیزی با چیزی, ضد یک دیگر.

تهوع قی، استفراق، دل‌بدشدن، انقلاب معده

توالی پی درپی قرارگرفتن، پشت سرهم بودن، یکی پس از دیگری

توأم باهم، همراه

توفیق موافق، دست یافتن به کاری، موافقت داده شده از جانب خداوندﷻ

توهم گمان بردن، وهم داشتن، خیال و گمان

تکلف رنج و سختی برخود نهادن، کاری به مشقت و خلاف عادت کردن

تکوین به وجود آوردن، هستی دادن، آفریدن

تهذیب پاکیزه کردن، خالص کردن

ث

ثغور جمع ثغر به معنای: سرحد، مرز، دربند

ج

جسورانه باجسارت، بی‌باکانه

جعل تقلب کردن، ساختن سند یاچیزی دیگر برخلاف حقیقت

چ

چاشنی چیزی که به اندازهٔ چشیدن باشد، قدری ازخوراک که برای مزه بچشند

چرخ آسمان، فلک، روزگار عصر وزمان

ح

حجب شرم، حیا، پوشاندن، پنهان کردن

حریم پیرامون و گرداگرد

حجت برهان، دلیل، آنچه به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند.

حسب قدر، اندازه، شماره، اساس

حکمت راستی و درستی امری. کلام موافق حق.

حماسه شجاعت، دلیری، دلاوری

خ

خوارق جمع خارق به معنای آنچه که خلاف عادات مردم باشد

د

داعی طلب کننده، خواهنده، دعوت کردن

داور قاضی، حکم کردن میان دو نفر
دایم الخمر: باده‌پرست، کسی که همیشه شراب می‌نوشد و نشه است.
دایم الصوم: کسی که همیشه روزه داشته باشد.
دیپو انبار، محل ذخیره کردن.

ر

رأفت رحمت و مهربانی
راغ مرغزار، صحرا، دامن کوه، دامنه سبز کوه که وصل به صحرا باشد.
رثا گریستن بر مرده و شعر گفتن در بارۀ مرگ کسی با اظهار دلسوزی.
رَجَز شعری که به هنگام جنگ برای مفاخرت خوانند.
رده صف، قطار، دسته، درجه
رستگار آسوده، نجات یافته، آزاد
روال نظم، اسلوب، ترتیب، جریان
روایت نقل کردن خبر یا حدیث و سخن ازکسی، حکایت
روند روش، رفتار، طریقه
ریوی منسوب به ریه به معنای شُش (عضوی از بدن)

ز

زلال گوارا، صاف، خوشگوار
زوال ناپایداری، نیستی و نابودی، آفت، بلا

ژ

ژست وضع رفتار و حرکات، طرز حرکت و اعمال شخص

س

سانسور تفتیش و مراقبت درمطالب کتب و جراید به وسیلۀ دولت
سبیل راه آشکار، طریق
سترگ بزرگ، عظیم، قوی‌هیکل، تنومند
سجایا جمع سجیه به معنای: طبع، خُلق، خوی
سده دورۀ صد ساله، قرن، صد سال
سقم مرض، بیماری، نادرست بودن، ناصحیح بودن
سلاله نسل، نطفه، خلاصه
سمر شب و سیاهی، دهر، روزگار، قصه و افسانه‌یی که در شب بگویند.
سمعی منسوب به سمع: آنچه که از طریق گوش درک شود
سنت طریقه، سیرت، قول و فعل پیامبر اسلام ﷺ آنچه پیغمبر ﷺ و صحابه بر آن عمل کرده باشند.
سوانح جمع سانحه به معنای واقعه، حادثه، هرچیز ناگهانی، رویداد
سور جشن، ضیافت، مهمانی، عروسی
سُوق بازار، جای خرید و فروش

ش

شبانان چوپانان، نگهبانان گوسفندان
شتاب عجله و تندی، چالاکی و سرعت
شرور جمع شر، بدکار، صاحب شر
شوالیه نجیب زاده‌یی که درگروه اسپسواران قرون وسطی پذیرفته شده بود.
شیوا بلیغ، فصاحت، بلاغت
شیوع آشکار شدن. ظاهر و هویدا.

ص

صومعه مکانی بر سرکوه یا جایی بلند که راهب یا عابد، جهت عبادت آنجا به سربرد

ض

ضخیم کلان، بزرگ، ستبر، هنگفت
ضلالت گمراه شدن، گمراهی

ط

طراوت تر وتازه شدن، شادابی
طرب شاد شدن، شادمانی، اهتزاز و جنبش از اثر شادی و نشاط

ع

عار عیب و ننگ
عاری برهنه، لخت، فاقد، مبرا
عبر عبرت، پند، پندی که از نظر کردن در احوال دیگران حاصل شود.
عرصه فضا، میدان، ساحه
عزلت گوشه‌نشینی، دوری و کناره‌گیری ازمردم
عقود جمع عقد.
عقیم نازا، زن یا مردی که از او فرزند به وجود نیاید

علوّ	بلندترین چیز، برترین چیز، بلندی یافتن
عوارض	جمع عارضه به معنای پیش‌آمد، بیماری، حادثه، مرض

غ

غنامندی	توانگری، دولتمندی، پربار شدن
غفلت	فراموش کردن، ازیاد بردن، بی‌خبری.

ف

فترت	ضعف، سستی، کسالت، زمان میان دونوبت تب
فراز	بلندی، بالای مقابل نشیب و فرود
فرکانسی:اهتزاز صدا
فرهیخته:ادب آموخته، ادیب، علم‌آموخته، عالم
فرود	زیر، نشیب، پایین، مقابل فراز
فصیح	کسی که خوب سخن بگوید و کلامش بدون پیچیده‌گی باشد.
فقدان	گم کردن، از دست دادن، گم شدن
فوران	جوشیدن یا جهیدن آب ازچشمه
فیوض	جمع فیض به معنای خیر و برکت

ق

قدسیت	پاکی, پاک شدن. منزه بودن.
قرنیه	بخش شفاف پردهٔ صلبیه، که درجلو چشم قرار دارد
قریحه	طبع، ذوق، ادراک، قدرت طبیعی در سرودن شعر و کتابت
قریحت	طبیعت، ادراک، طبیعت شاعری و نویسنده‌گی
قفا	پشت گردن و در فارسی به معنی دنبال و پشت سر نیز می‌گویند.

ک

کاخ	قصر، عمارت بزرگ و عالی که دارای چندین اتاق باشد.
کانون	مرکز
کلالت	خسته شدن؛ مانده شدن
کلیوی	منسوب به کلیه به معنای گرده (عضوی ازبدن)

گ

گزند	آسیب، آزار، آفت
گسترده	پهن کرده، منبسط، فراگیر

ل

لهو	بازی، آنچه مایهٔ سرگرمی باشد.

م

مات و مبهوت: حیران، سرگشته، سرگردان
مآخذ	جمع مأخذ به معنای سرچشمه، منبع، جای اخذ شده از آن.
مأنوس	انس‌گرفته، آشنا
مایل	میل کننده، گراینده به چیزی
مباهات	فخرکردن، نازیدن به کسی یا چیزی
مبتذل	پیش پا افتاده، بی‌ارزش، خوار و ناپسند، بی‌قدر و قیمت
مبنا	بنا کرده شده، پایه و بنیان، اساس
متانت	نیرومندی، وقار، محکم بودن، استواربودن
مترادف	دو یا چند کلمه که درصورت مختلف و درمعنی یکسان باشند.
متروک	ترک شده، واگذاشته
متصوفه	متصوفان، گروه صوفیان
متعدد	بسیار، بی‌شمار، چیزی که بسیار باشد
متناظر	نگرنده به هم، نزدیک به هم
متوالی	پیاپی، پشت سرهم، پی در پی
متون	جمع متن به معنای عبارات اصلی کتاب، رساله و مکتوب، مقابل حاشیه
مثمن	هشت‌رکنی، هشت‌تایی، هشت‌جزئی
مجال	داشتن وقت و فرصت، جولان کردن، جولانگاه
محاسن	جمع حُسن به معنای نیکویی و خوبی
محتوا	چیزی که چیز دیگری را دربر دارد
محدث	کسی که حدیث نقل کند, کسی که سخنان پیغمبر ﷺ را روایت کند، عالم به علم حدیث.
محرک	تحریک‌کننده، جنباننده
محوطه	زمینی که دور آن دیوار کشیده شده باشد
مَحَک	سنگی که طلا و نقره را به آن می‌مالند و عیار آن را آزمایش می‌کنند.
محیل	حیله‌گر، فریبکار
مدارج	جمع مدرج و مدرجه به معنای درجه‌ها، پایه‌ها، مراتب
مدون	تدوین شده، فراهم آمده، گردآوری شده،

جمع‌آوری شده
مرثیه	شعر یا سخنی که درسوگواری و یا مدح میت خوانده می‌شود.
مساعی	کوشش‌ها، تلاش‌ها، سعی‌ها
مستمر	دوامدار، دوام‌یافته، دایم
مسوده	نامه‌یی که نوشته شود تا بعد اصلاح و پاک نویس کنند
مشتاق	آرزومند، مایل و راغب به چیزی
مشتق	جدا شده، کلمه‌یی که از کلمهٔ دیگری جدا و ساخته شده باشد.
مشروبات: نوشیدنی‌ها، آنچه ازمایعات که نوشیده شود
مشیت	اراده و خواست خداوند ﷻ
مصاب	مصیبت‌زده، سختی‌دیده، مشقت‌کشیده
مصوبات	جمع مصوبه به معنای قسمتی از قانون
مضحک	خنده‌آور
مظاهر	جمع مظهر به معنای دیدنی، جای ظهور، پشتیبان
معاصرت	طبق زمان ساختن
معایب	جمع معاب به معنای عیب‌ها و بدی‌ها
معترضه	جملهٔ خارج از موضوع که میان کلام وارد شود
معضلات	مشکلات، دشواری‌ها
معطوف	بازگردانده، مورد توجه واقع شده، کلمه‌یی که به کلمهٔ ماقبل عطف شود
مغذی	غذا دهنده، تغذیه کننده، پرورنده
مفروق	جدا ازهم، پراگنده شده، جدا کرده
مقاطع	جمع مقطع به معنای محل قطع و برش
مقبول	قبول‌شده، پذیرفته‌شده، پسندیده شده.
مقتضی	خواهش شده، طلب شده، درخواست شده
مقتضیات: شایسته‌ها، حاجات، ضرورت‌ها
مقوله	سخنی که بار بار گفته شده باشد، سخن گفته شده، گفتار
ملاک	اصل هرچیز، مایه، معیار
ملحق	پیوسته، وابسته، متصل
ملموس	قابل لمس، لمس شده، قابل درک و دریافت
ممتد	پی در پی، پشت در پشت، پیاپی
منثور	سخن غیرمنظوم، پراگنده، متفرق
منسوخ	ازبین برده شده، باطل شده، ردکرده شده
منفعل	اثرپذیرفته، شرمنده، شرمسار
مواریث	جمع میراث
مواهب	بخشش‌ها
موجز	مختصر، کوتاه، سخن کوتاه و مختصر
مودت	دوستی کردن.
موهبت	بخشش، آنچه که به کسی ببخشند
مکاتیب	جمع مکتوب به معنای نوشته

ن

نادر	کمیاب، آنچه کم به دست آید
ناهنجاری: عدم تناسب، بی‌تناسب بودن، نامتناسب
نخبه	برگزیده
نژاد	اصل و نسب، تبار
نسخ	جمع نسخه به معنای مطلبی که از روی کتاب نوشته باشند.
نصوص	جمع نص به معنای کلام صریح و آشکار که دارای یک معنی باشد.
نقاد	سره کننده و جدا کنندهٔ خوب از بد
نکبت	مصیبت، رنج، بیچاره‌گی
نماد	نماینده، نشانه، علامه
نهضت	جنبش، حرکت، قیام

و

وادی	گشاده‌گی میان دو کوه، دره
واکنش	عکس العمل
والا	بالا، بلند، بلندمرتبه
وثایق	جمع وثیقه به معنای سند
ویترین	قفسهٔ شیشه‌یی قطی‌مانند
ویرایش	پیراستن، منظم کردن، بی‌عیب ساختن

هـ

هسته	قسمت مرکز اتم. و همچنان دانهٔ میان میوه مثل دانهٔ زردآلو.
همگون	همانند، همرنگ، شبیه
هول	خوف، ترس، هراس
هویت	هستی، وجود، حقیقت، شناسنامه
هیاهو	غوغا، جار وجنجال، داد وفریاد
هنر	فراست، کیاست، زیرکی و هوشیاری

فهرست منابع

۱- ---------، استعمال سگرت و الکول از دیدگاه تاریخ، ساینس، طب و دین، چاپ اول، اعجاز پرینتینگ هاوس، پشاور، پاکستان، ۱۳۷۰ هـ
۲- احمد شاه بابا، شعبهٔ تاریخ، اکادمی تربیهٔ معلمین، سال چاپ ۱۳۴۶ هـ. ش.
۳- احمد نژاد، دکتور کامل، معانی و بیان:–تهران:انتشارات زوار، چاپ دوم ۱۳۸۵ هـ. ش.
۴- اخگر، مطهرشاه، آگاهی ازخطرات ماین، مهمات منفجرناشده و معلولیت، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی، وزارت معارف، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷ هـش.
۵- آرال عزیز الله، اوزبیک- ترکی تیلی الفباسی
۶- آرمیچل، ترنس، مردم در سازمان‌ها، دکتر حسین شکرکن (ترجمه)، انتشارات رشد، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۷ هـش.
۷- الوعی الاسلامی (مجلة شهریة)، تصدرها وزاره الاوقاف والمشئون الاسلامیة، الاعداد ۱۲۱، ۱۲۳ (المحرم، ربیع الاول)، السنة الحادیة عشرة، الکویت، ۱۳۹۵هـ ش.
۸- انصاری، خواجه عبدالله مناجات‌نامه، انتشارات فرهنگ و قلم، تهران، ایران ۱۳۸۶هـش.
۹- باترا، ویجی و پرامد، اندیشه‌های خوب برای همه، هیبت ا... اسدی (ترجمه)، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۸۱ هـش.
۱۰- بارز، دکتر عابدین، گفتارهایی در زمینهٔ جامعه، فرهنگ، آزادی و تعلیم و تربیت، انتشارات: بنگاه انتشارات میوند چاپ اول ۱۳۸۶ هـ ش
۱۱- بانو شگفته، دکتر صغری، شرح احوال و آثار فارسی امیر علیشیر نوایی متخلص به فانی تحقیق و نگارش:، چاپ اول ۱۳۸۷ هـ. ش. ناشر: انتشارات بین المللی الهدی
۱۲-بخشی علی‌آقا، افشاری راد مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، چاپ دوم ۱۳۸۶هـش.
۱۳- بلخی، محمد حنیف حنیف، پر طاووس یا شعر فارسی در آریانا، به کوشش، اسدالله حنیف، چاپ دوم ۱۳۸۱ هـ. ش.
۱۴- بیتاب، ملک الشعرا، مفتاح الغموض قافیه و عروض، چاپ اول، از نشرات فاکولتهٔ ادبیات، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان، ۱۳۳۳ هـش.
۱۵- بیدل (ابوالمعانی)، کلیات بیدل، جلد اول (غزلیات)، مطبعهٔ وزارت معارف، کابل، ۱۳۴۲ هـش.
۱۶- تهانوی، علامه اشرف علی، ازدواج اسلامی، ترجمه علامه محمد ابراهیم دامنی، انتشارات صدیقی، چاپ پنجم ۱۳۸۵هـش.
۱۷- جاوید، احمد (دکتور)، عارف عزیز (به کوشش)، نوروز خوش‌آیین، چاپ دوم، انجمن فرهنگ افغانستان، کابل، افغانستان، ۱۳۸۴ هـش.
۱۸- جمشید، دکتور جمراد به کوشش، کلیات اشعار جمشید شعله، انتشارات شهر آفتاب، تهران، چاپ اول ۱۳۷۹هـ. ش.
۱۹- حسینی، رضا سید حسینی، مکتب‌های ادبی، چاپ نهم، انتشارات نیل، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۶ هـش.
۲۰- حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، تهران
۲۱- خبره زاده، دکتور علی اصغر گزیده ادب فارسی، مؤسسهٔ انتشارات نگاه تهران ۱۳۷۱هـ. ش.
۲۲- د احمد شاه بابا دیوان، مقدمهٔ حبیب الله رفیع، سال انتشار ۱۳۷۸هـ. ش.
۲۳- دکر، برت، مدیریت فرایند ارتباطات موثر، دکتر بهزاد رمضانی (ترجمه)، انتشارات نشر دایره، چاپ اول تابستان ۱۳۷۹ هـش.
۲۴- دیوان حضرت میرزا عبدالقادربیدل، چاپ مطبعهٔ حروفی ماشین‌خانه، کابل، ۱۳۳۴
۲۵- رادپور، فاطمه و دیگران راهنمای درس هنر، انتشارات ادارهٔ کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، چاپ اول ۱۳۸۵ هـش

۲۶- رزمجو، دکتور حسین، مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی، ناشر: زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور.
۲۷- رزمجو، دکتورحسین، مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی، به کوشش دکتر آفتاب اصغر و غلام معین‌الدین نظامی، انتشارات پوهنتون پنجاب
۲۸- رسالة الجهاد (مجلة شهرية)، تصدرها جمعية الدعوة الاسلامية، الاعداد ۳۱، ۳۵، ۳۷ (رجب، ذ و القعدة، المحرم)، طرابلس، الجمهورية الشعبية الليبية، ۱۳۹۴هـ ش.
۲۹- سعدی، شیخ مصلح‌الدین شیرازی، بوستان، ، تصحیح محمد علی فروغی، چاپ هشتم ۱۳۷۸، هـ ش. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۰- سنگری، دکتر محمد رضا و دیگران، فارسی اول راهنمایی- خواندن، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول ۱۳۸۵هـ ش
۳۱- شفق، دکتور رضازاده تاریخ ادبیات ایران، ؛ چاپ اول ۱۳۶۹هـ ش. چاپخانهٔ آرمان، انتشارات آهنگ.
۳۲- شمیسا، دکترسیروس، بیان و معانی، چاپ هشتم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۳ هـ ش.
۳۳- شمیسا، سیروس (دکتر)، انواع ادبی، چاپ دوم، انتشارات فردوس، تهران، ایران، ۱۳۷۳ هـ ش.
۳۴- صادقی، جمال میر، قصه، داستان کوتاه، رمان، چاپ اول، انتشارات کمیتهٔ دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۶۵ هـ ش.
۳۵- طوسی، خواجه نصیرالدین، دکترجلیل تجلیل (تصحیح و اهتمام)، معیارالاشعار، چاپ اول، نشرجامی، انتشارات ناهید، تهران، ایران، ۱۳۶۹ هـ ش.
۳۶- عطایی، ابراهیم، نگاه مختصری به تاریخ معاصر افغانستان، ناشر: مرکز نشراتی میوند، کتابخانهٔ سبا.
۳۷- علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا، معانی وبیان: تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ ششم ۱۳۸۴هـ ش.
۳۸- غبار، میرغلام محمد، افغانستان درمسیرتاریخ، چاپ اول، مطبعهٔ دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۴۶ هـ ش.
۳۹- غلام، محمد، هنر و ادب فارسی، چاپ پنجم، انتشارات مدرسه، تهران، ایران، ۱۳۸۶ هـ ش.
۴۰- فرخاری، احمد یاسین، درست بنویسیم (فرهنگ املای زبان دری)، چاپ اول، انجمن هنر وادبیات افغانستان، انتشارات سعید، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷هـ ش.
۴۱- فرخاری، الحاج مولوی غلام محمد، رجال معاصر، حاجی عین‌الدین (عینی)، (زیرطبع).
۴۲- گیلانی، احمد سمیعی و دیگران، زبان فارسی سال دوم دورهٔ رهنمایی تحصیلی، ناشر: شرکت چاپ ونشر کتاب‌های درسی، ایران-تهران، چاپ چهاردهم۱۳۸۷هـ ش.
۴۳- گیلانی، احمد سمیعی، نگارش و ویرایش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) چاپ پنجم ۱۳۸۳ هـ ش. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ایران.
۴۴- گیوی، دکتور سید حسن احمدی، زبان و نگارش فارسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت) چاپ پنجم زمستان ۱۳۷۱ هـ ش.
۴۵-ماحوزی، مهدی، به کوشش، بر گزیدهٔ نظم و نثر فارسی، چاپ اول ۱۳۶۹هـ ش
۴۶- محمد غلام، هنر و ادب فارسی، انتشارات مدرسه، چاپ پنجم ۱۳۸۶ هـ ش
۴۷- مقدم، دکترمحمد علوی و دکتر رضا اشرف زاده، معانی و بیان، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۴ هـ ش.
۴۸- مودودی، سیدابوالاعلی، حجاب، ترجمهٔ پوهاند نعمت الله شهرانی، انتشارات دارالعروبه لدعوةالاسلامیهٔ لاهور، چاپ اول ۱۹۸۸م.
۴۹- مولوی، عباس علی، صنایع ادبی، چاپ اول، چاپخانهٔ اتحاد، تهران، ایران، ۱۳۵۹ هـ . ش.